

باسمه تعالیٰ

۶۰۰ مسئلہ کثیر الابتلاء

مطابق با فتاویٰ حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

مدظله العالی

فهرست مطالب

پیشگفتار / ۳۳

اخلاق / ۳۷

۱. نصیحت
۲. استاد اخلاق
۳. افکار و خیالات شیطانی
۴. فکر گناه
۵. گناهان قبل از بلوغ
۶. توبه
۷. توبه ناتمام
۸. معنای غیبت
۹. غیبت مسؤولین
۱۰. برخی موارد جواز غیبت
۱۱. جبران غیبت
۱۲. دروغ مصلحتی
۱۳. قهر کردن

استخاره / ۳۹

۱۴. استخاره
۱۵. استخاره اینترنتی
۱۶. تجدید استخاره
۱۷. عمل به استخاره

ادعیه و زیارات / ۴۰

۱۸. روش حل مشکلات
۱۹. عدم استجابیت دعا
۲۰. اسم اعظم
۲۱. دعا نویسی
۲۲. ختم انعام
۲۳. اسناد زیارت عاشورا
۲۴. زیارت ناحیه مقدسه
۲۵. تکرار قسمت‌هایی از دعاها و زیارات
۲۶. عریضه نویسی

ارث / ۴۲

۲۷. توارث
۲۸. ارث نوادگان
۲۹. محروم کردن از ارث
۳۰. وصیت به تساوی دختر و پسر در ارث
۳۱. وصیت به عدم تقسیم ارث تا زمان خاص
۳۲. وارثان دیه جنین
۳۳. فلسفه تنصیف ارث زنان

ازدواج و محرمیت / ۴۴

۳۴. ازدواج آسان
۳۵. ازدواج سادات با غیر سادات
۳۶. ازدواج با زنان اهل سنت
۳۷. ازدواج با مردان اهل سنت

۳۸. ازدواج موقت با زنان غیر مسلمان اهل کتاب (یهود و نصارا)
۳۹. ازدواج با زنان فاحشه
۴۰. ازدواج دختر باکره
۴۱. ازدواج در عده
۴۲. حرمت ازدواج خواهر مفعول بر فاعل
۴۳. اذن پدر برای دختری که دسترسی به پدر ندارد
۴۴. اذن پدر برای ازدواج مجدد دختر باکره
۴۵. مخالفت بی جهت پدر
۴۶. عقد صغیره
۴۷. اجازه زن برای ازدواج دوباره مرد
۴۸. حکم نکاح موقت
۴۹. فلسفه ازدواج موقت
۵۰. دختری که بی اذن پدر عقد موقت بسته
۵۱. عقد موقت طولانی مدت
۵۲. مهرهای سنگین
۵۳. عدول از بخشش مهر
۵۴. توافق بر مهر کمتر از مهر ثبتی
۵۵. حق حبس مهر
۵۶. کاهش یا افزایش مهر بعد از عقد
۵۷. شرط ضمن عقد نکاح
۵۸. خروج زن از منزل بی اذن زوج
۵۹. اشتغال زوجه در خارج از منزل
۶۰. اجازه شوهر در پس انداز خرجی
۶۱. اجازه شوهر در هزینه درآمد زن
۶۲. چگونگی رابطه در دوران عقد

۶۳. محدوده ارتباط در دوران نامزدی
۶۴. راه محرم شدن پسرخوانده
۶۵. راه محرم شدن دخترخوانده
۶۶. ازدواج با صغیره به قصد محرمیت
۶۷. عقد موقت دختر بچه برای پدر خوانده
۶۸. محرمیت ربیبه
۶۹. محرمیت زن و شوهر پس از وفات
۷۰. تعدد زوجات
۷۱. فلسفه عدم جواز تعدد شوهر

اهل بیت علیهم السلام / ۵۳

۷۲. ولایت تکوینی
۷۳. عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام
۷۴. علم غیب ائمه علیهم السلام
۷۵. تصاویر منتسب به حضرات معصومین علیهم السلام
۷۶. تشییع نمادین حضرت زهرا علیها السلام
۷۷. همسر و فرزندان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۷۸. نامگذاری فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام
۷۹. ازدواج امّ کلثوم با خلیفه دوم
۸۰. دیدار با امام زمان (عج)
۸۱. جزیره خضرا
۸۲. زیارت امامزادگان
۸۳. توسعه حرم
۸۴. محدوده صدق تربت سیدالشهدا علیه السلام
۸۵. روش صحیح خوردن تربت امام حسین علیه السلام

۸۶ شبیه خوانی

۸۷ لعن و توهین به خلفای اهل سنت عليهم السلام

۸۸ فلسفه تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله

بانک / ۵۶

۸۹ قوانین بانکی

۹۰ حقوق کارمندان بانک

۹۱ جوایز بانکها

۹۲ وام گرفتن

۹۳ مصرف وام برخلاف قرارداد

۹۴ وظیفه کسی که وام را برخلاف قرارداد صرف کرده

۹۵ وام گیرندگانی که ورشکست شده اند

۹۶ خرید و فروش امتیاز وام

۹۷ کارمزد

۹۸ جریمه دیرکرد

۹۹ شرط سپرده

۱۰۰ سپرده بانکها

۱۰۱ سپرده طلا

پزشکی / ۵۸

۱۰۲ مراجعه به پزشک غیر همجنس

۱۰۳ جزّاحی زیبایی

۱۰۴ پیوند اعضا

۱۰۵ خرید و فروش کلیه

۱۰۶ انرژی درمانی

۱۰۷. شبیه سازی
۱۰۸. ماز و خیسیم
۱۰۹. هینوتیزم
۱۱۰. تغییر جنسیت
۱۱۱. احکام شرعی مرگ مغزی
۱۱۲. تجدید دستگاہ‌های کسی که مرگ مغزی شده است
۱۱۳. جلوگیری از انعقاد نطفه
۱۱۴. اسقاط جنین
۱۱۵. اسقاط جنین برای حفظ مادر
۱۱۶. مادر جانشین
۱۱۷. تلقیح نطفه بیگانه
۱۱۸. روش تلقیح مجاز با نطفه بیگانه
۱۱۹. استفاده از خوردنی‌های حرام به عنوان دارو

پوشش، نگاه و ارتباط / ۶۲

۱۲۰. فلسفه حجاب
۱۲۱. حجاب زنان در برابر نامحرم
۱۲۲. حجاب زنان در مقابل محارم
۱۲۳. حجاب زنان در برابر زنان
۱۲۴. پوشش کف و پشت پای زنان
۱۲۵. سن تمییز و نحوه پوشش در برابر افراد ممیز
۱۲۶. پوشاندن موی مصنوعی و کلاه گیس
۱۲۷. پوشاندن انگشتر و زینت‌های دیگر در برابر نامحرم
۱۲۸. حد پوشش در خواستگاری
۱۲۹. حجاب مردان در برابر نامحرم

۱۳۰. حجاب مردان در برابر مردان
 ۱۳۱. لباس آستین کوتاه
 ۱۳۲. پوشیدن لباس مختصّ زنان و مردان
 ۱۳۳. طلا برای مردان
 ۱۳۴. کراوات
 ۱۳۵. فلسفه حرمت طلا و ابریشم برای مردان
 ۱۳۶. دیدن فیلم و عکس نامحرم
 ۱۳۷. تماشای مسابقات ورزشی برای بانوان
 ۱۳۸. نگاه به زنان نامحرم در تلویزیون
 ۱۳۹. تماشای تصاویر مبتذل
 ۱۴۰. عطر زدن برای خانم‌ها در بیرون از منزل
 ۱۴۱. صلّه رحم با بستگان گناهکار
 ۱۴۲. چت کردن
 ۱۴۳. گفت‌وگو با نامحرم در محلّ کار
 ۱۴۴. گفت‌وگو و مرادوات دختر و پسر
 ۱۴۵. دوستی با نامحرم
 ۱۴۶. دست دادن با نامحرم

آرایش و پیرایش / ۶۷

۱۴۷. آرایش زنان
 ۱۴۸. سرمه کشیدن
 ۱۴۹. اصلاح دختران
 ۱۵۰. اصلاح و آرایش زنانه برای مردان
 ۱۵۱. ریش تراشی
 ۱۵۲. حداقلّ محاسن
 ۱۵۳. تاتو کردن

تقلید و بلوغ / ۶۸

۱۵۴. تقلید در زمان ائمه علیهم السلام
۱۵۵. نشانه‌های بلوغ
۱۵۶. سنّ بلوغ دختران
۱۵۷. وظیفه کسانی که تا کنون مرجع تقلید نداشته‌اند
۱۵۸. وظیفه کسانی که مرجع تقلیدشان از دنیا رفته است
۱۵۹. بقای بر تقلید میت

حج و عمره / ۷۰

۱۶۰. استطاعت مالی در حج
۱۶۱. مهر و استطاعت حج
۱۶۲. واگذاری فیش حج
۱۶۳. اعمال حج برای کودکان
۱۶۴. قربانی حج در وضعیت فعلی
۱۶۵. حکم کسی که پس از مراجعه به وطن متوجه شده طواف یا نماز طواف وی باطل بوده است
۱۶۶. رنگ کردن مو و امثال آن برای کسی که به حج تمتع می‌رود
۱۶۷. استفاده محرم از ژل ضد عفونی
۱۶۸. استفاده از دستکش شفاف برای زنان محرم
۱۶۹. سعی در مسعای جدید
۱۷۰. لبیک پنجم
۱۷۱. گفتن حاجی به معتمر
۱۷۲. عمره دوم در یک ماه قمری
۱۷۳. عمره به جا آوردن به نیت خود و دیگران
۱۷۴. رفتن به عمره با توجه به اینکه برای آل سعود درآمد دارد

حدود و دیات / ۷۳

۱۷۵. فلسفه تنصیف دیه زنان

۱۷۶. بیمه دیه زن و مرد

۱۷۷. ماه‌های حرام

۱۷۸. دیه جنین

۱۷۹. دیه جنین بر عهده کیست؟

۱۸۰. سنگسار

۱۸۱. اجرای حدود در ملاء عام

حقّ الناس و حقّ والدین / ۷۴

۱۸۲. روش جبران حقّ النَّاس

۱۸۳. ردّ مظالم

۱۸۴. روش جبران حقوق غیر مالی مردم

۱۸۵. تصرّف در املاک دیگران

۱۸۶. حقّ الماره

۱۸۷. اصلاحات اراضی

۱۸۸. اشیاء گمشده

۱۸۹. تنبیه بدنی فرزند

۱۹۰. تنبیه بدنی دانش آموزان

۱۹۱. محدوده نافرمانی از والدین

۱۹۲. رضایت والدین جهت طلبگی

۱۹۳. استفاده از اموال کسی که درآمد او شبهه‌ناک است

۱۹۴. تصرّف در مال مخلوط به حرام

۱۹۵. محدوده استفاده میهمان از اموال صاحب‌خانه

۱۹۶. پارتی بازی

۱۹۷. حقّ تألیف و حقّ اختراع

۱۹۸. استمرار حقّ تألیف و حقّ اختراع

۱۹۹. کپی رایت

۲۰۰. مصداق محارب

۲۰۱. مستثنیات دین

خمس / ۷۹

۲۰۲. روش محاسبه خمس

۲۰۳. تصرف در اموال کسی که خمس نمی دهد

۲۰۴. پرداخت خمس به واجب النّفقه

۲۰۵. خمس ارث

۲۰۶. خمس باقیمانده مواد مصرفی

۲۰۷. خمس پاداش بازنشستگی

۲۰۸. خمس پس انداز مسکن و اتومبیل و جهیزیّه و مانند آن

۲۰۹. خمس پول تو جیبی

۲۱۰. خمس پول رهن منزل

۲۱۱. خمس جهیزیّه

۲۱۲. خمس سرّقلی

۲۱۳. خمس سرمایه بورس و اوراق مشارکت

۲۱۴. خمس سهام عدالت

۲۱۵. خمس شهریّه و مرجوعی

۲۱۶. خمس طلا

۲۱۷. زکات سکه طلا

۲۱۸. خمس طلب

۲۱۹. خمس وام

۲۲۰. خمس هدیه

۲۲۱. روش محاسبه خمس هزینة حج و عمره کسانی که سال خمسی دارند

۲۲۲. روش محاسبهٔ خمس هزینة حج و عمرهٔ کسانی که سال خمسی ندارند
۲۲۳. روش محاسبهٔ خمس هزینة حج و عمرهٔ کارمندان و کارگرانی که سال خمسی ندارند و زمان اولین دریافت حقوق را به یاد دارند
۲۲۴. روش محاسبهٔ خمس هزینة حج و عمرهٔ کارمندان و کارگرانی که سال خمسی ندارند و زمان دریافت اولین حقوق را به یاد ندارند
۲۲۵. کسانی که مادر آنها سید است
۲۲۶. مالیات جایگزین خمس نمی شود
۲۲۷. همکاری با شریکی که خمس نمی دهد

خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها / ۸۳

۲۲۸. حجیت آرم حلال
۲۲۹. ماء الشعیر
۲۳۰. ماء الشعیر دارای الکل با درصد پایین
۲۳۱. الکل موجود در غذا
۲۳۲. شیر خوردن نوزاد از سینهٔ زخمی مادر
۲۳۳. پیدا شدن نجاست در غذای پخته شده
۲۳۴. خون‌هایی که هنگام پختن غذاهای گوشتی خارج می شود
۲۳۵. زدن لیوان آب به همدیگر مثل شراب خواران
۲۳۶. سیگار
۲۳۷. شکار لہوی و حرام
۲۳۸. ماهیان ظاهراً خوراکی
۲۳۹. علت حرمت آبزیان حرام گوشت
۲۴۰. مردن ماهی صید شده در ظرف آب
۲۴۱. نشانه‌های پرندگان حلال گوشت
۲۴۲. گوشت بلبل
۲۴۳. گوشت بوفالو

۲۴۴. گوشت طوطی، مرغ عشق، مرغ مینا
 ۲۴۵. گوشت کلاغ و زاغ
 ۲۴۶. گوشت قو
 ۲۴۷. خوردن ملخ مرده
 ۲۴۸. گوشت پنگوئن
 ۲۴۹. گوشت زرافه
 ۲۵۰. گوشت کرگدن که گیاه خوار است
 ۲۵۱. خوردن گوشت یا جگر خام
 ۲۵۲. شکلات حاوی ژلاتین گاو
 ۲۵۳. خون داخل تخم مرغ و شیر

خون های سه گانه / ۸۶

۲۵۴. کارهایی که بر حائض حرام است
 ۲۵۵. زیارت امام زاده برای حیض
 ۲۵۶. زیارت ائمه علیهم السلام
 ۲۵۷. قرائت قرآن در حال حیض
 ۲۵۸. حرمت نزدیکی در ایام حیض
 ۲۵۹. نزدیکی کردن بعد از پاکی از حیض و قبل از غسل
 ۲۶۰. لکه بینی قبل از حیض
 ۲۶۱. تجاوز خون از ده روز
 ۲۶۲. خون های نامنظم
 ۲۶۳. طهر متخلّل
 ۲۶۴. استفاده از قرص جلوگیری برای قطع عادت ماهیانه
 ۲۶۵. استحاضه و خونهای مشکوک
 ۲۶۶. زنان فاقد رحم که یائسه نیستند

۲۶۷. یائسگی زنان سیّده و غیر سیّده

۲۶۸. خون پس از یائسگی

رسانه / ۹۰

۲۶۹. ماهواره

۲۷۰. شبکه استانی

۲۷۱. حکم گوش دادن به رادیوهای بیگانه

۲۷۲. اینترنت

۲۷۳. فیس بوک

۲۷۴. دیدن برنامه‌های طنز

۲۷۵. کاریکاتور

روزه و اعتکاف / ۹۱

۲۷۶. رؤیت هلال

۲۷۷. تشخیص ضرر برای روزه

۲۷۸. افطار بدون ضرورت شرعی

۲۷۹. تشنگی شدید

۲۸۰. قضا و کفّاره روزه زن باردار و شیرده

۲۸۱. کسی که نماز یا روزه قضا دارد

۲۸۲. روزه بیمار و قضای آن

۲۸۳. جنابت روزه‌دار

۲۸۴. ملاحظه

۲۸۵. مساواک زدن روزه‌دار

۲۸۶. تزریق آمپول و سرم در حال روزه

۲۸۷. سخن گفتن با نامحرم در حال روزه

۲۸۸. عدم توانایی بر پرداخت کفّاره عمد

۲۸۹. فطره میهمان یک شبه

۲۹۰. مصرف زکات فطره

۲۹۱. شب‌های قدر در سراسر کره زمین

۲۹۲. اعتکاف در غیر مسجد جامع

۲۹۳. اعتکاف مسافر در مدینه

۲۹۴. قضای اعتکاف

طلاق و عدّه / ۹۵

۲۹۵. طلاق غیابی

۲۹۶. طلاق در خارج از کشور

۲۹۷. رعایت عدّه در صورت علم به عدم حمل

۲۹۸. نفقه ایام عدّه و اطاعت از شوهر

۲۹۹. رعایت حجاب در عدّه

۳۰۰. شروع عدّه وطی به شبهه

طهارت و نجاست / ۹۶

۳۰۱. درمان وسواس

۳۰۲. واسطه‌ها در نجاست

۳۰۳. غسله

۳۰۴. ملاقات با نجاست در باطن

۳۰۵. ملاقات با نجاست در داخل دهان

۳۰۶. نجاست کفّار

۳۰۷. نجاست محلّی که سگ از آن جا عبور کرده است

۳۰۸. حکم فاضلاب

۳۰۹. حکم اشیاء چرمی که مشتبه است

۳۱۰. تطهیر بول با آب قلیل

۳۱۱. تطهیر موکت چسبیده به زمین
 ۳۱۲. تطهیر فرش یا مکان نجس
 ۳۱۳. تطهیر با ماشین لباسشویی
 ۳۱۴. تطهیر موبایل نجس شده
 ۳۱۵. وضو، غسل و تطهیر با آب دریاچه نمک
 ۳۱۶. نجس شدن دریاچه نمک

عزاداری / ۱۰۰

۳۱۷. بهترین شیوه عزاداری
 ۳۱۸. عزاداری امام حسین علیه السلام
 ۳۱۹. مداحی‌های مطلوب
 ۳۲۰. زبان حال
 ۳۲۱. اشعار و الفاظ نامربوط
 ۳۲۲. حمل علامت در عزاداری
 ۳۲۳. طبل و سنج
 ۳۲۴. موسیقی در عزا
 ۳۲۵. نی زدن
 ۳۲۶. قمه زنی
 ۳۲۷. بالا و پایین پریدن
 ۳۲۸. برهنه شدن
 ۳۲۹. طشت گذاری و الوار کشی
 ۳۳۰. استفاده از بلندگو
 ۳۳۱. گریه بلند در عزاداری
 ۳۳۲. پوشیدن لباس مشکی
 ۳۳۳. کار کردن در روز عاشورا
 ۳۳۴. نماز ظهر روز عاشورا

۳۳۵. روزه در محرم و روزه عاشورا
 ۳۳۶. آرایش کردن در ایام عزاداری
 ۳۳۷. حنا گذاشتن در ایام عزاداری
 ۳۳۸. سرمه کشیدن
 ۳۳۹. عقد کردن در ایام عزا
 ۳۴۰. نزدیکی کردن در ایام عزا
 ۳۴۱. استفاده از تخمه و مانند آن در عزا

علم جفر، جن، روح و خرافات / ۱۰۴

۳۴۲. سحر و جادو
 ۳۴۳. چشم زخم
 ۳۴۴. علم جفر
 ۳۴۵. احضار روح
 ۳۴۶. جنّ
 ۳۴۷. احضار جنّ
 ۳۴۸. اوراق شیخ احمد
 ۳۴۹. چهارشنبه سوری
 ۳۵۰. سیزده بدر

غسل و وضو / ۱۰۶

۳۵۱. شستن مرتبه دوم دست و صورت به هنگام وضو
 ۳۵۲. بالا و پایین بردن انگو و ساعت و مانند آن در وضو
 ۳۵۳. جوهر خودکار
 ۳۵۴. کرم برای وضو
 ۳۵۵. سرمه برای وضو
 ۳۵۶. غسل کردن و وضو گرفتن بالاک

۳۵۷. وضو با موی مصنوعی
۳۵۸. کاشت ناخن مصنوعی
۳۵۹. خالکوبی
۳۶۰. حکم تاتو لب و ابرو و غسل و وضو با آن
۳۶۱. استفاده از آب بدون نصب کنتور
۳۶۲. سلسل البول و الريح شدید
۳۶۳. وضو گرفتن قبل از وقت
۳۶۴. چگونگی مسح بر موی ژل زده
۳۶۵. مانع در وضو و غسل
۳۶۶. نیت در عبادات
۳۶۷. جبیره تمام عضو
۳۶۸. وضو و غسل جبیره‌ای
۳۶۹. عوامل جنابت
۳۷۰. ورود به مسجد برای حائض و جنب
۳۷۱. لمس کسانی که به شکل کلمه مقدس «الله» ایستاده‌اند
۳۷۲. احتلام زنان
۳۷۳. نشانه‌های منی
۳۷۴. استبراء از بول
۳۷۵. استبراء از منی
۳۷۶. مبطلات غسل
۳۷۷. کفایت یک غسل از تمام غسل‌هایی که بر ذمه داشته
۳۷۸. کسی که نمی‌دانسته غسل بر او واجب شده
۳۷۹. کسی که ترتیب راهنگام غسل رعایت نکرده
۳۸۰. غسل جنابت در ایام حیض
۳۸۱. شرم از غسل کردن
۳۸۲. شک هنگام غسل

۳۸۳. غسل‌هایی که کفایت از وضو می‌کند

۳۸۴. یک غسل با چندین نیت

۳۸۵. خشک بودن بدن قبل از غسل

۳۸۶. زمان غسل جمعه

فِرَق و ادیان / ۱۱۴

۳۸۷. معاشرت با غیر مسلمانان

۳۸۸. معاشرت با اعضای فرقه ضالّه

۳۸۹. صوفیه

۳۹۰. عرفان کیهانی

فلسفه احکام و مباحث کلامی / ۱۱۵

۳۹۱. مقایسه مقام اولیاء الله

۳۹۲. رجعت

۳۹۳. جهاد ابتدایی

۳۹۴. ولایت فقیه

۳۹۵. وحدت وجود

۳۹۶. خلقت انسان

۳۹۷. عالم ذر

۳۹۸. فلسفه حکم ارتداد

۳۹۹. تفاوت حکم مرتد ملی با مرتد فطری

۴۰۰. چرا شهادت دو زن معادل شهادت یک مرد است

قرآن / ۱۱۷

۴۰۱. خواندن ترجمه قرآن

۴۰۲. آیات سجده واجب

۴۰۳. رعایت حجاب هنگام قرائت قرآن
 ۴۰۴. قرائت قرآن خواهران نزد مردان
 ۴۰۵. تحریف قرآن
 ۴۰۶. ضمیر مذکر برای خدا
 ۴۰۷. گردنبند اسامی مقدسه
 ۴۰۸. روش محو اسامی مقدسه
 ۴۰۹. افتادن موبایل، نوار و سی دی حاوی قرآن در چاه توالت

قوانین و بیت‌المال / ۱۱۹

۴۱۰. رعایت قوانین کشور
 ۴۱۱. استفاده از دفترچه بیمه دیگران
 ۴۱۲. استفاده شخصی از بیت‌المال
 ۴۱۳. اشتغال به کارهای شخصی در وقت کار
 ۴۱۴. هدیه و پاداش دادن به کارکنان ادارات
 ۴۱۵. دریافت هدایای ارباب رجوع
 ۴۱۶. تقلب در امتحانات
 ۴۱۷. تقلب در کنکور و آزمون‌های استخدامی

مسائل جنسی / ۱۲۰

۴۱۸. نزدیکی‌های حرام
 ۴۱۹. نزدیکی در زمان استحاضه
 ۴۲۰. التذاذ زن و شوهر از یکدیگر
 ۴۲۱. رابطه جنسی غیرمتعارف
 ۴۲۲. خوردن شیر همسر
 ۴۲۳. استمناء و خودارضایی

۴۲۴. راه حل مشکل جنسی

۴۲۵. خانه عفاف

مسجد / ۱۲۲

۴۲۶. مسجد مقدس جمکران

۴۲۷. استفاده از مسجد برای بسیج و کارهای فرهنگی دینی

۴۲۸. استفاده از امکانات مسجد و حسینیه برای عروسی و مانند آن

۴۲۹. اجاره دادن وسایل مسجد

۴۳۰. نوسازی و بازسازی مساجد

۴۳۱. تخریب بنای مسجد

۴۳۲. عقب‌نشینی مسجد

۴۳۳. ورزش در مسجد و حسینیه

۴۳۴. اشیاء غیر قابل استفاده مساجد

۴۳۵. پخش اذان و سایر برنامه‌ها از مسجد

معاملات و مسائل مربوط به آن / ۱۲۴

۴۳۶. حقیقت مضاربه

۴۳۷. سود مضاربه

۴۳۸. مضاربه با سودهای کلان

۴۳۹. نمونه‌ای از قرارداد مضاربه

۴۴۰. اوراق مشارکت

۴۴۱. فارکس

۴۴۲. گلدکوئست

۴۴۳. خرید و فروش چک

۴۴۴. خرید و فروش سهام

۴۴۵. مجسمه
۴۴۶. خرید و فروش و نصب آنتن ماهواره
۴۴۷. ساخت و خرید و فروش طلای مردانه
۴۴۸. فروش لباس و انجام آرایش
۴۴۹. کالاهای اسرائیلی
۴۵۰. معامله پول با پول
۴۵۱. معاملات آتی
۴۵۲. مزایده‌های اینترنتی
۴۵۳. معامله کالای قاچاق
۴۵۴. اجاره بدون تعیین مدت
۴۵۵. اجاره طلا
۴۵۶. رهن و اجاره
۴۵۷. فروش نسیه یا اقساط با قیمت بیشتر
۴۵۸. نرخ سود کالا و خدمات
۴۵۹. محاسبه تورم در دیون
۴۶۰. بالا بردن قیمت و اضافه کردن مهلت
۴۶۱. بدهی و تورم
۴۶۲. برداشت از کارت‌های اعتباری با کسر کارمزد
۴۶۳. برهم زدن تقسیم مورد توافق
۴۶۴. معنای احتکار
۴۶۵. انبار کردن کالای غیر ضروری
۴۶۶. وکالت در خرید
۴۶۷. بازدید از سایت‌ها و گرفتن اجرت
۴۶۸. حق الزحمه‌ای که به واسطه خرید شرکت‌ها و ادارات می‌دهند
۴۶۹. بیمه عمر

۴۷۰. تعریف سرقتی

۴۷۱. حق کسب و پیشه

موسیقی و مجالس شادی / ۱۳۳

۴۷۲. موسیقی

۴۷۳. آثار زیانبار موسیقی

۴۷۴. خرید و فروش و نگهداری و تعلیم و تعلّم آلات موسیقی

۴۷۵. گوش دادن به آواز زن

۴۷۶. سرود دسته جمعی خواهران

۴۷۷. سرود دسته جمعی مختلط

۴۷۸. منظور از لهو و لعب

۴۷۹. کف زدن

۴۸۰. رقصیدن

۴۸۱. شاباش

۴۸۲. شرکت در مجالس آلوده به گناه

۴۸۳. مجالس شادی مشروع

نذر / ۱۳۵

۴۸۴. صیغه نذر

۴۸۵. نذر با کتابت

۴۸۶. نذر برای ائمه

۴۸۷. نذر روزه

۴۸۸. نذر روزه در سفر

۴۸۹. نذر روزه کسی که قضا یا کفاره دارد

۴۹۰. نذر زن

۴۹۱. نذر فرزند

۴۹۲. نذر شمع
 ۴۹۳. آجیل مشکل‌گشا
 ۴۹۴. نذر سفره
 ۴۹۵. نذرهای سنگین
 ۴۹۶. نذر برای دیگران
 ۴۹۷. از بین رفتن مورد نذر
 ۴۹۸. عدم توانایی عمل به نذر
 ۴۹۹. رجحان مورد نذر
 ۵۰۰. میزان تأخیر در ادای نذر
 ۵۰۱. تغییر نذر
 ۵۰۲. تبدیل نذر نوشیدنی خنک به گرم
 ۵۰۳. فراموشی نذر
 ۵۰۴. اضافه نذورات
 ۵۰۵. کفاره نذر
 ۵۰۶. در چند صورت نذر منعقد نمی‌شود

نماز و اذان / ۱۴۰

۵۰۷. راه حل سستی و کاهلی در نماز
 ۵۰۸. حضور قلب در نماز
 ۵۰۹. نماز به زبان عربی
 ۵۱۰. نماز کسی که شراب خورده
 ۵۱۱. خواندن نماز هنگام اذان
 ۵۱۲. تکلیف فرد خواب، مجنون و بیهوش
 ۵۱۳. انحراف از قبله در نمازهای گذشته
 ۵۱۴. نماز و روزه در قطبین
 ۵۱۵. نماز فرادا به هنگام نماز جماعت

۵۱۶. قنوت فارسی
۵۱۷. شهادت ثالثه در نماز
۵۱۸. سجده بر مهر جرم گرفته
۵۱۹. سجده بر مهر شکسته
۵۲۰. جهر و اخفات نماز ظهر در روز جمعه
۵۲۱. بستن چشمان در نماز
۵۲۲. اضافه کردن «و عجل فرجهم» در نماز
۵۲۳. امامت غیر روحانی
۵۲۴. اقتدا به امام جماعت مخالف حکومت اسلامی
۵۲۵. اقتدا به امام جماعت ناشناس
۵۲۶. امام راتب
۵۲۷. تخلفات امام جماعت
۵۲۸. شرکت در نماز جماعت اهل تسنن
۵۲۹. جدا شدن از نماز جماعت
۵۳۰. شیوه نماز دور کعبه به اعتقاد شیعه
۵۳۱. دست دادن پس از نماز جماعت
۵۳۲. چگونگی نماز قضا
۵۳۳. ترتیب در قضای نمازها
۵۳۴. قضای نماز و روزه والدین
۵۳۵. قضای نمازها و روزه‌هایی که مقدار آن معلوم نیست
۵۳۶. زمان به جا آوردن نماز قضا
۵۳۷. موارد وجوب نماز آیات
۵۳۸. روش خواندن نماز آیات
۵۳۹. زمان نماز آیات در وقت زلزله یا صاعقه
۵۴۰. وقت نماز آیات هنگام خورشید یا ماه گرفتگی

- ۵۴۱. قضای نماز آیات
- ۵۴۲. وظیفه حائض در مورد نماز آیات
- ۵۴۳. تکرار عامل نماز آیات
- ۵۴۴. نماز شب
- ۵۴۵. راه توفیق نماز شب و قضا نشدن نماز صبح
- ۵۴۶. تکرار برخی از الفاظ نماز
- ۵۴۷. نماز اول وقت در روز جمعه
- ۵۴۸. رسیدن به رکعت دوم نماز جمعه
- ۵۴۹. فلسفه جهر و اخفات نمازها
- ۵۵۰. فلسفه حجاب زنان در نماز
- ۵۵۱. شهادت رابعه

ورزش‌های سالم و ناسالم / ۱۴۹

- ۵۵۲. شطرنج
- ۵۵۳. پاسور، بلیارد و تخته نرد
- ۵۵۴. بولینگ
- ۵۵۵. ورزش آیروبیک
- ۵۵۶. قمار و شرط‌بندی
- ۵۵۷. جوایز مسابقات علمی، ورزشی و مانند آن
- ۵۵۸. پیش بینی نتایج فوتبال
- ۵۵۹. دوچرخه‌سواری و موتورسواری و اسب‌سواری بانوان

وطن و احکام مسافر / ۱۵۰

- ۵۶۰. حکم وطن
- ۵۶۱. وطن پدری
- ۵۶۲. اعراض عملی

- ۵۶۳. نماز و روزه در وطن سابق
- ۵۶۴. نماز زوجه در وطن سابق
- ۵۶۵. کثیر السفر
- ۵۶۶. معیار کثیر السفر
- ۵۶۷. نماز و روزه دانشجویان و امثال آن
- ۵۶۸. قصد ده روز در دو محل

وقف / ۱۵۳

- ۵۶۹. وقف از نظر شرع مقدّس
- ۵۷۰. وقف معاطاتی
- ۵۷۱. تغییر اوقاف
- ۵۷۲. تبدیل مکان‌های موقوفه غیر مورد نیاز
- ۵۷۳. تبدیل املاک موقوفه غیر قابل استفاده
- ۵۷۴. تبدیل اجناس و اشیاء موقوفه
- ۵۷۵. فروش قبرهای موقوفه

متفرقه و سایر مسائل به ترتیب حروف الفبا / ۱۵۵

- ۵۷۶. آموزش فلسفه
- ۵۷۷. احیاء موات
- ۵۷۸. استفاده از سلاح هسته‌ای
- ۵۷۹. اعتبار تقویم‌های نجومی
- ۵۸۰. پس گرفتن هدیه
- ۵۸۱. پیامک صلوات
- ۵۸۲. تعبیر خواب
- ۵۸۳. تکدی‌گری

۵۸۴. جواب سلام پیامک
۵۸۵. حضور در کشورهای اسلامی و جنگ با دشمنانشان
۵۸۶. خودکشی
۵۸۷. درهم
۵۸۸. دینار
۵۸۹. سفره هفت سین
۵۹۰. شهید کیست؟
۵۹۱. دخل و تصرف در صندوق صدقات
۵۹۲. ظروف نانو نقره
۵۹۳. عقیقه
۵۹۴. عملیات استشهادی
۵۹۵. کمک به گدایانی که استحقاق آنها روشن نیست
۵۹۶. لطفیه‌های قومی
۵۹۷. مالک یارانه
۵۹۸. مراسم عید نوروز
۵۹۹. نامگذاری دختران به «الهه» و پسران به «رحمان» و «رحیم»
۶۰۰. وظیفه طلاب

پیشگفتار

یکی از دغدغه‌های انسان عاقل آن است که راه و رسم زندگی و روش مواجهه با موضوعات مختلف را از کارشناسان امر سوال نماید و یا با تحقیق به روش مطلوب دست پیدا نماید. هدف اصلی انسان رسیدن به سعادت است و راه سعادت مانند تمام راه‌های دیگر نیازمند راهنما است و طبیعتاً راهنما باید از منبع اطلاعاتی کاملی برخوردار باشد. ما معتقدیم که خداوند حکیم انسان را خلق نمود و راه و رسم زندگی جاودان و سعادت‌مندانه را به وسیله فرستادگانش برای او روشن ساخت. بشریت همیشه مُحتاج تعالیم حَقّه الهی بوده، تا بتواند به آرامش برسد و مسیر تکامل را طی نماید و امروز پیمودن این راه فقط در پرتو فقه شیعی ممکن است و آنان که از پرتو فقهت دور شدند، در ظلمت دنیا اسیر شیطان و شیطان صفتان گشته، دنیا و آخرت خود را تباه شده دیدند.

مجموعه حاضر نظرات فقیه عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی) پیرامون ششصد مسئله مورد نیاز است که به دستور معظم له تهیه و تنظیم گردیده است. از مهمترین دلایل گردآوری این مجموعه دستیابی آسان شما عزیزان به مسائل شرعی مورد نیاز می باشد، بدون مبالغه می توان گفت با مطالعه این کتاب پاسخ بسیاری از سؤالات شرعی را که در ذهن دارید به دست خواهید آورد. لازم به ذکر است گلچین شدن مطالب این کتاب از بین هزاران سؤال شرعی حاصل سالها تجربه و بررسی کارشناسانه در مورد نیازهای فقهی جامعه امروز بوده است. جا دارد از تمام عزیزانی که در تهیه این مجموعه یاریمان نموده اند به ویژه اعضای محترم «سامانه پیام کوتاه» دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه العالی) خصوصاً حجت الاسلام محمد صادق غلامی و حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم علیان نژادی تقدیر و تشکر نمایم؛ مشتاقانه منتظر راهنمایی ها، انتقادات و پیشنهادات خوانندگان محترم خصوصاً جوانان پویا و حقیقت جو هستیم.

در آخر عرضه می داریم، پروردگارا! هر چند عمل و کردار ما بندگان تو، ناچیز است، اما کرم توبی حدّ است، از ذات پاکت می خواهیم این اثر ناقابل را از ما بپذیری و پدر و مادر، خانواده، اساتید و دوستان و تمام کسانی که به گردن ما حقی دارند و تمام آنهایی که در طول تاریخ خالصانه - در حدّ توان خود - برای خدا

تلاش کردند، را در ثوابش شریک گردانی و حضرت مهدی فاطمه (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از ما راضی و خشنود سازی.

وحید علیان نژاد

شب شهادت حضرت امام هادی علیه السلام

۲ رجب ۱۴۳۳ - ۴ خرداد ۱۳۹۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عمل ابن سبأ المجزی و مبری
ذمہ است ان شاء اللہ

تم۔ نامہ کا نام ان
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اخلاق

۱. **نصیحت:** سعی کنید همواره به یاد خدا باشید و تا می توانید به مردم خدمت کنید و نمازها را اول وقت به جا آورید و از همنشینی با دوستان ناباب و شرکت در مجالس آلوده جداً پرهیزید.
۲. **استاد اخلاق:** ما درباره اشخاص قضاوت نمی کنیم، ولی می توانید از هر کس که مسائل اخلاقی برگرفته از قرآن و روایات را در اختیارتان می نهد استفاده کنید. همچنین می توانید از کتاب های خوب اخلاقی، از جمله کتاب «اخلاق در قرآن» بهره بگیرید.
۳. **افکار و خیالات شیطانی:** این اوهام و خیالات که بی اختیار به ذهن انسان می رسد، گناه محسوب نمی شود. و برای رفع آن، مداومت بر ذکر «لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم» مؤثر است.
۴. **فکر گناه:** فکر گناه هرگاه منتهی به ارتکاب گناه نشود، گناه نیست، ولی بی شک آثار نامطلوبی بر روح انسان می گذارد.
۵. **گناهان قبل از بلوغ:** برخی گناهان که قبیح و زشتی آن از نظر عقلی واضح است بر او نوشته می شود؛ بنابراین، خوب است از همه آنها توبه کند.

۶. **توبه:** به طور جدّی از گناهان خود توبه و آنها را ترک کرده و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران کنید. إن شاء الله مشمول بخشایش الهی شوید.

۷. **توبه ناتمام:** نباید توبه‌های ناتمام را بی‌اثر بدانیم و از اینکه توبه را می‌شکنیم ناامید نشویم و باز عزم را جزم کنیم و به درگاه و اسعاهش باز آییم و توبه کنیم و چندان این کار را تکرار کنیم تا إن شاء الله به توبه بی‌بازگشت و ناگسستنی نایل شویم.

۸. **معنای غیبت:** غیبت آن است که عیب پنهانی کسی را پشت سر او بگویند؛ ولی در مواردی که مسأله مهمّی مطرح باشد؛ مانند مشورت و اصلاح ذات‌البین و امثال آن استثنا شده است.

۹. **غیبت مسؤولین:** غیبت هیچ‌کس جایز نیست و غیبت آن است که عیب پنهانی کسی را نزد دیگران که از آن اطلاع ندارد بیان کند؛ امّا انتقادهای سازنده همراه با ادب و احترام اشکالی ندارد.

۱۰. **برخی موارد جواز غیبت:** غیبت فقط در مواردی مانند دادخواهی در برابر ظلم‌هایی که به انسان شده و مشورت دادن و نهی از منکر که تنها از همین راه ممکن باشد جایز است.

۱۱. **جبران غیبت:** در صورت امکان و عدم مفسده باید از غیبت شونده حلالیت بطلبد، در غیر این صورت لازم است به قدری برای او کارهای خیر انجام دهد تا یقین به رضایت وی حاصل شود.

۱۲. **دروغ مصلحتی:** دروغ مصلحتی آن است که دروغ، مصلحت

مهم‌تری از راست گفتن داشته باشد؛ مانند دروغ گفتن برای آشتی دادن دو یا چند نفر. البته هرگاه با توریه^۱ امکان خلاصی از دروغ باشد، احتیاط واجب آن است که از این راه استفاده کنند.

۱۳. قهر کردن: قهر کردن از نظر اسلام کار بسیار نامطلوبی است؛ به‌ویژه اگر به بهانه‌های کوچک باشد. در روایات آمده است که هر کدام از دو طرف در آشتی پیشقدم شود روز قیامت زودتر از دیگری وارد بهشت می‌شود.

استخاره

۱۴. استخاره: استخاره نوعی مشورت با خداوند است به این معنی که اگر انسان در انجام دادن یا ترک کردن کاری مردّد شود نخست درباره آن و آثار و لوازم و توابعش بیندیشد، اگر به نتیجه رسید طبق آن عمل می‌کند و گرنه با کارشناسان و افراد با تجربه و آگاه در مورد آن مشورت می‌کند اگر به نتیجه رسید طبق آن عمل می‌کند در غیر این صورت از طریق استخاره با خداوند مشورت کرده و مطابق آن عمل می‌کند.

۱۵. استخاره اینترنتی: در صورتی که یک فرد حقیقی استخاره را انجام دهد و نتیجه اعلام شود یا نرم‌افزار طوری تنظیم شده باشد که آیات آغاز یکی از صفحات قرآن را بدون اطلاع قبلی منعکس کند، مانعی ندارد.

۱. «توریه»: سخنی دوپهلوی است که شنونده از آن چیزی می‌فهمد ولی مقصود گوینده چیز دیگری است.

۱۶. **تجدید استخاره:** هیچ‌گاه تجدید استخاره درست نیست؛ مگر اینکه مدّت قابل ملاحظه‌ای بگذرد یا شرایط مورد استخاره تغییر کند.

۱۷. **عمل به استخاره:** عمل به استخاره واجب نیست، ولی سعی کنید مخالفت نشود؛ مگر اینکه مدّت قابل ملاحظه‌ای تأخیر بیندازد و بعد اقدام کند.

ادعیه و زیارات

۱۸. **روش حلّ مشکلات:** سعی کنید تمام نمازها، به‌ویژه نماز صبح را اوّل وقت به‌جا آورید و پس از نماز صبح دست راست را بر سینه نهاده، هفتاد مرتبه ذکر «یا فتّاح» بگویید، سپس ۱۱۰ مرتبه صلوات بفرستید و گاه نیز ذکر «لا حول و لا قوّة الاّ بالله» را تکرار کنید، و هر روز هر چند به مقدار کم صدقه دهید. إن شاء الله این کار در رفع مشکلات شما مؤثر است.

۱۹. **عدم استجاب دعا:** سعی کنید نیت خود را خالص کرده و از هرگونه گناه به‌ویژه استفاده از اموال حرام و مشکوک پرهیزید و به لطف خداوند امیدوار باشید.

۲۰. **اسم اعظم:** «اسم اعظم»^۱ تنها یک کلمه نیست، بلکه ایمان و اخلاق و تقوای خاصی باید با آن همراه باشد.

۱. رک: تفسیر نمونه، سورة نمل ذیل آیه ۴۰، سورة حدید ذیل آیات ۴-۶.

۲۱. دعا نویسی: نوشتن دعاهایی که از حضرات معصومین علیهم السلام رسیده و در کتابهای معتبر موجود است، اشکالی ندارد. ولی دعانویسی حرفه‌ای که شغل افراد سودجوست صحیح نیست.

۲۲. ختم انعام: بی‌شک تلاوت سوره انعام و عمل به محتوای آن می‌تواند باعث حل مشکلات شود، ولی شایسته است هنگام تلاوت سوره، مطلقاً چیزی به آن نیفزایند و هرگاه که سوره تمام شد به سراغ دعاها یا توسلات بروند.^۱

۲۳. اسناد زیارت عاشورا: جناب علقمه از امام باقر علیه السلام زیارتی نقل کرده که هر جا از زیارت عاشورا و آثار و برکات آن سخنی گفته شده و یا می‌شود، مقصود همین زیارت است. این زیارت که می‌توان آن را از دور و نزدیک خواند آثار و برکات فوق‌العاده‌ای دارد که ما برای نشان دادن اهمیّت آن به نکاتی اشاره می‌کنیم: سند این روایت اختصاص به علقمه ندارد بلکه به سه طریق دیگر نقل شده است: ۱. محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از مالک جهنی از امام باقر علیه السلام. ۲. محمد بن اسماعیل از صالح بن عقبه از پدرش از امام باقر علیه السلام. ۳. روایت معروف صفوان از امام صادق علیه السلام. ۴. البته در اسنادی که به امام باقر علیه السلام منتهی می‌شود زیارت عاشورا بدون

۱. درباره فضیلت ختم سوره انعام، مرحوم مجلسی در بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۳۴۱، ح ۵۴، باب «اعمال الاسبوع و ادعیته‌ها و صلواتها»، روایتی نقل کرده است.
 ۲. کامل‌الزیارات، باب ۷۱، حدیث ۷؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۰، ح ۱.
 ۳. بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۳، ح ۲.
 ۴. همان، ص ۲۹۶-۳۰۰.

دعا نقل شده است، اما در سند صفوان که به امام صادق علیه السلام منتهی می شود دعایی نیز برای بعد از زیارت ذکر شده که به اشتباه به «دعای علقمه» مشهور شده است، در حالی که صحیح این بود که به «دعای صفوان» نامگذاری می شد. و عدم ذکر نام خلفا برای جلوگیری از برخوردهای نامناسب است.

۲۴. زیارت ناحیه مقدسه: برخی اسناد زیارت ناحیه خوب است، از این رو می توان آن را قرائت کرد؛ ولی دو جمله از آن را احتیاطاً نخوانند: ۱. «بَرْزَنْ مِنْ الْخُدُورِ، نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ»^۱ ۲. «تَنْهَشُهَا الذَّنَابُ الْعَادِيَاتُ وَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الصَّارِيَاتُ»^۲.

۲۵. تکرار قسمت‌هایی از دعاها و زیارات: لازم است دعاها و زیارات به همان صورتی که از حضرات معصومین علیهم السلام نقل شده خوانده شود و چیزی از خود بر آن نیفراییم.

۲۶. عریضه نویسی: بهتر است که در وضعیّت فعلی به جای نوشتن عریضه، سحرگاهان بیدار شود و نماز شب بخواند، سپس به ساحت قدس آن حضرت توسّل جوید.

ارث

۲۷. توارث: هرگاه دو نفر در یک حادثه فوت کنند و مشخص نباشد که کدامیک اوّل فوت کرده است از یکدیگر ارث می‌برند،

۱. اهل بیت با سرهای برهنه و موهای پریشان در روز عاشورا از خیمه‌ها خارج شدند.
۲. بدن شهدای کربلا را درندگان خوردند.

بدین صورت که فرض می‌کنیم پدر قبل از فرزند فوت کرده و تمام اموالش را مطابق قانون ارث در میان ورثه شرعی‌اش، از جمله فرزندی که همراه او فوت کرده تقسیم می‌کنیم و سهم فرزند فوت شده به ورثه او (غیر از پدرش) می‌رسد. سپس فرض می‌کنیم که فرزند قبل از پدر فوت کرده و اموال وی را مطابق قانون ارث در میان ورثه شرعی‌اش از جمله پدر وی که با او فوت کرده تقسیم می‌کنیم و سهم پدر به ورثه او (غیر از فرزند مذکور) می‌رسد و تفاوتی نمی‌کند که این موضوع در حادثه رانندگی باشد یا غرق شدن یا هر حادثه دیگر.

۲۸. ارث نوادگان: با وجود پسران یا دختران میّت، نوادگان میّت ارث نمی‌برند، مگر اینکه پدر آنها (که فرزند میّت بوده) بعد از او فوت شده باشد که در این صورت سهم او به فرزندان می‌رسد.

۲۹. محروم کردن از ارث: محروم کردن برخی از ورثه از ارث، یا محروم کردن دختر از ارث در شرع مقدّس اسلام جایز نیست. ولی هر کس می‌تواند در حیات خود چیزی از اموال خود را به برخی فرزندان یا کسان دیگر ببخشد و به آنها تحویل دهد. در این صورت، مال آن شخص خواهد شد. یا وصیّت کند چیزی از ثلث مالش به او بدهند و هرگاه ببخشد و تحویل ندهد ملک آن کس نخواهد شد.

۳۰. وصیّت به تساوی دختر و پسر در ارث: هرگاه این وصیّت به ضمیمه سایر وصایای میّت، بیش از ثلث اموال وی نباشد عمل به

آن لازم است؛ یعنی اضافه سهم دختران از ثلث پرداخت می‌شود. و اگر اضافه بر ثلث باشد تنها به مقدار ثلث جایز است.

۳۱. وصیت به عدم تقسیم ارث تا زمان خاص: این وصیت به انضمام سایر وصایای میت، فقط در مورد ثلث اموال وی اثر دارد و دوسوم دیگر مطابق قانون ارث در میان ورثه تقسیم می‌شود.

۳۲. وارثان دیه جنین: دیه جنین به پدر و مادرش می‌رسد و هرکدام از آنها که در سقط شرکت داشته از دیه ارث نمی‌برد و تمام آن به دیگری می‌رسد، و اگر هر دو در سقط شرکت داشته‌اند دیه به پدر بزر و مادر بزر پدری و مادری و برادران و خواهران جنین می‌رسد و طبق قانون ارث تقسیم می‌شود و اگر آنها رضایت دهند مشکل حل می‌شود.

۳۳. فلسفه تنصیف ارث زنان: چون غالباً هزینه‌های زندگی بر دوش مردان است، و زنان مسؤلیتی در برابر هزینه‌ها ندارند، ارث مردان دو برابر قرار داده شده است.^۱

ازدواج و محرمیت

۳۴. ازدواج آسان: نخست به نامزدی مشروع (خواندن عقد ازدواج به صورت شرعی و قانونی، بدون مراسم عروسی) اقدام کنید که نیاز به تشریفات و تجمّلات و هزینه‌های سنگین ندارد

۱. رک: تفسیر نمونه، سورة نساء، آیه ۱۲؛ استفتائات جدید پرسش و پاسخ شماره ۱۳۶۵.

سپس با فراهم شدن امکانات در اولین فرصت مراسم ازدواج و عروسی را به طور ساده و آبرومند برگزار کنید.

۳۵. ازدواج سادات با غیر سادات: این کار شرعاً اشکالی ندارد و در زمان حضرات معصومین علیهم السلام و طول تاریخ اسلام فراوان بوده است. ولی چنانچه در منطقه‌ای بر اثر عدم آگاهی مردم از حکم شرعی خطر درگیری باشد از آن صرف نظر کنید.

۳۶. ازدواج با زنان اهل سنت: ازدواج مردان شیعه با دختران و زنان اهل سنت اشکالی ندارد.

۳۷. ازدواج با مردان اهل سنت: هرگاه برای مذهب زن یا فرزندان آینده اش خطر داشته باشد جایز نیست.

۳۸. ازدواج موقت با زنان غیر مسلمان اهل کتاب (یهود و نصارا): زن مسلمان نمی تواند به عقد مردان غیر مسلمان درآید ولی ازدواج مرد مسلمان با زنان اهل کتاب مانعی ندارد و اگر آن زنان به زبان عربی آشنا نباشند خواندن صیغه عقد به هر زبانی جایز است ولی باید به آنها تفهیم شود که عقد ازدواج در اسلام دو نوع است که یک نوع آن عقد موقت است که در برابر آن هدیه و مهر پرداخت می شود.

۳۹. ازدواج با زنان فاحشه: بنا بر احتیاط واجب، ازدواج با زنان فاحشه و همچنین زنانی که عده را رعایت نمی کنند حرام است.

۴۰. ازدواج دختر باکره: بدون اجازه ولی دختر، جایز نیست. منظور از باکره دختری است که قبلاً شوهر نکرده، خواه عضو بکارت موجود باشد، یا نه.

۴۱. ازدواج در عده: ازدواج با زنی که در عده می باشد حرام و باطل است، اگر زن و مرد این مطلب را ندانند، در صورتی که عقد را خودشان خوانده باشند و در زمان عده دخول حاصل شده باشد موجب حرمت ابدی است؛ و اگر این مطلب را می دانستند حتی اگر دخول هم انجام نشده باشد موجب حرمت ابدی می شود و احتیاط آن است که در مورد ازدواج با زن شوهردار نیز همین حکم رعایت شود.

۴۲. حرمت ازدواج خواهر مفعول بر فاعل: مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است، خواه لواط دهنده بالغ باشد یا نابالغ، ولی اگر لواط کننده نابالغ باشد حرام نمی شود، همچنین اگر در دخول شک داشته باشد.

۴۳. اذن پدر برای دختری که دسترسی به پدر ندارد: هرگاه به تصدیق بزر ترهای فامیل، خواستگار کفو و مناسب دختر باشد و دسترسی به پدر دختر نباشد می توانند با هم ازدواج کنند.

۴۴. اذن پدر برای ازدواج مجدد دختر باکره: اگر قبلاً با اذن پدر به عقد صحیح شرعی مردی درآمده، برای ازدواج مجدد نیاز به اجازه پدر نیست؛ مشروط بر اینکه ازدواج دوم به مصلحت او باشد.

۴۵. مخالفت بی جهت پدر: چنانچه به تصدیق بزر ترهای فامیل، خواستگار کفو و مناسب دختر باشد و پدر دختر بدون دلیل معقول مخالفت کند، اذن او ساقط است و آنها می توانند با هم ازدواج کنند. هر چند شایسته است در صورت امکان، رضایت پدر دختر جلب شود.

۴۶. عقد صغیره: هرگاه در آن زمان به مصلحت وی نبوده و پس از

بلوغ و رشد هرگز رضایت نداده باطل است و نیاز به طلاق ندارد. و معمولاً در زمان ما عقد صغیره به نفع وی نیست.

۴۷. اجازه زن برای ازدواج دوباره مرد: در این باره نیاز به اجازه زن نیست؛ اما اگر ضمن عقد، شرط خاصی شده باید بر طبق آن عمل شود. در هر صورت چند همسری وسیله هوسبازی نیست، بلکه مربوط به ضرورت‌هاست و با شرایط سنگین و در حدود معینی مجاز شمرده شده و فلسفه روشنی دارد که اگر مطابق احکام اسلامی صورت پذیرد فواید آن به جامعه زنان بازمی‌گردد.

۴۸. حکم نکاح موقت: بی‌شک نکاح موقت در شریعت اسلام جایز است، ولی نباید وسیله هوسبازی هوسبازان شود و احتیاط آن است تا ضرورتی نباشد اقدام به این کار نشود.

۴۹. فلسفه ازدواج موقت: ازدواج موقت برای هوسبازی هوسبازان نیست، بلکه فلسفه روشنی دارد، از جمله رفع نیازهای جنسی مردانی که به سبب علل و عواملی امکان ازدواج دائم ندارند، یا مثلاً همسرشان بیمار است و امکان برطرف کردن نیازهایشان از طریق عادی نیست.^۱

۵۰. دختری که بی‌اذن پدر عقد موقت بسته: در صورت امکان رضایت پدر را جلب کند در غیر این صورت، عقد آنها اشکال دارد و احتیاط واجب آن است که پسر باقیمانده مدت را ببخشد و از همدیگر جدا شوند و اگر عقد دائم بوده او را طلاق دهد.

۱. رک: تفسیر نمونه، سوره نساء، ذیل آیه ۲۴.

۵۱. عقد موقت طولانی مدّت: چنانچه مدّت عقد موقت چندان طولانی باشد که به طور متعارف تمام عمر زوج یا زوجه را شامل شود حکم عقد دائم را دارد.

۵۲. مهرهای سنگین: مهرهای سنگین که نشان از سفاهت زوج می دهد، یا قرینه بر عدم قصد جدّی نسبت به آن است باطل است و تبدیل به مهرالمثل می شود، ولی اصل عقد در هر حال صحیح است.

۵۳. عدول از بخشش مهر: هرگاه بر ذمه شوهر بوده و زوجه آن را بخشیده است قابل بازگشت نیست مگر اینکه بخشیدن به قصد ادامه زوجیت بوده ولی زوج بخواهد او را طلاق دهد که در این صورت می تواند بازپس بگیرد. و هرگاه مهر عین خارجی بوده. تنها در صورتی که مهر بدون تغییر مهمی موجود باشد و بین زن و شوهر خویشاوندی نسبی نباشد عدول مانعی ندارد.

۵۴. توافق بر مهر کمتر از مهر ثبتی: در چنین موارد اگر ثابت شود که زن قول قطعی به شوهر داده و به آن عمل نکند نوعی تدلیس است و تبدیل به مهرالمثل می شود.

۵۵. حق حبس مهر: در صورتی که رابطه زناشویی بین زن و شوهر انجام نشده و مهریه عندالمطالبه باشد و زن مطالبه کند شوهر باید بپردازد و اگر پرداخت بنابر مشهور زن می تواند تمکین نکند؛ اما اگر برای دادگاه ثابت شود که شوهر توان پرداختن نقدی مهریه را ندارد آن را مطابق توان مالی زوج تقسیط می کند و زوجه با

دریافت اولین قسط باید تمکین کند و گرنه ناشزه است و حقّ نفقه ندارد.

۵۶. کاهش یا افزایش مهر بعد از عقد: مهر را پس از عقد نمی‌توان افزایش داد مگر اینکه در ضمن عقد خارج لازم صورت گیرد؛ ولی کاهش آن به معنای صرف نظر کردن زوجه از بخشی از حق خود مانعی ندارد.

۵۷. شرط ضمن عقد نکاح: شرایط ضمن عقد نکاح بر دو قسم است: ۱. شروطی که بیانگر صفات زوجین است، مثل اینکه شرط می‌شود زوج مهندس است یا سنّ او ۲۵ سال است یا همسر ندارد یا ... اگر بعداً خلاف این شروط ظاهر شود زوجه حق فسخ عقد نکاح را دارد. ۲. شرایطی که غیر از صفات زوجین را در بر می‌گیرد، مثل اینکه گفته شود زوج خانه مستقل برای زندگی تهیه می‌کند. در این دسته از شرایط اگر خلاف آن ظاهر شد (مثلاً در مورد بالا زوج در خانه پدر زندگی کند) زوجه حقّ فسخ عقد نکاح را نخواهد داشت. البته حاکم شرع می‌تواند او را مجبور کند به شرط خود عمل کند. این مطلب در مورد زوجه نیز صادق است.

۵۸. خروج زن از منزل بی اذن زوج: زنان در مواردی بدون اجازه شوهر می‌توانند از منزل خارج شوند: ۱. به‌جا آوردن واجبات (مانند حجّ واجب و صلّه رحم با پدر و مادر و برادر و خواهر و امثال آن به مقدار لازم) ۲. فراگرفتن احکام اسلام مثل اینکه به مسجد بروند تا در آنجا احکام اسلامی را بشنوند ۳. تهیه کالای

ضروری و لوازم منزل در صورتی که همسرانشان یا کس دیگری برای آنها انجام ندهد ۴. رأی دادن در انتخابات یا شرکت در راهپیمایی‌های ضروری ۵. مراجعه به طبیب.

۵۹. اشتغال زوجه در خارج از منزل: بدون جلب رضایت زوج جایز نیست، مگر اینکه در ضمن عقد ازدواج یا عقد خارج لازم دیگری شرط کرده باشد، یا منافاتی با حقّ زوج نداشته باشد؛ مثل اینکه شوهر در زندان است و یا به مسافرت طولانی رفته است.

۶۰. اجازه شوهر در پس انداز خرجی: هرگاه چیز اضافه از مخارج باشد و پس انداز کند باید با اجازه شوهر باشد.

۶۱. اجازه شوهر در هزینه درآمد زن: اگر از درآمد خود هزینه می‌کند نیاز به اجازه شوهر ندارد مگر اینکه شرط خاصی ضمن عقد شده باشد و در هر صورت خوب است چنان رفتار کند که موجب اختلاف نشود.

۶۲. چگونگی رابطه در دوران عقد: اگر در ضمن عقد، شرط خاصی نشده باید طبق عرف محل عمل کنند.

۶۳. محدوده ارتباط در دوران نامزدی: اگر صیغه محرمیت جاری نشده، تنها در حدّ گفت‌وگو در مورد ازدواج مجازند؛ البتّه با هماهنگی خانواده.

۶۴. راه محرم شدن پسرخوانده: راه محرمیت آن است که از شیر خواهر، یا مادر، یا زنِ برادر، یا خواهرزاده‌ها، یا برادرزاده‌های آن زنِ فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر و یا عمّه یا خاله

رضاعی آن پسر شود و محرم گردد. و اگر دوران شیرخوارگی پسر بچّه گذشته باشد راه قابل ذکری برای محرمیت او نیست.

۶۵. راه محرم شدن دختر خوانده: اگر پدر پدر خوانده در حیات باشد می تواند عقد موقت آن دختر را با اجازه حاکم شرع برای خود بخواند تا حکم زن پدر را پیدا کند و بر تمام پسران و نوه‌ها و نتیجه‌های پدرش محرم شود. و اگر خواهر، یا مادر، یا زن برادر، یا برادرزاده‌ها، یا خواهرزاده‌های پدرخوانده شیر داشته باشند، و آن بچّه شیرخوار باشد و از شیر آنها (با شرایط لازم) بخورد، حکم خواهرزاده، یا خواهر یا برادرزاده یا خواهرزاده رضاعی اش را پیدا می کند و محرم می شود.

۶۶. ازدواج با صغیره به قصد محرمیت: نخست اصل عقد باید صحیح باشد تا آثار آن حاصل شود. به عبارت دیگر، اثر نمی تواند مصحح مؤثر باشد و محرمیت اثر است. این مصداق «تقدیم ماحقه التأخیر»^۱ است. راه حل آن است که در این موارد عقد بخوانند با مدت زمان مثلاً هفت یا هشت سال که مفهوم پیدا کند و بعد زمان آن را ببخشند. در غیر این صورت عقد باطل است.

۶۷. عقد موقت دختر بچّه برای پدر پدر خوانده: هرگاه هدف ایجاد محرمیت باشد و جهات شرعی رعایت شود اشکالی ندارد.

۶۸. محرمیت ربیبه: ربیبه و فرزندان ربیبه هر چه پایین رود محرم

۱. «تقدیم ماحقه التأخیر»: مقدم کردن چیزی که از نظر عبارت یا انجام کار باید مآخر شود و در اینجا به این معنا است که ابتدا باید عقد صحیح باشد تا بعد محرمیت حاصل شود.

هستند. علاوه بر آن، اگر زوجه بعد از طلاق ازدواج مجدد کند و صاحب دختر شود با مرد اول محرم است و ربیبه او می شود. و این مطلب با آیه شریفه قرآن که می فرماید: ﴿وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ﴾^۱ منافات ندارد، زیرا «فی حجورکم» در آیه شریفه قید غالب است نه دائم، بنابراین مفهوم ندارد و بسیار ممکن است ربیبه اول هم در حجر زوج نباشد.

۶۹. محرمیت زن و شوهر پس از وفات: محرمیت زوجین بعد از

مر یکی از آن دو محدود می شود و فقط می تواند به سر و صورت او نگاه کند یا دست بزند، ولی احتیاط آن است که بدنش را عریان نکند و اگر ناچار است او را غسل میّت بدهد بهتر است از روی پیراهن باشد.

۷۰. تعدّد زوجات: تعدّد زوجات وسیله هوسبازی نیست، بلکه

مربوط به ضرورت هاست و با شرایط سنگین و در حدود معینی مجاز شمرده شده و فلسفه روشنی دارد که اگر مطابق احکام اسلامی صورت پذیرد فواید آن به جامعه زنان بازمی گردد.^۲

۷۱. فلسفه عدم جواز تعدّد شوهر: موضوع مهم در ازدواج روشن

شدن هویت فرزندان است و اگر فرض کنیم زنی دارای همسران متعدّد باشد هویت فرزندان او هرگز روشن نخواهد شد. ممکن است این مشکل در برخی موارد نباشد ولی احکام تابع اکثریت افراد است.

۱. سوره نساء، آیه ۲۳.

۲. برای شرح بیشتر رک: تفسیر نمونه، سوره نساء، ذیل آیه ۳.

اهل بیت علیهم السلام

۷۲. ولایت تکوینی: منظور از ولایت تکوینی آن است که ولی به اذن خداوند بتواند خارق عادتی انجام دهد، مثل آنچه قرآن مجید در آیه ۴۹ سوره آل عمران درباره حضرت مسیح علیه السلام بیان کرده است که مردگان را به اذن خدا زنده می‌کرد و بیماران غیر قابل علاج را به اذن خدا شفا می‌داد. و این مطلب درباره همه معصومین علیهم السلام صادق است.

۷۳. عصمت پیامبران و امامان علیهم السلام: ما معتقدیم که پیامبران الهی و امامان علیهم السلام قبل از پیامبری و امامت و پس از آن معصوم بوده‌اند و هرگز گناه و خطا و اشتباهی از آنها سر نزده و نخواهد زد.^۱

۷۴. علم غیب ائمه علیهم السلام: اولاً علم غیب مدار تکلیف نیست. ثانیاً علم ائمه علیهم السلام ارادی بود، یعنی اگر می‌خواستند بدانند می‌دانستند و در بسیاری از موارد نمی‌خواستند.

۷۵. تصاویر منتسب به حضرات معصومین علیهم السلام: چنانچه تصاویر نامناسبی نباشد و نسبت قطعی به آن بزرگواران ندهند اشکالی ندارد.

۷۶. تشییع نمادین حضرت زهرا علیها السلام: بهتر است به جای این کارها جلسات عزای آن حضرت را پرشورتر برگزار کنند و به ویژه به شرح دو خطبه^۲ تاریخی آن حضرت پردازند.

۷۷. همسر و فرزندان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف): از

۱. رک: پیام قرآن، ج ۷.

۲. رک: زهرا برترین بانوی جهان.

برخی روایات و زیارتنامه‌های مربوط به آن حضرت استفاده می‌شود ایشان همسر و فرزندان دارند اما جزئیات آن بر ما روشن نیست.

۷۸. نامگذاری فرزند ائمه اطهار علیهم‌السلام به نام خلفا: این اسامی در آن زمان جزء اسامی معمول بوده است مانند اسم محمدرضا که امروز برای فرزندان خود قرار می‌دهیم با آنکه اسم شاه مخلوع نیز بوده است.

۷۹. ازدواج امّ کلثوم با خلیفه دوم: اولاً اصل این ازدواج از نظر تاریخی مسلم نیست. ثانیاً بر فرض که قطعی باشد تنها عقد صورت گرفت و خلیفه پیش از عروسی از دنیا رفت. ثالثاً حضرت علی علیه‌السلام با میل و اختیار با این ازدواج موافقت نکرد، بلکه بر اثر فشارهای حکومت و اوضاع خاص آن زمان مجبور بر این کار شد.^۱

۸۰. دیدار با امام زمان (عج): دیدار با آن حضرت ممکن است، اما کسانی که چنین توفیقی پیدامی کنند آن را برای دیگران بازگو نمی‌کنند.

۸۱. جزیره خضرا: داستان جزیره خضرا دقیقاً روشن نیست، ولی امام عصر (عج) و یارانش به یقین در محلی سکونت دارند.

۸۲. زیارت امامزادگان: زیارت امامزادگانی که دارای سند معتبر هستند اشکال ندارد و زیارت بقیّه به قصد رجا مانعی ندارد. ولی اضافه کردن امامزاده جدید بدون مدرک و دلیل معتبر جایز نیست و نمی‌توان با خواب و امثال آن که باعث سوء استفاده افراد سودجو

۱. شرح بیشتر را در مقاله‌ای که در سایت (www.makarem.ir) است مطالعه فرمایید.

می شود، مقبره ای را امام زاده معرفی کرد و برای آن گنبد و بارگاه ساخت.

۸۳. توسعه حرم: اولاً هزینه صرف شده برای ساخت ضریح در مقایسه با کیفیت بالای آن که سالیان طولانی سالم می ماند مبلغ زیادی نمی شود. ثانیاً اماکن مقدس و ضریح ها متعلق به عموم است نه افراد خاص، پس هزینه ها به نفع عموم و برای استفاده عموم خواهد بود.

۸۴. محدوده صدق تربت سیدالشهدا علیهم السلام: روایات در این زمینه مختلف است. در برخی هفتاد ذراع و در برخی چهارمیل و در برخی دیگر پنج فرسخ آمده، شاید اینها اشاره به تفاوت درجات تربت است و احتیاط آن است که آنچه نزدیک به قبر است و در اختیار قرار می گیرد استفاده شود، به ویژه در تغییراتی که برای قبر شریف صورت می گیرد مقداری تربت به دست می آید که اولویت دارد.

۸۵. روش صحیح خوردن تربت امام حسین علیهم السلام: آن است که اندکی (مثلاً به اندازه یک عدس) در مقداری آب حل کنند و افراد مختلف هر کدام کمی از آن را بنوشند.

۸۶. شبیه خوانی: اگر امر خلاف شرع در آن نباشد (مانند روایات دروغین و استعمال آلات لهو و پوشیدن مردان لباس زنان و مانند آن) و موجب هتک مقدّسات نشود اشکالی ندارد.

۸۷. لعن و توهین به خلفای اهل سنت: لازم است از کارهایی که موجب تفرقه صفوف و ایجاد شکاف بین مسلمانان می شود

خودداری شود و همهٔ مسلمین در برابر دشمنان اسلام متحد شوند.

۸۸. فلسفهٔ تعدّد زوجات پیامبر ﷺ: ازدواج‌های آن حضرت برای کامجویی نبود، بلکه غالباً جنبهٔ سیاسی داشت، یا به منظور شکستن سنت‌های جاهلی، یا برای کاستن عداوت، یا طرح دوستی و جلب محبّت اقوام لجوج و متعصّب بود.^۱

بانک

۸۹. قوانین بانکی: چون قوانین بانک‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده صحیح است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۹۰. حقوق کارمندان بانک: چون بانک‌ها درآمدهای حلال نیز دارند و کارمند نمی‌داند حقوقش از کدام نوع است گرفتن آن برای او جایز است؛ مشروط بر اینکه در جایی که کار حرام صورت می‌گیرد اشتغال نداشته باشد.

۹۱. جوایز بانک‌ها: استفاده از جوایز بانک‌ها اشکالی ندارد.

۹۲. وام گرفتن: وام گرفتن از بانک‌ها مانعی ندارد و در صورتی که طبق عقود شرعیّه باشد مبلغ اضافه‌ای را که می‌پردازند ربا نیست، ولی وام را برای هر کاری می‌گیرند باید مطابق قرارداد عمل کنند.

۱. تفسیر نمونه، سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۰.

۹۳. مصرف وام برخلاف قرارداد: صرف مبلغ وام برخلاف آنچه در قرارداد آمده جایز نیست و چنانچه تخلف شود وام مزبور صحیح نیست و مبلغ اضافه که می‌پردازد حکم ربا دارد.

۹۴. وظیفه کسی که وام را برخلاف قرارداد صرف کرده: باید از این کار توبه کرده و آن را تکرار نکند ولی فعلاً وظیفه‌ای ندارد.

۹۵. وام گیرندگانی که ورشکست شده‌اند: هرگاه ثابت شود وام‌گیرنده موفق بر کار تجاری مورد توافق نشده و سودی به دست نیاورده، بانک حق ندارد بیش از اصل وام چیزی از او بگیرد.

۹۶. خرید و فروش امتیاز وام: اگر این کار با مقررات بانکی که وام می‌دهد مخالفت نداشته باشد اشکالی ندارد.

۹۷. کارمزد: منظور از کارمزد حق الزحمه‌ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که برای حفظ حساب‌ها و سایر خدمات انجام می‌دهند داده می‌شود. و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و برای حقوق، صرف کارمندان و سایر هزینه‌های بانک شود اشکالی ندارد و اضافه بر آن حرام است.

۹۸. جریمه دیرکرد: جریمه دیرکرد شرعاً اشکال دارد؛ ولی بر بدهکاران لازم است بدهی خود را به وقتش بپردازند، وگرنه گناهکارند.

۹۹. شرط سپرده: هرگاه این شرط برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان وام باشد، نه صاحبان صندوق، اشکالی ندارد.

۱۰۰. **سپرده بانک‌ها:** اگر عقود شرعیّه را رعایت کنند، یا وکالت مطلقه به مسئولین بانک داده شود که این عقود را رعایت کنند، سود حاصل حلال است.

۱۰۱. **سپرده طلا:** هرگاه به بانک وکالت داده شود که به طور جدّ طلا را برای مشتری بخرد، سپس به وکالت از مشتری به طور جدّ طلای مزبور را برای او بفروشد و پول آن را به مشتری بدهد اشکالی ندارد.

پزشکی

۱۰۲. **مراجعه به پزشک غیرهمجنس:** در صورت وجود پزشک همجنس و دسترسی به او، رجوع به پزشک غیرهمجنس در مواردی که موجب لمس یا نظر حرام شود جایز نیست.

۱۰۳. **جراحی زیبایی:** هرگاه آمیخته با حرام یا ضرر مهمّ دیگری نباشد ذاتاً اشکالی ندارد، ولی چنانچه مستلزم حرام (مانند لمس و نظر حرام) باشد، فقط در صورت ضرورت جایز است.

۱۰۴. **پیوند اعضا:** هرگاه حفظ جان مسلمان یا حفظ عضو مهمّی از آن منوط به پیوند باشد جایز است.

۱۰۵. **خرید و فروش کلیه:** برای مقاصد پزشکی جایز است؛ ولی بهتر است پول را در مقابل اجازه برداشتن کلیه از شخص بگیرند نه در مقابل خود آن.

۱۰۶. **انرژی درمانی:** انرژی درمانی ذاتاً اشکالی ندارد، ولی چنانچه مستلزم کار حرام باشد جایز نیست.

۱۰۷. شبیه سازی: این کار ذاتاً اشکالی ندارد، ولی چون آثار منفی اجتماعی و حقوقی دارد شرعاً جایز نیست؛ از این رو حتی کسانی که پایبند به دین و شریعت نیستند به سبب مفاسد اجتماعی آن به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

۱۰۸. مازوخیسم: خودآزاری جنسی نوعی بیماری است و مبتلایان به آن باید به روانکاو مراجعه کنند تا درمان شوند.

۱۰۹. هیپنوتیزم: برای مقاصد طبّی و مانند آن مانعی ندارد، ولی برای کشف امور پنهانی، یا خبر از گذشته و آینده و حال جایز نیست.

۱۱۰. تغییر جنسیت: ظاهر ساختن جنسیت واقعی (در افراد دو جنسی که یک جنس آنها غلبه دارد) خلاف شرع نیست بلکه واجب است. ولی تغییر جنسیت صوری و کاذب جایز نیست.

۱۱۱. احکام شرعی مرگ مغزی: چون پزشکان تصریح می‌کنند این افراد، مانند کسی هستند که مغز او متلاشی شده یا سر از تنش جدا کرده‌اند که با وسایل تنفس مصنوعی و تغذیه ممکن است تا مدتی به حیات نباتی او ادامه داد، انسان زنده محسوب نمی‌شوند، در عین حال انسان کاملاً مرده هم نیستند؛ بنابراین، در احکام مربوط به حیات و مرگ باید تفصیل داد. مثلاً احکام مسّ میّت، غسل و نماز میّت و کفن و دفن درباره آنها جاری نیست، تا قلب از کار بیفتد و بدن سرد شود. اموال آنها را نمی‌توان در میان ورثه تقسیم کرد و همسر آنها عدّه وفات نگه نمی‌دارد تا این مقدار حیات آنان نیز پایان پذیرد، ولی وکلای آنها از وکالت ساقط می‌شوند و حقّ

خرید و فروش یا ازدواج برای آنها یا طلاق همسر از طرف آنان را ندارند و ادامه معالجات در مورد آنها واجب نیست و برداشتن برخی اعضا از بدن آنها هرگاه حفظ جان مسلمانی متوقف بر آن باشد اشکالی ندارد، ولی باید توجه داشت که اینها همه در صورتی است که مرغ مغزی به طور کامل و قطعی ثابت شود و احتمال بازگشت مطلقاً وجود نداشته باشد.

۱۱۲. تجدید دستگاه‌های کسی که مرغ مغزی شده است: هرگاه

مرغ مغزی او ثابت شود تجدید دستگاه‌ها لازم نیست.

۱۱۳. جلوگیری از انعقاد نطفه: برای جلوگیری از انعقاد نطفه

استفاده از هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود (یعنی مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط نگردد) ذاتاً مجاز است. ولی در حال حاضر کنترل جمعیت جایز نیست، مگر اینکه واقعاً ضرورتی وجود داشته باشد.

۱۱۴. اسقاط جنین: اسقاط جنین حرام است ولی هرگاه جنین در

مراحل ابتدایی باشد و به صورت انسان کامل در نیامده باشد و باقیماندن جنین در آن حالت و سپس تولد ناقص آن به تصدیق اهل اطلاع متدین باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر شود، پایان دادن به حاملگی جایز است و احتیاطاً باید دیه را بپردازند.

۱۱۵. اسقاط جنین برای حفظ مادر: هرگاه از گفته متخصّصان متدین

یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر حاصل شود، پایان دادن به حاملگی تا زمانی که روح دمیده نشده جایز است. و چون

احتمال تعلق دیه می رود احتیاط آن است که ورثه این کودک (غیر از پدر و مادر) با میل و رضای خود از آن صرف نظر کنند.

۱۱۶. مادر جانشین: هرگاه نطفه زن و شوهری را در خارج از رحم با هم ترکیب کنند سپس به رحم زنی تلقیح شود این کار ذاتاً اشکالی ندارد ولی چون اغلب مستلزم نگاه و لمس حرام است تنها در موارد ضرورت جایز است.

۱۱۷. تلقیح نطفه بیگانه: این کار شرعاً حرام و فرزند حاصل نامشروع است، ولی چنانچه نطفه زن و شوهری گرفته و در خارج رحم ترکیب، سپس به رحم زنی تلقیح گردد این کار ذاتاً اشکالی ندارد، ولی با توجه به اینکه غالباً مستلزم لمس و نظر نامشروع است تنها در صورت ضرورت جایز است. و در هر حال فرزند متعلق به صاحبان نطفه است، هر چند بر مادر جانشین و شوهرش نیز محرم است.

۱۱۸. روش تلقیح مجاز با نطفه بیگانه: تنها راه استفاده از نطفه مرد بیگانه این است که مرد موقتاً همسر خود را طلاق دهد و آن زن پس از عده به عقد موقت مرد مورد نظر درآید (هر چند اصلاً همدیگر را نبینند) سپس نطفه آن مرد را بگیرند و در زمان عقد با تخمک زن ترکیب کنند و پس از بخشش باقیمانده مدت عقد موقت و تجدید عقد دائم با شوهر سابق، نطفه ترکیب شده را در رحم زن بکارند. فرزندی که متولد می شود بر آن مرد و زن محرم است، ولی فقط از آن زن و صاحب نطفه ارث می برد.

۱۱۹. استفاده از خوردنی‌های حرام به عنوان دارو: تنها در صورتی جایز است که ضرورت قطعی پیدا کند و داروی منحصر به فرد باشد و جان‌نشین دیگری نداشته باشد ولی غالباً چنین نیست.

پوشش، نگاه و ارتباط

۱۲۰. فلسفه حجاب:

فلسفه حجاب چیز پنهانی نیست، زیرا:

۱. برهنگی زنان که طبعاً پی‌آمدهایی همچون آرایش، عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد، مردان - به‌ویژه جوانان - را در تحریک دائم قرار می‌دهد؛ تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌شود، مگر اعصاب انسان چقدر می‌تواند بار هیجان را بر خود حمل کند؟

۲. آمارهای مستند نشان می‌دهد با افزایش برهنگی در جهان، آمار طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا پیوسته افزایش یافته است، چرا که: «هر آنچه دیده بیند دل کند یاد» و هر چه «دل» (در اینجا یعنی هوس‌های سرکش) بخواهد به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود و به این ترتیب، هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید.

۳. گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع از دردناک‌ترین پی‌آمدهای بی‌حجابی است که نیاز به ارقام و آمار

ندارد و ادله آن به‌ویژه در جوامع غربی کاملاً آشکار است، چندان عیان است که حاجت به بیان نیست.

۴. موضوع ابتدال زن و سقوط شخصیت او در این میان نیز حائز اهمّیت فراوان است که نیاز به ارقام و آمار ندارد.^۱

۱۲۱. حجاب زنان در برابر نامحرم: بر زنان و دختران لازم است تمام بدن خود جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ را در برابر دیدگان نامحرمان بپوشانند. و این مقدار به هر نوع لباس غیر زینتی که تنگ و چسبان نباشد پوشیده شود کافی است، هرچند چادر حجاب برتر است.

۱۲۲. حجاب زنان در مقابل محارم: زنان و دختران می‌توانند در برابر محارم، سر و گردن و مقداری از سینه و دست‌ها و پاها را بپوشانند، اما بقیه بدن را باید بپوشانند و جایز نیست به شکل نیمه‌عریان در برابر آنها ظاهر شوند.

۱۲۳. حجاب زنان در برابر زنان: زنان می‌توانند در برابر زنان، جز عورتین بقیه بدن را بپوشانند؛ مگر این‌که مفسده خاصی داشته باشد.

۱۲۴. پوشش کف و پشت پای زنان: مچ پا و بالاتر از آن باید از دیدگان نامحرم پوشانده شود. نیز سزاوار است کف و روی پا را بپوشانند.

۱۲۵. سنّ تمییز و نحوه پوشش در برابر افراد ممیّز: سنّ تمییز زمانی

۱. برای شرح بیشتر رک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، سوره نور، ذیل آیه ۳۱.

است که مسائل جنسی را درک کند و بچّه‌ها مختلف هستند و حجاب زن در برابر بچّه ممیّز احتیاط مستحب است.

۱۲۶. پوشاندن موی مصنوعی و کلاه گیس: چون موی مصنوعی

و کلاه گیس لباس زینتی است باید پوشیده شود.

۱۲۷. پوشاندن انگشتر و زینت‌های دیگر در برابر نامحرم: پوشاندن

زیورآلاتی که معمولاً در معرض دید نامحرم است، مانند انگشتر و حلقه ازدواج، چنانچه مفسده‌ای نداشته باشد واجب نیست؛ ولی غیر اینها را باید از دید نامحرم پوشاند.

۱۲۸. حدّ پوشش در خواستگاری: اگر ممکن باشد این کار (دیدن

دختر) را زنان محارم پسر انجام دهند. در غیر این صورت اگر پسر به خواستگاری رفته و گفت‌وگوهای مقدماتی انجام شده و قصد ازدواج قطعی است، دختر می‌تواند با هماهنگی خانواده به مقدار لازم بدون حجاب (سر و صورت و گردن و مقداری از دست‌ها و بازو و مقداری از پاها) در برابر خواستگار ظاهر شود.

۱۲۹. حجاب مردان در برابر نامحرم: مردان می‌توانند سر و گردن

و مقداری از سینه و دست‌ها و پاها را در مقابل نامحرم نپوشانند، ولی بقیه بدن را باید بپوشانند.

۱۳۰. حجاب مردان در برابر مردان: مردان می‌توانند در برابر مردان

دیگر (البته در جایی که زنان حضور ندارند) جز عورتین بقیه بدن را نپوشانند؛ مگر اینکه مفسده داشته باشد.

۱۳۱. لباس آستین کوتاه: پوشیدن لباس آستین کوتاه هرگاه تنگ

و چسبان و آستین‌های آن خیلی کوتاه نباشد، اشکالی ندارد.

۱۳۲. پوشیدن لباس مختصّ زنان و مردان: این کار در منزل اشکال

ندارد، بلکه هرگاه هر کدام لباس‌های مخصوص دیگری را پوشد و مفاسدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد، اما اگر فسادانگیز باشد حرام است و در بیرون منزل به‌طور کلی اشکال دارد.

۱۳۳. طلا برای مردان: زینت به طلا برای مردان حتی طلای سفید

جایز نیست و نماز خواندن با آن باطل است، ولی استفاده از پلاتین که فلز دیگری است اشکالی ندارد.

۱۳۴. کراوات: چون در حال حاضر و در کشور ما این کار شعار

بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می‌شود، از آن اجتناب کنید. ولی پوشیدن آن در کشورهایی که جزئی از لباس مردم است، اشکالی ندارد.

۱۳۵. فلسفه حرمت طلا و ابریشم برای مردان: زینت، جزئی از

زندگانی زنان است و به همین علت اسلام اجازه استفاده زینت، حتی طلا و لباس ابریشم (البته در حدّ معقول و به دور از اسراف) را به آنها داده و بر مردان حرام کرده است.

۱۳۶. دیدن فیلم و عکس نامحرم: هرگاه صاحبان فیلم و عکس را

بشناسد دیدن آن جایز نیست و اگر آنها را نشناسد و منشأ فساد نشود جایز است.

۱۳۷. تماشای مسابقات ورزشی برای بانوان: تماشای مسابقاتی نظیر

کشتی و شنا و جز آن برای زنان از تلویزیون جایز نیست، ولی

مسابقه‌های نظیر فوتبال و والیبال و جز آن که قسمت عمده بدن بازیکنان پوشیده است جایز است، مشروط بر اینکه مفسده خاصی نداشته باشد.

۱۳۸. نگاه به زنان نامحرم در تلویزیون: چنانچه موجب فساد و انحراف نشود و عکس‌ها برهنه یا نیمه‌عریان نباشد، جایز است.

۱۳۹. تماشای تصاویر مبتذل: نگاه کردن به چنین تصاویری حرام و از مصادیق اشاعه فحشا است و باید به‌طور جدی از آن اجتناب شود.

۱۴۰. عطر زدن برای خانم‌ها در بیرون از منزل: از این کار در روایت اسلامی نهی شده است^۱، ولی چنانچه مقدار کمی برای از بین بردن بوی عرق و مانند آن استفاده کنند مانعی ندارد.

۱۴۱. صله رحم با بستگان گناهکار: هرگاه ادامه رابطه با آنها مفسده داشته باشد و یا ترک آن موجب نهی از منکر آنان شود می‌توان موقتاً آن را ترک کرد. در غیر این دو صورت، باید در حد واجب صله رحم کرد، و در عین حال امر به معروف و نهی از منکر با زبان خوش فراموش نشود.

۱۴۲. چت کردن: این کار با جنس مخالف اشکال دارد و غالباً پی‌آمدهای منفی به همراه دارد، مگر اینکه مقدمه ازدواج باشد که در این صورت، به مقداری که برای ازدواج لازم است اشکالی ندارد.

۱. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۸.

۱۴۳. گفت‌وگو با نامحرم در محلّ کار: هرگاه جهات شرعیّه مراعات شود و به جز آن دو شخص ثالثی نیز وجود داشته باشد، یا امکان ورود دیگری بدون اجازه آنها باشد و سخنان عادی باشد اشکال ندارد.

۱۴۴. گفت‌وگو و مرادوات دختر و پسر: هرگاه به قصد ازدواج باشد به مقداری که برای ازدواج لازم است اشکالی ندارد؛ البتّه با رعایت شرایط و ضوابط شرعی.

۱۴۵. دوستی با نامحرم: دوستی با نامحرم جایز نیست و باید به صورت جدّی از این کار پرهیز کرد.

۱۴۶. دست دادن با نامحرم: دست دادن با نامحرم جایز نیست و اگر آنها را با فرهنگ اسلام آشنا کنیم مشکل حل خواهد شد.

آرایش و پیرایش

۱۴۷. آرایش زنان: آرایش خفیف گردی صورت و دست‌ها تا مچ هرگاه منشأ مفسده نشود اشکالی ندارد، ولی از آرایش‌های تند یا مفسده‌انگیز باید پرهیز کرد.

۱۴۸. سر مه کشیدن: در صورتی که ملایم باشد و آرایش تند محسوب نشود مانعی ندارد، مگر اینکه منشأ مفسده شود.

۱۴۹. اصلاح دختران: اصلاح صورت برای دختران شرعاً حرام نیست، ولی چون برخلاف عرف و عادت است بهتر است پرهیز کنند.

۱۵۰. **اصلاح و آرایش زنانه برای مردان:** جایز نیست مردان خود را شبیه زنان کنند، ولی اصلاح جزئی و مرتب کردن برخی قسمت‌ها که منظره خوشایندی ندارد اشکالی ندارد.
۱۵۱. **ریش تراشی:** احتیاط در ترک آن است، ولی چنانچه قسمت چانه باقی بماند که گاه به آن «ریش پروفیسوری» گفته می‌شود، کافی است. و جوانانی که محاسن آنها به صورت نامنظم روییده می‌توانند آن را بتراشند تا به صورت کامل درآید.
۱۵۲. **حداقل محاسن:** احتیاط آن است که باقیمانده به قدری باشد که صدق ریش بکند.
۱۵۳. **تاتو کردن:** هرگاه آرایش تند محسوب نشود و منشاء فساد نگردد جایز است.

تقلید و بلوغ

۱۵۴. **تقلید در زمان ائمه علیهم‌السلام:** تقلید از زمان رسول خدا ﷺ به صورت ساده تر از امروز وجود داشته و اصحاب ائمه علیهم‌السلام نیز بعضاً تقلید می‌کردند و بسیاری از اصحاب ائمه از علمای محلّ خود تقلید می‌کردند.
۱۵۵. **نشانه‌های بلوغ:** نشانه بلوغ یکی از سه چیز است: ۱. پانزده سال قمری تمام در مرد و نه سال قمری تمام در زن، ۲. بیرون آمدن منی، ۳. روییدن موی درشت بالای عورت.
۱۵۶. **سنّ بلوغ دختران:** دختران با تمام شدن نه سال قمری بالغ

می‌شوند، ولی چنانچه قدرت بر انجام دادن برخی تکالیف مثل روزه را نداشته باشند بر آنها واجب نیست. و اگر تا ماه رمضان سال بعد قدرت بر قضای آن هم نداشته باشند، قضا ندارد، ولی برای هر روز باید فقیری را سیر کنند. در مورد ازدواج احتیاج به رشد جسمانی دارند و در مورد تصرف در اموال، رشد کافی اقتصادی نیز لازم است.

۱۵۷. وظیفه کسانی که تاکنون مرجع تقلید نداشته‌اند: وظیفه آنان این است که اکنون مطابق آنچه در ابتدای رساله آمده مرجع تقلید انتخاب کنند، سپس اعمال گذشته را با فتوای مرجع فعلی خود تطبیق دهند، آنچه مخالف فتوای اوست برای مرجعشان بنویسند تا حکم آن را بیان کند.

۱۵۸. وظیفه کسانی که مرجع تقلیدشان از دنیا رفته است: هرگاه مرجع تقلید از دنیا برود مقلدین او باید به مرجع زنده که او را اعلم از دیگران می‌دانند رجوع و تمامی مسائل خود را از او تقلید کنند. و اگر بخواهند بر تقلید مرجع میّت باقی بمانند در مسائلی که به فتوای میّت عمل کرده‌اند مجازند و در مسائلی که عمل نکرده‌اند باید به فتوای مرجع زنده عمل کنند.

۱۵۹. بقای بر تقلید میّت: بقاء بر تقلید میّت در مسائلی که عمل کرده جایز است و در مسائلی که عمل نکرده باید از مرجع زنده تقلید کند.

حجّ و عمره

۱۶۰. استطاعت مالی در حج: در استطاعت برای حج علاوه بر داشتن هزینه رفت و برگشت، داشتن ضروریات زندگی و آنچه در گذران زندگی به آن نیاز دارد شرط است؛ مثل خانه مسکونی (ملکی یا اجاره‌ای)، اثاث خانه، وسیله سواری و مانند آن؛ البته در حدّی که مناسب شأن او باشد و چنانچه عین آنها را ندارد پول یا معادل قیمت آن را داشته باشد.

۱۶۱. مهر و استطاعت حج: هرگاه مهر حداقل به مقدار هزینه‌های حج باشد و مطالبه آن از شوهر مشکل خاصی برای زن ایجاد نکند مستطیع محسوب می‌شود و باید برای دریافت آن وثبت نام حج اقدام کند.

۱۶۲. واگذاری فیش حج: هرگاه حج بر کسی مستقر نشده باشد و اکنون که نوبتش رسیده به علت بدهی و مشکلات مالی قادر بر رفتن به حج نیست، می‌تواند فیش خود را مطابق قوانین حکومت اسلامی به دیگری واگذار کند.

۱۶۳. اعمال حج برای کودکان: از طرف او نیت می‌کند و لباس احرام به تن او می‌کند و لبیک گفته، در طواف‌ها با خود برده و نماز به نیابت از او می‌خواند و او را در سعی همراه خود می‌برد و به هنگام تقصیر مقداری از موهای او را می‌چیند ولی اگر اسباب دردسر می‌شود او را مُحرم نکنید.

۱۶۴. قربانی حج در وضعیّت فعلی: در وضعیّت فعلی که مسؤولین

حج می‌گویند گوشت قربانی؛ دستگاه‌های مجهز نگهداری و سپس به دست نیازمندان می‌رسد (ولی تمام قربانی‌ها در خارج از منی صورت می‌گیرد) حجاج محترم منخیرند آنجا قربانی کنند یا پول قربانی را کنار گذاشته و بقیه اعمال را به جا آورده و پس از بازگشت در ماه ذوالحجه در وطنشان قربانی کنند.

۱۶۵. حکم کسی که پس از مراجعه به وطن متوجه شده طواف یا نماز طواف وی باطل بوده است: ترک محرّمات لازم نیست، اگر طواف نساء را درست انجام نداده باشد باید از رابطه با همسر پرهیزد تا کسی به نیابت از او طواف نساء به جا آورد.

۱۶۶. رنگ کردن مو و امثال آن برای کسی که به حج تمتع می‌رود: رنگ کردن مو و امثال آن اشکالی ندارد مشروط بر اینکه قصدش زینت در حال حج نباشد.

۱۶۷. استفادهٔ مُحرم از ژل ضد عفونی: ژل ضد عفونی اگر معطر نباشد مانعی ندارد.

۱۶۸. استفاده از دستکش شفاف برای زنان مُحرم: اشکال دارد، ولی کفاره ندارد.

۱۶۹. سعی در مسعای جدید: اولاً مسعای جدید به یقین بین الجبلین است و سعی در آن صحیح است.

ثانیاً، نمی‌توان گفت به خاطر وضعیّت موجود کسی به عمره یا حج نرود؛ بلکه از ادله برمی‌آید که به هیچ وجه نباید حج و عمره بیت الله تعطیل شود و در این حالت طبق قاعده «المیسور لایترک

بالمعسور» بر فرض خارج بودن مسعای جدید از بین دو کوه باز سعی صحیح است؛ کما اینکه فتوا داده‌ایم اگر افراد ناتوان نتوانند در طبقه اول سعی کنند، سعی آنها در طبقه دوم صحیح است، در حالی که طبقه دوم قطعاً بین دو کوه محسوب نمی‌شود.

توجه: به یقین در صورت امکان، طبقه پایین مسعای جدید بر طبقات بالای مسعای قدیم و جدید مقدم است.

۱۷۰. لَبَّيْكَ پَنجَم: چهار لَبَّيْكَ واجب است و لَبَّيْكَ پَنجَم واجب

نیست، ولی چنانچه بگویند ضرری به احرام نمی‌زند.

۱۷۱. گفتن حاجی به معتمر: حاجی کسی است که حَجَّةُ الْاِسْلَام

(تَمَتَّع) به جا آورده باشد ولی گفتن آن به معتمر نیز اشکالی ندارد.

۱۷۲. عمره دوم در یک ماه قمری: هرگاه بخواهد در یک ماه قمری

دو عمره به جا آورد، عمره دوم را به قصد رجا می‌تواند به جا آورد.

۱۷۳. عمره به جا آوردن به تیت خود و دیگران: هرگاه عمره واجب

خود را به جا آورده باشد، در ماه قمری دیگر عمره به جا آوردن به

تیت خود و دیگران مانعی ندارد.

۱۷۴. رفتن به عمره با توجه به اینکه برای آل سعود درآمد دارد:

احتیاط واجب است کسانی که نه حج به جا آورده‌اند و نه عمره

و برای عمره استطاعت دارند عمره به جا آورند، این موضوع

مشکلی ندارد، اما شایسته است زائران خریدهای خود را از آن

کشور نکنند.

حدود و دیات

۱۷۵. فلسفه تنصیف دیه زنان: خون زن و مرد مؤمن هر دو محترم است، ولی چون دیه جبران خسارت مادی است، نه پول خون و پر واضح است که خسارت حاصل از فقدان مردان در خانواده غالباً بیشتر از خسارت حاصل از فقدان زنان است، شارع مقدس دیه مردان را دو برابر قرار داده است.^۱

۱۷۶. بیمه دیه زن و مرد: منظور این است که اداره بیمه در قرارداد خود متعهد می شود که در مقابل گرفتن حق بیمه مساوی در صورت تصادف، دیه مرد و زن را یکسان پردازد و ارتباطی به مقدار دیه از نظر حکم شرع ندارد.

۱۷۷. ماه‌های حرام: محرّم، ذوالقعدة، ذوالحجة و رجب، ماه‌های حرام هستند و دیه با شرایط خاصی در آن تشدید می شود.

۱۷۸. دیه جنین: پیش از آنکه روح در جنین دمیده شود دارای پنج مرحله است: نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم. و دیه آن بنابر احتیاط واجب به شرح زیر است:

در بیست روز اوّل (که نطفه است) پانزده مثقال معمولی طلا و در بیست روز دوّم (که علقه است) سی مثقال و در بیست روز سوم (که مضغه است) ۴۵ مثقال و در بیست روز چهارم (که عظام است) شصت مثقال و در بیست روز پنجم (که لحم است) تا زمانی

۱. رک: مقاله «فلسفه تنصیف دیه زنان» در سایت www.makarem.ir.

که اعضا کامل شود و پیش از آنکه جنین در شکم مادر به حرکت درآید ۷۵ مثقال و پس از دمیدن روح در پسر دیه کامل و در دختر نصف دیه کامل تعلق می‌گیرد.

۱۷۹. دیه جنین بر عهده کیست؟ دیه جنین بر کسانی است که در سقط دست داشته‌اند و چنانچه مادر با میل و اختیار خود را در اختیار طبیب قرار داده که سقط کند، نیمی از دیه بر عهده اوست و باید علاوه بر پرداخت دیه از گناه بزرگی که مرتکب شده‌اند به‌طور جدی توبه کرده و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران کنند.

۱۸۰. سنگسار: در وضعیتی فعلی که محذورات مهمی بر این امر مترتب می‌شود می‌توان اعدام را به نحو دیگری انجام داد.

۱۸۱. اجرای حدود در ملأ عام: اجرای حدود در ملأ عام در حال حاضر ضرورتی ندارد، بلکه اگر مستلزم هتک سمعه اسلام شود جایز نیست، مگر در مورد جرایمی که انعکاس وسیعی در جامعه داشته و اجرای علنی آن موجب کاهش جرایم شود.

حق الناس و حق والدین

۱۸۲. روش جبران حق الناس: در صورت امکان معادل حق او را به دستش برساند، یا به صورتی با هم مصالحه کنند و اگر این کار ممکن نیست به دست شخص ثالث، یا با حواله بانکی، یا با پست برایش ارسال کند. و چنانچه به او دسترسی ندارد به نیت وی به فقرا صدقه دهد.

۱۸۳. ردّ مظالم: منظور حقوق النَّاسِ قطعی یا احتمالی است که صاحب آن دقیقاً شناخته شده نیست، که با اجازهٔ حاکم شرع صرف نیازمندان می‌شود.

۱۸۴. روش جبران حقوق غیر مالی مردم: در صورت امکان از صاحبان حق حلائیّت بطلبید و اگر این کار ممکن نیست برای آنها کار خیر کنید تا از شما راضی شوند.

۱۸۵. تصرّف در املاک دیگران: این کار بدون جلب رضایت مالک یا مالکان جایز نیست، مگر اینکه ضرورت مهمّی نهادهای اجتماعی داشته باشد که در این صورت باید قیمت آن به نرخ روز پرداخت شود.

۱۸۶. حق الماره: در مورد حق الماره دو حالت است: ۱. اگر باغ محصور باشد (حفاظ داشته باشد) وارد شدن و خوردن میوهٔ آن بدون اجازهٔ صاحبش حرام است. ۲. اگر باغ محصور نباشد یا شاخه‌هایش بیرون آمده باشد جایز است هنگام عبور از کنار باغ‌ها از میوهٔ آن به مقدار حاجت (نه بردن) بخورد، به شرط آن‌که به قصد این کار حرکت نکرده باشد و موجب افساد نگردد و احتیاط آن است که در صورت یقین به عدم رضایت مالک خودداری کند. البته در مورد درختانی که در معابر عمومی قرار دارد: استفاده از میوه‌هایی که در عرف و عادت محل برای همه مباح شده، مانند توت در بسیاری از مناطق، اشکالی ندارد، ولی غیر آن متعلّق به

صاحبان آن است، و اگر ملک بیت‌المال باشد متعلق به دولت است و باید طبق قوانین عمل شود.

۱۸۷. اصلاحات اراضی: لازم است رضایت مالکان اصلی یا ورثه آنها را به دست آورند. و اگر دسترسی به آنها ندارند با حاکم شرع مصالحه کنند.

۱۸۸. اشیاء گمشده: باید برای یافتن صاحبش به مدت یک سال تلاش کنید، هرگاه در اثنا از یافتن صاحبش مأیوس شوید می‌توانید آن را به نیت صاحب اصلی به فقیر صدقه دهید.

۱۸۹. تنبیه بدنی فرزندان: تا ضرورت قطعی نباشد باید از تنبیه بدنی خودداری کرد و در فرض ضرورت قطعی، باید طوری باشد که آسیبی به بدن نرسد.

۱۹۰. تنبیه بدنی دانش‌آموزان: زدن دانش‌آموزان جایز نیست، مگر برای تربیت آنها لازم باشد و با اجازه ولی صورت گیرد و موجب جراحت و کبودی بدن نشود. و چون در وضعیّت فعلی آثار منفی آن بیشتر است، لازم است حتی الامکان از آن صرف‌نظر شود.

۱۹۱. محدوده نافرمانی از والدین: هرگاه با مسائل مهم و سرنوشت‌ساز فرزندان بدون دلیل کافی مخالفت کنند، جلب رضایت آنها لازم نیست.

۱۹۲. رضایت والدین جهت طلبگی: چون روحانیون واجد شرایط موجود، پاسخگوی نیازهای داخل و خارج کشور نیستند

و تحصیل علوم دینی برای کسانی که آمادگی دارند واجب عینی است، تحصیل رضایت والدین برای ورود به حوزه علمیه لازم نیست، هرچند شایسته است در صورت امکان رضایت آنها جلب شود.

۱۹۳. استفاده از اموال کسی که درآمد او شبهه‌ناک است: اگر یقین نداشتید از پول حرام تهیه شده، تصرف در آن مانعی ندارد اما اگر یقین دارید و صاحب آن را می‌شناسید باید به صاحبش برگردانید و اگر صاحبش را نمی‌شناسید به شما اجازه می‌دهیم تصرف کنید و معادل آن را که تصرف کرده‌اید به نیازمندان بپردازید و اگر تمکن نداشتید بر ذمه بگیرید و هر وقت که توانستید، بپردازید.

۱۹۴. تصرف در مال مخلوط به حرام: هرگاه درآمدهای حلال هم دارد و نمی‌دانید آنچه در اختیار شما قرار داده از اموال حرام است یا حلال، تصرف در آن اشکال ندارد.

۱۹۵. محدوده استفاده میهمان از اموال صاحب‌خانه: استفاده به مقدار معمولی به دور از افراط و تفریط و در صورتی که علم به عدم رضایت صاحب‌خانه نباشد اشکال ندارد.

۱۹۶. پارتی بازی: پارتی بازی (یعنی وساطت برای پیشرفت کار برخلاف قانون) جایز نیست و حقوقی که می‌گیرند اشکال دارد، ولی چنانچه این کار در حد معرفتی باشد و فرد بقیه مراحل را طبق مقررات و قانون طی کند و باعث تضییع حقوق دیگران نشود اشکالی ندارد.

۱۹۷. حق تألیف و حق اختراع: ظلم و تعدی به حقوق دیگران شرعاً حرام است ولی مصادیق حق (موضوعات) از عرف عقلاً به دست می‌آید و عرفاً برای کسانی که سالیان طولانی هزینه می‌کنند و تلاش می‌کنند به یقین حقی وجود دارد که نمی‌توانیم اجازه بدهیم دیگران از آن بی‌اجازه استفاده کنند.

۱۹۸. استمرار حق تألیف و حق اختراع: پس از وفات صاحب اثر حق به ورثه او می‌رسد، ولی اگر به قدری زمان بگذرد (مثلاً هفتاد سال) که عقلاً دیگر چنین حقی برای ورثه قائل نیستند نیاز به کسب اجازه ندارد. و در صورت شک باید استصحاب وجود حق را جاری کنیم.

۱۹۹. کپی رایت: جز با رضایت تولیدکنندگان اصلی آن جایز نیست، مگر از کفار حربی باشند.

۲۰۰. مصداق محارب: شرکت‌ها و سازمان‌هایی که به کافران در حال جنگ (سرد و گرم) با مسلمانان مثل آمریکا، اسرائیل و انگلیس کمک می‌کنند و یا به کار آنها راضی و خوشحال می‌شوند در حکم محارب هستند.

۲۰۱. مستثنیات دین: عبارت است از: خانه مسکونی، وسایل منزل، لباس، وسیله نقلیه شخصی و امثال آن. سرمایه جزئی مستثنیات دین نیست، و طلبکار می‌تواند زیر نظر حاکم شرع آن را برای وصول طلب خود توقیف کند.

خمس

۲۰۲. روش محاسبهٔ خمس: خمس منزل مسکونی و اسباب و اثاثیهٔ منزل، و وسیلهٔ سواری (اگر دارید) را با شما مصالحه کردیم. بقیهٔ اموال و دارایی خود را محاسبه، بدهی‌های مربوط به آن را کسر کرده، خمس باقیمانده را یک جا یا به تدریج ارسال فرمایید.

۲۰۳. تصرف در اموال کسی که خمس نمی‌دهد: اگر یقین ندارید خانه یا غذای او از پول غیر مخمس تهیه شده، تصرف در آن مانعی ندارد و اگر یقین دارید به شما اجازه می‌دهیم تصرف کنید و معادل خمس آنچه را که تصرف کرده‌اید به سادات نیازمند بپردازید و اگر تمکن ندارید بر ذمه بگیرید و هر وقت که توانستید بپردازید.

۲۰۴. پرداخت خمس به واجب‌التفقه: پدر، مادر، فرزندان (در صورت نیاز و عدم توانایی بر تهیهٔ نفقه) و زوجه، واجب‌النفقه انسان هستند و خمس را نمی‌توان به واجب‌النفقه داد.

۲۰۵. خمس ارث: مال الارث خمس ندارد، هر چند سال‌ها بماند و هزینه نشود، ولی چنانچه ترقی قیمت پیدا کند و پیش از سال خمسی هزینه نشود، ترقی قیمت آن خمس دارد.

۲۰۶. خمس باقیماندهٔ مواد مصرفی: چنانچه مقدار باقیمانده، ارزش مالی داشته باشد یعنی این مقدار را در بازار بخرند و سال خمسی بر آن بگذرد خمس دارد. در غیر این صورت، پرداخت خمس آن واجب نیست اما احتیاط آن است که خمس آن را نیز بدهد.

۲۰۷. خمس پاداش بازنشستگی: اگر چیزی از آن تا پایان سال خمسی که آن را گرفته زیاد بیاید خمس دارد.

۲۰۸. خمس پس انداز مسکن و اتومبیل و جهیزیه و مانند آن: چنانچه سال خمسی بر آن بگذرد باید خمس آن پرداخت شود، ولی چنانچه برای پرداخت خمس در زحمت باشید، مجازید خمس آن را به ذمه گرفته و هر وقت توانستید بپردازید.

۲۰۹. خمس پول تو جیبی: اگر این پول ها جزء نیازهای انسان باشد حتی اگر صرفه جویی کرده باشد حکم نفقه را دارد و چنانچه چیزی از آن در پایان سال خمسی اضافه بیاید خمس دارد و اگر زاید بر نیاز باشد در حکم هدیه است و بنابر احتیاط واجب خمس دارد.

۲۱۰. خمس پول رهن منزل: پول رهن منزل تا زمانی که در رهن است خمس ندارد، ولی هرگاه از رهن آزاد شود و دیگر برای آن جهت مورد نیاز نباشد، و تا پایان سال خمسی هزینه نشود خمس به آن تعلق می گیرد.

۲۱۱. خمس جهیزیه: هرگاه تهیه جهیزیه، معمول و مورد نیاز است (مثلاً دختر در آستانه ازدواج است، یا تهیه آن جز به صورت تدریجی میسر نیست) خمس ندارد. در غیر این صورت، خمس آن واجب است. ولی چنانچه برای پرداخت خمس در زحمت باشید مجازید خمس آن را به ذمه بگیرید و هر وقت توانستید بپردازید.

۲۱۲. خمس سر قفلی: سر قفلی نوعی سرمایه گذاری است و در صورتی که توان داشته باشد باید خمس را بپردازد.

۲۱۳. خمس سرمایه بورس و اوراق مشارکت: چنانچه سال خمسی بر آن بگذرد باید خمس آن پرداخت شود، ولی چنانچه برای پرداخت خمس در زحمت باشید، مجازید خمس آن را به ذمه بگیرید و هر وقت توانستید بپردازید.

۲۱۴. خمس سهام عدالت: آن مقدار از سهام عدالت که متعلق به خود شخص است در صورتی که قابل خرید و فروش باشد و سال خمسی بر آن بگذرد، خمس دارد.

۲۱۵. خمس شهریه و مرجوعی: شهریه و مرجوعی خمس ندارد و در روایتی آمده است که فرمودند: «لا خمس فی ما ادئی إلیک صاحب الخمس». در آنچه صاحب خمس (امام یا نائب امام) به تو می دهند خمس نیست.

۲۱۶. خمس طلا: چنانچه مورد استفاده برای زینت بانوان نباشد، یا اضافه بر شأن و نیازشان باشد و سال خمسی بر آن بگذرد، خمس دارد؛ سکه های بهار آزادی نیز فقط خمس دارد.

۲۱۷. زکات سکه طلا: طلا در روزگار ما که مسکوک به سکه رایج معامله نیست زکات ندارد و فقط خمس دارد.

۲۱۸. خمس طلب: هرگاه طلب قابل وصول باشد با گذشت سال خمسی مشمول خمس خواهد بود، در غیر این صورت جزئی درآمدهای سال وصول محسوب می شود.

۲۱۹. خمس وام: وام خمس ندارد مگر مقداری که اقساط آن پرداخت شده و معادل آن تا پایان سال خمسی موجود باشد.

۲۲۰. **خمس هدیه:** اگر هدیه تا پایان سال خمسی استفاده نشود، و سال خمسی بر آن بگذرد، بنابر احتیاط واجب خمس دارد.
۲۲۱. **روش محاسبه خمس هزینه حج و عمره کسانی که سال خمسی دارند:** چنانچه بین سال خمسی برای حج یا عمره ثبت نام کرده اصل پول و سود آن خمس ندارد.
۲۲۲. **روش محاسبه خمس هزینه حج و عمره کسانی که سال خمسی ندارند:** کسانی که سال خمسی ندارند و دارای سرمایه‌ای هستند که خمس آن را نپرداخته‌اند، باید خمس پولی را که برای حج یا عمره هزینه کرده‌اند و خمس سود آن را بپردازند.
۲۲۳. **روش محاسبه خمس هزینه حج و عمره کارمندان و کارگرانی که سال خمسی ندارند و زمان اولین دریافت حقوق را به یاد دارند:** اگر زمان اولین دریافت حقوق را به یاد دارد سال خمسی بر اساس زمان دریافت اولین حقوق روشن می‌شود؛ چنانچه بر مبالغی که هزینه شده سال خمسی گذشته به اصل و سود آن خمس تعلق می‌گیرد.
۲۲۴. **روش محاسبه خمس هزینه حج و عمره کارمندان و کارگرانی که سال خمسی ندارند و زمان دریافت اولین حقوق را به یاد ندارند:** اگر زمان دریافت اولین حقوق را به یاد ندارند و از درآمد یازده ماه منتهی به ثبت نام هزینه کرده است (یعنی دوازده ماه تمام از زمان دریافت حقوق نگذشته باشد) به اصل و سود آن خمس تعلق نمی‌گیرد و اگر از ذخیره قبل از آن بوده، اصل و سود آن خمس دارد.

۲۲۵. کسانی که مادر آنها سید است: از جهاتی حکم سید دارند و از جهاتی ندارند؛ خمس نمی‌توانند بگیرند و از لباس مخصوص سادات نباید استفاده کنند، اما از جهاتی شرافت سیادت و انتساب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام را دارند.

۲۲۶. مالیات جایگزین خمس نمی‌شود: مالیات همچون سایر هزینه‌های زندگی (مانند هزینه برق و آب و تلفن و مانند آن) است، و مصرف آن با موارد مصرف خمس تفاوت دارد، و جایگزین خمس نمی‌شود.

۲۲۷. همکاری با شریکی که خمس نمی‌دهد: چنانچه شما خمس سهم خود را بپردازید اجازه می‌دهیم به شراکت با او ادامه دهید، ولی امر به معروف و نهی از منکر را با زبان خوش فراموش نکنید.

خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

۲۲۸. حجیت آرم حلال: هرگاه سبب اطمینان شود حجّت اسقواگر از بازار مسلمین و یا دست مسلمان بگیرد آن نیز حجّت است.

۲۲۹. ماء الشعیر: در تولید ماء الشعیر بدون الكل دوش وجود دارد: در یک نوع از ابتدا الكل تولید نمی‌شود و در نوع دیگر الكل تولید شده را بخار می‌کنند. در حالت اول اشکالی ندارد. ولی اگر الكل مست‌کننده تولید شود مایع موجود نجس است بنابر احتیاط و با تبخیر الكل نجاست از بین نمی‌رود و هرگاه شک کنیم نوشابه موجود از کدام روش تهیه شده، استفاده از آن مانعی ندارد.

۲۳۰. **ماء الشعیر دارای الکل با درصد پایین:** الکل به صورت کم در بسیاری از مواد غذایی ممکن است وجود داشته باشد ولی چنانچه به طور طبیعی مست‌کننده نباشد، یا زیان آن اثبات نشود، حکم تحریم بر آن جاری نمی‌شود.

۲۳۱. **الکل موجود در غذا:** ممکن است به طور طبیعی مقدار کمی الکل در برخی مواد غذایی باشد که اگر مست‌کننده نباشد خوردن آن اشکالی ندارد، اما اگر الکل را از خارج وارد مواد غذایی کرده باشند استفاده از آن اشکال دارد.

۲۳۲. **شیرخوردن نوزاد از سینه زخمی مادر:** اگر راهی برای تغذیه او جز این نباشد یا زحمت داشته باشد مانعی ندارد.

۲۳۳. **پیدا شدن نجاست در غذای پخته‌شده:** اگر یقین دارد که نجاست هنگام پختن غذا در ظرف بوده، غذا نجس شده و نمی‌توان از آن استفاده کرد، ولی چنانچه احتمال می‌دهد بعداً افتاده، آن مقدار که یقین به سرایت دارد را جدا کند و بقیه پاک است و جست‌وجو لازم نیست.

۲۳۴. **خون‌هایی که هنگام پختن غذاهای گوشتی خارج می‌شود:** این خون‌ها نجس نیست و اگر جدا کردن آن از گوشت دشوار است، یا هنگام پخته شدن مستهلک می‌شود، خوردن آن مانعی ندارد.

۲۳۵. **زدن لیوان آب به همدیگر مثل شراب‌خواران:** این کار تشبیه به شراب‌خواران است و اشکال دارد.

۲۳۶. سیگار: استعمال سیگار و تمام انواع دخانیات با توجه به ضررهای فراوان آن که به تصدیق کارشناسان آگاه رسیده، حرام است.
۲۳۷. شکار لهوی و حرام: اگر شکار کردن برای تفریح و خوشگذرانی باشد (هرچند گوشت آن را مصرف کنند) شرعاً حرام است.
۲۳۸. ماهیان ظاهراً خوراکی: هرگاه به تشخیص اهل اطلاع فلس نداشته باشد، حلال نیست.
۲۳۹. علت حرمت آبزیان حرام گوشت: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایتی که سنّی و شیعه قبول دارند به ما فرموده‌اند که بعد از من به قرآن و کلمات اهل البیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عمل کنید و آن بزرگواران به ما فرموده‌اند جز ماهی فلس دار و میگو، سایر جانوران دریا حرام است.
۲۴۰. مردن ماهی صیدشده در ظرف آب: خوردن آن اشکالی ندارد، اما اجتناب از چنین ماهی بهتر است.
۲۴۱. نشانه‌های پرندگان حلال گوشت: سه چیز در پرندگان نشانهٔ حلیّت است: ۱. پرندگانی که بال می‌زنند و بال زدن آنها از صاف نگه داشتن بال‌ها بیشتر است گوشتشان حلال است. ۲. داشتن چینه‌دان. ۳. داشتن شاخک پشت پا.
۲۴۲. گوشت بلبل: خوردن گوشت بلبل حلال است.
۲۴۳. گوشت بوفالو: احتیاط در ترک خوردن گوشت آن است، زیرا ظاهراً درنده است.
۲۴۴. گوشت طوطی، مرغ عشق، مرغ مینا: احتیاط آن است که از گوشت آنها استفاده نکنند و فضلّهٔ تمام پرندگان پاک است.

۲۴۵. گوشت کلاغ و زاغ: خوردن گوشت کلاغ و زاغ اشکال دارد.
۲۴۶. گوشت قو: قو حلال گوشت است.
۲۴۷. خوردن ملخ مرده: احتیاط در ترک آن است.
۲۴۸. گوشت پنگوئن: پنگوئن حرام گوشت است.
۲۴۹. گوشت زرافه: زرافه حلال گوشت است.
۲۵۰. گوشت کرگدن که گیاه خوار است: اگر جزء حیوانات درنده باشد حرام گوشت خواهد بود هر چند گیاه خوار باشد و با توجه به تحقیقات انجام شده درنده است.
۲۵۱. خوردن گوشت یا جگر خام: خالی از اشکال نیست، مگر برای درمان بیماری‌های خاص.
۲۵۲. شکلات حاوی ژلاتین گاو: هرگاه در خارج از کشور تهیه شده باشد (که ذبح شرعی نمی‌شود) جایز نیست.
۲۵۳. خون داخل تخم مرغ و شیر: خون تخم مرغ و خون کمی که گاهی در شیر پیدا می‌شود، پاک است ولی نمی‌توان آن را خورد؛ بنابراین، اگر خون را جدا کنند باقی مانده را می‌توان استفاده کرد. اما اگر عمداً به هم بزنند تا مستهلک شود خوردن آن اشکال دارد.

خون‌های سه‌گانه

۲۵۴. کارهایی که بر حائض حرام است: ۱. تمام عبادت‌هایی که شرط صحّت آن وضو یا غسل یا تیمّم است. ۲. کارهایی که بر جنب حرام است. ۳. آمیزش جنسی و نزدیکی کردن به هنگام

عادت، هم بر زن حرام است و هم برای مرد. ۴. طلاق دادن زن در حالت حیض باطل و بی‌اثر است.

۲۵۵. زیارت امام زاده برای حیض: زیارت امام زادگان مانعی ندارد

ولی نباید وارد بخش‌هایی شود که مسجد است.

۲۵۶. زیارت ائمه علیهم‌السلام برای حائض: احتیاط واجب آن است که در

حرم امامان توقّف نکند، ولی رفتن به رواق‌های اطراف ضریح مطهر امامان علیهم‌السلام مانعی ندارد، اما وارد حرم (محوطه اطراف ضریح) نشود.

۲۵۷. قرائت قرآن در حال حیض: قرائت قرآن جز آیاتی که سجده

واجب دارد^۱ جایز است، هرچند خواندن بیش از هفت آیه کراهت دارد. یعنی ثواب آن نسبت به زمانی که عادت نیست کمتر است، ولی خواندن دعاها و زیارت‌ها و انجام سجده و فرستادن صلوات و سایر اذکار به طور کلی مانعی ندارد.

۲۵۸. حرمت نزدیکی در ایام حیض: نزدیکی (دخول از جلو) با

همسر در ایام عادت ماهیانه حرام است و نزدیکی (دخول از پشت) کراهت شدید دارد؛ اما لذت‌های دیگر مانعی ندارد.

۲۵۹. نزدیکی کردن بعد از پاکی از حیض و قبل از غسل: اگر کاملاً

پاک شده باشد و حتی لکه خون کمرنگی نبیند، آمیزش اشکال ندارد.

۱. سوره سجده (۳۲)، آیه ۱۵؛ سوره فصلت (۴۱)، آیه ۳۷؛ سوره نجم (۵۳)، آیه ۶۲؛ سوره علق (۹۶)، آیه ۱۹.

۲۶۰. لگه بینی قبل از حیض: اگر لگه بینی قبل از حیض، بیش از دو سه روز نباشد و در این مدت به طور مستمر در باطن خون باشد و به خون حیض متصل شود و مجموع لگه‌ها و خون از ده روز بیشتر نباشد، حیض محسوب می‌شود. ولی اگر از ده روز بیشتر شود فقط خون‌هایی که شرایط حیض دارد حیض محسوب می‌شود و لگه‌ها استحاضه است. اما اگر بر اثر زخم و جرح یا عفونت باشد برای نماز فقط باید محلّ نجس تطهیر شود.

۲۶۱. تجاوز خون از ده روز: اگر از ده روز بگذرد به مقداری که در ماه‌های قبل خون می‌دیده عادت ماهیانه قرار می‌دهد و بقیه حکم استحاضه دارد و اگر از ده روز تجاوز نکند همه آن حیض محسوب می‌شود.

۲۶۲. خون‌های نامنظم: چنانچه عادت ماهیانه مرتّب دارد طبق آن عمل کند و اگر ندارد، خون‌هایی که نشانه‌های حیض دارد حیض است (به شرطی که از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد و فاصله دو حیض کمتر از ده روز نباشد).

۲۶۳. طهر متخلّل: هرگاه زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد اگرچه یقین داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند.

۲۶۴. استفاده از قرص جلوگیری برای قطع عادت ماهیانه: هرگاه ضرر مهمّی نداشته باشد اشکالی ندارد و چنانچه لگه‌هایی ببیند

ولی سه روز اوّل متّصل و پی‌درپی نباشد حکم استحاضه را دارد.
۲۶۵. استحاضه و خونهای مشکوک: هرگاه خون، علایم و شرایط حیض (مانند پیوستگی در سه روز اوّل) را نداشته باشد و بر اثر زایمان یا زخم و جرح یا عفونت نباشد در حکم استحاضه است.
۲۶۶. زنان فاقد رحم که یائسه نیستند: در صورتی که رحم آنها را به طور کامل برداشته باشند خونی که می‌بینند عادت محسوب نمی‌شود و حکم خون زخم و مانند آن را دارد و برای نماز شستن آن خون‌ها کافی است و در صورت طلاق احتیاط این است که عدّه نگه دارد.

۲۶۷. یائسگی زنان سیّده و غیر سیّده: اوّل این مسأله مربوط به خون‌های مشکوک است و اگر بعد از پنجاه سال خونی که می‌بیند تمام صفات حیض را داشته باشد حیض است. ثانیاً آنچه در روایات آمده زنان قرشی است نه مطلق سادات و بنی‌هاشم و قریش قبیله‌ای است از عرب؛ پس حکم شصت سالگی مخصوص زنانی است که عرب هستند و از قبیله قریش در حالی که در عرف، زنان سیّده ایرانی را عرب نمی‌گویند چه رسد به قریشی. و تفاوت است بین بنی‌هاشم یعنی از نسل هاشم بودن با از نژاد قریش و جزء قبیله قریش بودن. فی‌المثل کسی که جدّ اعلاّی وی ترک بوده ولی چندین پشت او فارس هستند به او ترک گفته نمی‌شود. تذکّر: آنچه در مورد قبیله قریش گفته می‌شود تعبد نیست، بلکه طبیعت آنها این است که زنانشان تا شصت سالگی

بارور می‌شوند و زنی که اجدادش عجم است و طبیعتش عوض شده احکام آنها در مورد او جاری نمی‌شود. البته اکنون هم در میان اعراب قبیله قریش موجود است.

۲۶۸. خون پس از یائسگی: هرگاه خونی که پس از یائسگی می‌بینند تمام شرایط حیض را داشته باشد، عادت ماهیانه محسوب می‌شود و احکام حیض را دارد. و سنّ یائسگی مربوط به خون‌های مشکوک است.

رسانه

۲۶۹. ماهواره: چون غالب برنامه‌های آن فاسد است و آثار منفی در پی دارد و در هر خانه‌ای وارد شود غالباً از آن سوء استفاده خواهد شد، استفاده از آن جایز نیست.

۲۷۰. شبکه استانی: دیدن شبکه‌های استانی از طریق ماهواره جایز نیست، ولی استفاده از امکانات مخابراتی جمهوری اسلامی که به همین منظور تولید شده اشکالی ندارد.

۲۷۱. حکم گوش دادن به رادیوهای بیگانه: گوش دادن به رادیوهایی که اخبار دروغ منتشر و بین مردم ایجاد اختلاف می‌کنند جایز نیست.

۲۷۲. اینترنت: چون اینترنت قابل استفاده صحیح و ناصحیح است و مطالب خوب و بد دارد از ابزار مشترک محسوب می‌شود

و چنانچه از آن استفاده‌های مشروع کنند اشکالی ندارد و خرید و فروش ابزار آن نیز جایز است.

۲۷۳. فیس بوک: اگر از نظر حکومت اسلامی ممنوع باشد و مفسد

اخلاقی، اجتماعی و سیاسی به دنبال داشته باشد جایز نیست.

۲۷۴. دیدن برنامه‌های طنز: هرگونه طنز و تقلید صدا و حرکات که

موجب آزار یا اهانت به افراد شود شرعاً جایز نیست و نگاه کردن به آن نیز اشکال دارد.

۲۷۵. کاریکاتور: هرگاه اهانت به صاحبان تصاویر نباشد اشکالی

ندارد.

روزه و اعتکاف

۲۷۶. رؤیت هلال: در شهرهایی که از نظر افق با آن شهر هم افق، یا

قریب‌الافق باشد، حجّت است. همچنین اگر در مناطق شرقی دیده شود برای مناطق غربی حجّت است.

۲۷۷. تشخیص ضرر برای روزه: هر که می‌داند روزه برای او ضرر

دارد باید روزه را ترک کند و اگر روزه بگیرد صحیح نیست.

همچنین اگر یقین ندارد اما احتمال قابل توجهی می‌دهد که روزه برای او ضرر دارد؛ خواه این احتمال از تجربه شخصی حاصل شده باشد یا از گفته طیب.

۲۷۸. افطار بدون ضرورت شرعی: تنها راه افطار در چنین مواردی

این است که قبل از ظهر به مقدار مسافت شرعی (۲۱/۵ کیلومتر) از شهر خارج شده و در آنجا افطار کند و برگردد.

۲۷۹. تشنگی شدید: اگر روزه دار چندان تشنه شود که طاقت تحمل آن را نداشته و یا ترس بیماری و تلف داشته باشد می تواند به اندازه ضرورت آب بنوشد، ولی روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد باید بقیه روز را امساک کند و بعداً روزه را قضا کند.

۲۸۰. قضا و کفاره روزه زن باردار و شیرده: اگر روزه برای مادر ضرر داشته باشد و تا ماه رمضان سال بعد نتواند قضا کند قضا ندارد، ولی باید برای هر روز فقیری را سیر کند. اما اگر برای بچه ضرر داشته باشد هم قضا دارد و هم کفاره (سیر کردن یک فقیر برای هر روز).
۲۸۱. کسی که نماز یا روزه قضا دارد: کسی که روزه قضا دارد می تواند روزه استیجاری بگیرد اما نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و نذر روزه او صحیح نیست. ولی اگر نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی یا استیجاری بخواند.

۲۸۲. روزه بیمار و قضای آن: هرگاه بر اثر عذر شرعی نتواند روزه بگیرد و همان عذر یا عذر شرعی دیگر که بلافاصله پس از آن عذر حاصل شده تا ماه رمضان سال بعد ادامه داشته باشد قضا ندارد، ولی باید برای هر روز فقیری را سیر کند. و اگر عذرش برطرف شود فقط قضای آن را به جا آورد و چنانچه تا ماه رمضان سال بعد قضای آن را بجا نیاورد هم قضا دارد و هم سیر کردن فقیر لازم است.

۲۸۳. جنابت روزه‌دار: اگر روزه‌دار با خود کاری کند که منی از او بیرون آید روزه‌اش باطل می‌شود، اما اگر بی‌اختیار در حال خواب یا بیداری بیرون آید روزه باطل نمی‌شود.

۲۸۴. ملاحظه: اگر روزه‌دار بدون قصد بیرون آمدن منی، مثلاً با همسر خود بازی کند، در صورتی که عادت نداشته باشد که به این مقدار بازی و شوخی منی از او خارج شود، ولی اتفاقاً منی بیرون آید روزه‌اش صحیح است.

۲۸۵. مسواک زدن روزه‌دار: مسواک کردن در حال روزه مانعی ندارد. ولی اگر رطوبت پیدا کند و مسواک را بیرون آورده و به دهان بازگرداند و رطوبت آن در آب دهان مستهلک نشود، جایز نیست و چنانچه با خمیر دندان مسواک کند باید دهان را بعد از آن کاملاً بشوید.

۲۸۶. تزریق آمپول و سرم در حال روزه: تمام انواع آمپول‌های دارویی یا تقویتی که به صورت عضلانی تزریق می‌شوند و نیز تزریق عضلانی واکسن اشکالی ندارد ولی تزریق آمپول و سرم‌های وریدی (که در ر تزریق می‌شوند) جایز نیست.

۲۸۷. سخن گفتن با نامحرم در حال روزه: چنانچه گفت‌وگو با نامحرم از حدّ سخنان عادی فراتر رود و مفسده داشته باشد جایز نیست.

۲۸۸. عدم توانایی بر پرداخت کفّارهٔ عمد: کسی که قادر بر پرداخت کفّارهٔ عمد نیست هر چند «مُد» که می‌تواند به فقرا اطعام کند و اگر

نتواند باید هجده روز روزه بگیرد و اگر نتواند هر چند روز که می‌تواند به‌جا آورد و اگر نتواند استغفار کند و همین اندازه که در قلب بگوید «استغفرالله» کافی است و واجب نیست بعداً که قدرت پیدا کرد کفاره بپردازد.

۲۸۹. فطره میهمان یک‌شبه: فطره میهمان بر عهده صاحب‌خانه نیست، مگر اینکه برای چند شب میهمان او باشد به‌طوری که نان خور او محسوب شود.

۲۹۰. مصرف زکات فطره: احتیاط واجب آن است که زکات فطره فقط صرف فقرا و نیازمندان شود و هزینه کردن در موارد دیگر اشکال دارد.

۲۹۱. شب‌های قدر در سراسر کره زمین: شب یعنی قرار گرفتن سایه قسمتی از کره زمین بر روی قسمت دیگر؛ بنابراین، اگر شب قدر مثلاً از مکه شروع شود تا زمانی که این سایه تمام کره زمین را فراگیرد شب قدر ادامه دارد. و در حقیقت شب قدر ۲۴ ساعت طول می‌کشد و در تمام کره زمین یک شب است.

۲۹۲. اعتکاف در غیر مسجد جامع: در مساجدی که مستمراً در آن اقامه جماعت شود، حتی اگر یک وعده نماز به‌طور مستمر در آن برپا شود، می‌توان اعتکاف کرد. مانند مساجد بازار و یا برخی ادارات. همچنین اگر مسجد دانشگاه در تابستان تعطیل باشد اعتکاف در آنجا فایده‌ای ندارد و صحیح نیست که در این صورت اگر بخواهند معتکف شوند باید به نیت رجاء باشد.

۲۹۳. اعتکاف مسافر در مدینه: مسافر مدینه می‌تواند سه روز و سه روزۀ مستحبّی آن شهر را در مسجدالنّبی معتکف شود.

۲۹۴. قضای اعتکاف: اگر نذر معین باشد، اعتکاف را در هر روزی به هم زند باید قضا کند و اگر نذر غیر معین باشد باید بعداً به جا آورد. و در اعتکاف مستحب چنانچه روز سوم به هم بزند باید قضا کند و در قضا باید مجدداً سه روز معتکف شود.

طلاق و عدّه

۲۹۵. طلاق غیابی: هرگاه برای حاکم شرع یا کسی که از حاکم شرع وکالت دارد ثابت شود که زن در عسر و حرج شدید است به شوهر او اتمام حجت می‌کند که یا به خوبی با زن زندگی کند و حقّ و حقوق او را بپردازد و یا وی را طلاق دهد و چنانچه به هیچ‌کدام عمل نکرد، یا دسترسی به او نیست، حاکم شرع می‌تواند زن را طلاق دهد و زن پس از عدّه می‌تواند ازدواج کند و اگر مطلقاً آمیزشی صورت نگرفته عدّه لازم نیست.

۲۹۶. طلاق در خارج از کشور: در قوانین برخی کشورها در طلاق تفاوتی نیست که درخواست متارکه از سوی زن باشد یا مرد. حال در این کشورها اگر زن بدون رضایت مرد طلاق گرفته است به نمایندگان خود که در خارج کشور گفته‌ایم به شوهر بگویند: اگر می‌خواهید به زندگی معقول با رعایت حقوق زن ادامه دهید و اگر

نمی‌خواهید خودتان مجدداً طلاق بدهید. اگر راضی به هیچ کدام نشدند اجازه داده‌ایم طلاق را اجرا کنند و ولایت دارند.

۲۹۷. رعایت عده در صورت علم به عدم حمل: عده حریم زوجیت

است و فلسفه و حکم آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین علت، اگر مردی سال‌ها از زن خود جدا زندگی کند یا در مسافرت باشد و همسرش را طلاق دهد، رعایت عده بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

۲۹۸. نفقه آیام عده و اطاعت از شوهر: در عده طلاق رجعی نفقه زن

بر عهده شوهر است و همه احکام زوجیت جاری است.

۲۹۹. رعایت حجاب در عده: زنی که در عده رجعی است به منزله

زنی است که در حال زوجیت شوهر است و همان احکام را دارد.

۳۰۰. شروع عده وطی به شبهه: ابتدای عده وطی به شبهه از زمان

وطی است و در مورد عده آن احتیاط آن است که عده طلاق ننگه دارد خواه این‌که وطی به شبهه عقد موقت باشد یا وطی به شبهه عقد دائم.

طهارت و نجاست

۳۰۱. درمان وسواس: منشأ وسواس ناآگاهی و جهل به مسائل

شرعی است و تنها راه حل آن آشنا شدن به احکام دینی و بی‌اعتنایی به وسواس است. وظیفه وسواسی آن است که مانند سایر

مردم متدین عادی عمل کند (هرچند به نظر خودش کافی نباشد) و بیش از آن وظیفه ای ندارد و ما مسؤولیت اعمال او را بر عهده می‌گیریم. اگر با دقت به این دستور عمل کند در مدت کوتاهی نجات پیدا خواهد کرد. برای موفقیت وی در عمل به دستور این دعا می‌کنیم.

۳۰۲. واسطه‌ها در نجاست: تا دو واسطه باعث انتقال نجاست می‌شود، نه بیشتر. یعنی اگر دست نجس مثلاً به دست دیگری بخورد آن هم نجس می‌شود و اگر آن به شیء سوم اصابت کند آن نیز نجس می‌شود، ولی اگر شیء سوم به چهارمی بخورد نجس نخواهد شد. به بیان دیگر، متنجس اول و دوم سبب سرایت نجاست می‌شود ولی متنجس سوم سبب سرایت نجاست نمی‌شود، هرچند خود آن نجس است.

۳۰۳. غسل: هرگاه با آب چیزی را که نجس شده (با شرایطی که در رساله آمده) بشویند پاک می‌شود اما اگر با آب قلیل باشد آبی که از آن جدا می‌شود و آن را «غساله» می‌گویند نجس است و اگر با آب لوله کشی یا آب کر بشویند چنانچه ذرات نجاست در غساله نباشد پاک است.

۳۰۴. ملاقات با نجاست در باطن: هرگاه چیزی مانند سوزن در داخل بدن با نجاستی مانند خون ملاقات کند نجس نمی‌شود، مشروط بر آنکه هنگام بیرون آمدن آلوده به خون نباشد. همچنین

آب دهان و بینی هرگاه در داخل دهان و بینی با خون ملاقات کند نجس نمی‌شود.

۳۰۵. ملاقات با نجاست در داخل دهان: احتیاط در این موارد،

تطهیر است زیرا دهان جزء نیمه باطن محسوب می‌شود.

۳۰۶. نجاست کفار: کفار نجس نیستند ولی چون از نجاسات

ظاهری پرهیز نمی‌کنند برای کسانی که نیاز به معاشرت ندارند احتیاط آن است که آلوده به زندگی آنها نشوند.

۳۰۷. نجاست محلی که سگ از آن جا عبور کرده است: اگر یقین

ندارید اجتناب لازم نیست و فقط در محل پای سگ پا نگذارید.

۳۰۸. حکم فاضلاب: تصفیه داریم و استحاله. «تصفیه» آن است که

مواد داخل آب را با صافی جدا سازند مثل تصفیه خانه‌های آب؛ این غیر از استحاله است. «استحاله» تغییر ماهیت است؛ مثل تغییر کلب به نمک. همچنین «انقلاب» نیست؛ مثل تبدیل خمر به سرکه (انقلاب تغییر ظاهر است و استحاله تغییر ماهیت است). به هر حال، تصفیه‌خانه آب نجس را پاک نمی‌کند چون نه انقلاب است و نه استحاله؛ همان آب است و فقط جرم‌های داخل آن را گرفته‌اند. به تعبیر امروزی، انقلاب و استحاله تغییر شیمیایی است و تصفیه تغییر فیزیکی.

۳۰۹. حکم اشیاء چرمی که مشتبّه است: اشیاء چرمی خواه با ذبح

اسلامی به دست آمده باشند یا ذبح غیر اسلامی پاک و خرید

و فروش آن جایز است ولی نمی توان با آن نماز خواند؛ اما گوشت و اجزای خوردنی باید حتماً ذبح اسلامی شود.

۳۱۰. تطهیر بول با آب قلیل: در تطهیر بول با آب قلیل یک مرتبه کافی است ولی دو مرتبه شستن مستحب است.

۳۱۱. تطهیر موکت چسبیده به زمین: با آب لوله کشی پاک می شود و باید کمی فشار داده شود و بهتر این است که غُساله آن با دستمال و امثال آن جمع شود.

۳۱۲. تطهیر فرش یا مکان نجس: برای تطهیر مکان نجس ابتدا عین نجاست را برطرف نمایید؛ در مورد آب قلیل، مقداری آب روی آن قسمت بریزید به گونه ای که محل نجاست شده را در برگیرد و کمی آب را حرکت دهد و بعد با دستمالی آن آب را جمع کنید. بدین ترتیب آن قسمت پاک می شود اما دستمال و دست و ظرفی که دستمال در آن قرار می گیرد، نجس می باشد. و در مورد آب لوله کشی همین مقدار که آب آنجا را فرا بگیرد و کمی آب را حرکت دهد پاک می شود و بهتر این است که غُساله آن با دستمال و امثال آن جمع شود.

۳۱۳. تطهیر با ماشین لباسشویی: ماشین های معمولی که یکی دو بار با مواد شوینده لباس را می شوید و آخرین بار پس از زوال نجاست با آب خالص شست و شو می دهد و بعد آب را تخلیه می کند، لباس هایی که شسته پاک است و ماشین نیز پاک است.

۳۱۴. تطهیر موبایل نجس شده: باید قاب آن را باز کرده و تطهیر کنند و یا برای آن جلد تهیه کنند.

۳۱۵. وضو، غسل و تطهیر با آب دریاچه نمک: نمی‌توان وضو گرفت و غسل کرد و چیزی را با آن طاهر کرد.

۳۱۶. نجس شدن دریاچه نمک: آب‌های مضاف اگر وسیع و گسترده باشد تمام آن نجس نمی‌شود.

عزاداری

۳۱۷. بهترین شیوه عزاداری: تشکیل مجالس باشکوه و ذکر اهداف مقدّس امام حسین علیه السلام و تاریخ کربلا و تحلیل فرازهای آن و مراسم سوگواری و تشکیل دسته‌جات عزاداری باشکوه، توأم با شعارهای بیدارکننده و سازنده و توزیع جزوه و پوستره‌های پرمحتوا و استفاده از پلاکاردها یا شعارهای جالب و جذّاب و روشنگر اهداف عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام و مانند آن است.

۳۱۸. عزاداری امام حسین علیه السلام: عزاداری خامس آل عبا علیهم السلام از مهم‌ترین شعائر دینی و رمز بقای تشیّع است، ولی باید به گونه‌ای برگزار شود که موجب وهن مذهب نگردد و آسیبی به بدن وارد نشود و مدّاحان محترم از خواندن اشعار کفرآمیز یا آلوده به شرک یا مضامینی که در شأن حضرات معصومین علیهم السلام و پیروان آنان نیست خودداری ورزند. استفاده از آلات موسیقی مناسب مجالس لهو و فساد جایز نیست و برهنه شدن به هنگام عزاداری هرگاه در حضور زنان باشد حرام و اگر زنان نباشند اشکال دارد.

۳۱۹. مدّاحی‌های مطلوب: استفاده از مدّاحی مدّاحانی که از اشعار کفرآمیز و آمیخته با غلو یا خلاف واقع استفاده نکنند و سبک و آهنگ آنها مناسب مجالس لهو و فساد نباشد اشکالی ندارد.

۳۲۰. زبان حال: منظور از زبان حال آن است که حالت آن بزرگواران چنین تعبیراتی را اقتضا می‌کند و این کار به دو شرط جایز است: نخست اینکه واقعاً این سخنان مناسب چنان حالتی باشد و دیگر اینکه معلوم باشد که زبان حال است نه زبان قال.

۳۲۱. اشعار و الفاظ نامربوط: عزاداری خامس آل عباس علیهم‌السلام از مهم‌ترین شعائر دینی است ولی باید از سخنان و اشعاری که متناسب با عزاداران اهل البیت علیهم‌السلام نیست جداً خودداری شود زیرا حضرت سیدالشهدا از این‌گونه امور بیزار است.

۳۲۲. حمل علامت در عزاداری: چون حمل علامت‌ها در کوچه و خیابان غالباً باعث مزاحمت برای مردم و آسیب برای حمل‌کنندگان می‌شود و بی‌شبهت به صلیب نصاری نیست، بهتر است از آن پرهیزید.

۳۲۳. طبل و سنج: استفاده از آلات موسیقی در مسجد و حسینیه به طور کلی جایز نیست و در غیر آن استفاده از طبل و سنج و نی در صورتی که آهنگ مناسب مجالس لهو و فساد نزنند، و به گونه‌ای نباشد که باعث ایذاء دیگران گردد جایز است ولی استفاده از سایر آلات موسیقی از جمله دف جایز نیست.

۳۲۴. موسیقی در عزا: همه صداهای آهنگ‌هایی که مناسب مجالس

لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است. حرمت گوش دادن به آهنگ‌های حرام در ایام عزا بیشتر است و نیز مناسب است از گوش دادن به موسیقی‌های حلال که با این ایام تناسب ندارد پرهیز شود.

۳۲۵. نی زدن: هرگاه آهنگ مناسب مجالس لهو و فساد باشد جایز نیست.

۳۲۶. قمه زنی: عزاداری خامس آل عباس علیهم‌السلام از مهم‌ترین شعائر دینی و رمز بقاء تشیع است و باید هرچه باشکوه‌تر برگزار شود، اما لازم است از کارهایی که آسیب به بدن می‌رساند، یا موجب وهن مذهب می‌شود، جداً پرهیزند.

۳۲۷. بالا و پایین پریدن: عزاداری خامس آل عباس علیهم‌السلام از افضل قربات است و چنین مجالسی باید مرکز نشر و گسترش معارف اهل بیت علیهم‌السلام باشد و از چنین کارهایی پرهیزند.

۳۲۸. برهنه شدن: برهنه شدن هنگام سینه زنی اگر در حضور نامحرم باشد حرام است و در غیر این صورت نیز چون سبب وهن است بنابر احتیاط باید ترک شود؛ ولی باز گذاشتن کمی از جلوی سینه برای سینه زنی یا کمی از پشت برای زنجیر زنی مانعی ندارد.

۳۲۹. طشت گذاری و الوار کشی: این کار صحیح نیست و در منابع معتبر وارد نشده است.

۳۳۰. استفاده از بلندگو: نباید بلندگوهای مجالس عزاداری برای همسایه‌ها مزاحمت داشته باشد؛ بنابراین، بلندگوها برای داخل مسجد تنظیم شود ولی برای پخش اذان اشکالی ندارد. البته صدای

بلندگو به ویژه در مورد اذان صبح باید به گونه‌ای باشد که حال همسایگان رعایت شود.

۳۳۱. گریه بلند در عزاداری: عزاداری خامس آل عبا علیهم‌السلام از افضل شعائر اسلامی است و گریه خواه آهسته باشد یا بلند جزء این شعائر عظیم محسوب می‌شود، ولی فریاد کشیدن و صداهای غیر متعارف که موجب وهن است ترک شود.

۳۳۲. پوشیدن لباس مشکی: پوشیدن لباس مشکی در ایام شهادت جنبه تعظیم شعائر دارد و مستحب است.

۳۳۳. کار کردن در روز عاشورا: حرام نیست، اما مناسب است وقتی را برای شرکت در عزاداری اختصاص داد.

۳۳۴. نماز ظهر روز عاشورا: مانند نمازهای دیگر است که می‌توان آن را به جماعت یا فرادی خواند، اما بهتر است در صفوف به هم پیوسته حضور یافته، نماز را به جماعت بخوانند.

۳۳۵. روزه در محرم و روزه عاشورا: روزه گرفتن در ماه محرم مستحب است اما در روز عاشورا کراهت دارد.

۳۳۶. آرایش کردن در ایام عزاداری: اصلاح کردن اشکالی ندارد و آرایش برای همسر جایز است، ولی سزاوار است در شب‌ها و روزهای شهادت ائمه علیهم‌السلام ترک شود.

۳۳۷. حنا گذاشتن در ایام عزاداری: چون حنا بستن نشانه شادی است بهتر است در ایام عزاداری ترک شود.

۳۳۸. سرمه کشیدن: سرمه کشیدن در ایام عزاداری اشکالی ندارد.

۳۳۹. عقد کردن در ایام عزا: عقد کردن در این ایام اشکالی ندارد اما جنبه‌های شادی در آن حذف شود و به اصل عقد که در آن عجله دارند اکتفا کنند.

۳۴۰. نزدیکی کردن در ایام عزا: نزدیکی کردن در ایام عزا حرام نیست، اما سزاوار است در شب و روز شهادت پرهیز شود.

۳۴۱. استفاده از تخمه و مانند آن در عزا: این کار اشکالی ندارد اما اگر در عرف محل انجام دادن آن را نشانه شادی می‌دانند بهتر است ترک شود.

علم جفر، جن، روح و خرافات

۳۴۲. سحر و جادو: هر چند سحر و جادو به تصدیق قرآن مجید حقیقت دارد^۱، ولی غالب آنچه را مردم سحر و جادو می‌دانند اوهام و خیالاتی بیش نیست. برای رفع آن هر روز پنج مرتبه آیه الکرسی بخوانید و به خود و اطرافیانتان بدمید و هر روز هر چند به مقدار کم صدقه بدهید و بر خدا توکل کنید.

۳۴۳. چشم زخم: چشم زخم در حقیقت نوعی انرژی موجود در چشم است که هر که دارای آن است می‌تواند از آن استفاده خوب یا بد کند؛ مانند چاقویی است که کسی به دست می‌گیرد. ولی بیشتر چشم زخم‌هایی که مردم می‌گویند خیالات است. برای رفع آن هر

۱. برای شرح بیشتر می‌توانید به تفسیر نمونه، جلد ۱، ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره مراجعه کنید.

روز پنج مرتبه آیه‌الکرسی بخوانید و به خود و اطرافیانتان بدمید و هر روز هرچند به مقدار کم صدقه بدهید و بر خدا توکل کنید.

۳۴۴. علم جفر: چون علم جفر به طور کامل نزد غیر معصومین نیست و ناقص آن اثر چندانی ندارد، تأیید نمی‌شود و به دنبال آن نروید.

۳۴۵. احضار روح: ارتباط با ارواح عقلاً ممکن است، ولی این کار شرعاً جایز نیست و مفسد فراوانی به بار می‌آورد.^۱

۳۴۶. جن: موجودی است ناپیدا و مطابق آنچه در قرآن آمده حقیقت دارد^۲، اما بر خلاف پندار برخی عوام کاری به انسان‌ها ندارد و آنچه در افواه مشهور است غالباً زاییده خیالات است و کسانی که مبتلا به اوهام هستند لازم است هرگز به آن فکر نکنند و اگر در هر روز پنج مرتبه آیه‌الکرسی^۳ را بخوانند آرامش بیشتری خواهند داشت.

۳۴۷. احضار جن: این امر ممکن است ولی شرعاً جایز نیست و بسیاری از مدعیان آن دروغگو یا خطاکارند.

۳۴۸. اوراق شیخ احمد^۴: این مطالب اعتباری ندارد و عمل به

۱. رک: ارتباط با ارواح.

۲. از جمله آیاتی که به وجود «جن» اشاره کرده سوره اسراء، آیه ۸۸، سوره کهف، آیه ۵۰، سوره الرحمن، آیه ۳۹.

۳. آیه‌الکرسی آیه ۲۵۵ سوره بقره است ولی بهتر است دو آیه بعد را نیز بخواند.

۴. «اوراق شیخ احمد» اصطلاحی است برای مطالبی به این مضمون که شخصی در خواب یکی از معصومین علیه السلام را دیده و دستوری داده و فرموده هر که آن را بنویسد چنین می‌شود و اگر ننویسد چنان می‌شود.

دستورالعمل آن جایز نیست و سالیان دراز است که به طور مرموزی انجام می شود و بعید نیست دشمنان اسلام برای سست کردن عقیده مسلمانان دست به این کار زده باشند.

۳۴۹. چهارشنبه سوری: چهارشنبه سوری از خرافات است و مسلمانان باید از آن بپرهیزند؛ ولی بسیاری از مراسم عید اموری عقلایی و مفید است.

۳۵۰. سیزده بدر: نحسی عدد سیزده و روز سیزدهم فروردین از خرافات است، ولی گردش در طبیعت و دیدن آثار عظمت خلقت و تفریح سالم به دور از گناه مانعی ندارد.

غسل و وضو

۳۵۱. شستن مرتبه دوم دست و صورت به هنگام وضو: احتیاط واجب ترک مرتبه دوم است، امّا مرتبه سوم و بیشتر حرام است. و منظور از مرتبه اول آن است که تمام عضو را بشوید خواه با یک مشت آب باشد یا چندین مشت، هرگاه تمام شد یک مرتبه حساب می شود.

۳۵۲. بالا و پایین بردن انگوو ساعت و مانند آن در وضو: این کار مانعی ندارد ولی باید نیّت کند که از بالا به پایین شسته شود.

۳۵۳. جوهر خودکار: جوهر خودکارهای معمولی مانع رسیدن آب نیست.

۳۵۴. کرم برای وضو: چنانچه مانع رسیدن آب نباشد اشکالی ندارد. و کرم‌های معمولی مانع نیست.

۳۵۵. سر مه برای وضو: در صورتی که غلیظ و مانع رسیدن آب نباشد مانعی ندارد.

۳۵۶. غسل کردن و وضو گرفتن با لاک: در غسل باید تمام موانع برطرف شود و در وضو انگشتان دست باید از لاک پاک شود، ولی در انگشتان پا اگر یک انگشت (جز انگشت کوچک) خالی از لاک باشد و بر روی آن مسح بکشند، صحیح است.

۳۵۷. وضو با موی مصنوعی: هرگاه مانع رسیدن آب به بدن نباشد اشکالی ندارد و اگر مانع باشد تنها در صورت ضرورت جایز است و در این صورت، حکم جبیره دارد مگر اینکه واقعاً کشت حقیقی باشد و جزء بدن شود. و در فرض اول در صورت تشرّف به حج باید یک کفّاره برای عمره و یک کفّاره برای حج بدهد.

۳۵۸. کاشت ناخن مصنوعی: هرگاه ضرورتی برای این کار نباشد آن را ترک کنند و چنانچه ضرورت دارد و امکان جداسازی ناخن‌های مصنوعی به هنگام غسل و وضو نباشد، با آن وضو و غسل جبیره ای می‌گیرند.

۳۵۹. خالکوبی: اگر همراه با تصاویر مبتذل و انحرافی نباشد و برای بدن ضرر قابل توجهی نداشته باشد حرام نیست و در هر حال وضو و غسل با آن اشکالی ندارد؛ امّا سزاوار است از این کار پرهیز شود.

۳۶۰. حکم تاتولب و ابرو و غسل و وضو با آن: این کار در صورتی که آرایش تند محسوب نشود و منشأ فساد نگردد جایز است و در هر حال برای وضو و غسل اشکالی ندارد، زیرا چیزی نیست که روی پوست را بیوشاند. و اگر روی پوست باشد باید در صورت امکان به هنگام غسل و وضو برطرف شود.

۳۶۱. استفاده از آب بدون نصب کنتور: اگر این کار بر خلاف مقررات باشد جایز نیست و وضو و غسل با آن اشکال دارد.

۳۶۲. سلسل البول والریح شدید: وظیفه شما آن است که وضو بگیرید و فوراً مشغول نماز شوید و اگر در وسط نماز چیزی خارج شد اعتنا نکنید و نمازتان را بخوانید ان شاء الله صحیح است. حتی اگر بین دو نماز فاصله زیادی نیندازید با همان وضو می‌توانید هر دو نماز را بخوانید.

۳۶۳. وضو گرفتن قبل از وقت: اگر وضو را به نیت نماز واجب بگیرد تنها در صورتی صحیح است که وقت نماز نزدیک باشد. (مثلاً ۱۰ تا ۱۵ دقیقه قبل از اذان) اما در هر زمانی می‌تواند وضو را به نیت طهارت بگیرد و با آن نماز بخواند.

۳۶۴. چگونگی مسح بر موی ژل زده: لازم است بیخ موها را که ژل ندارد مسح کند.

۳۶۵. مانع در وضو و غسل: اگر مانع بسیار کوچک باشد (به اندازه یک عدس) وضو و غسل صحیح است و الا باید مانع را برطرف کنند و دوباره وضو بگیرند و در غسل همان قسمت را به نیت غسل

زیر آب بگیرند (نیاز به تکرار غسل نیست) و نمازهایی که در این مدت خوانده‌اند را قضا نمایند.

۳۶۶. نیت در عبادات: لازم نیست نیت را به زبان بگویند یا از قلب خود بگذرانند، همین اندازه که اگر از او پرسند چه می‌کنی بداند، کافی است.

۳۶۷. جبیره تمام عضو: هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها را گرفته باشد باید بنا بر احتیاط هم وضو بگیرد و هم تیمم کند. در غسل نیز همین حکم جاری است.

۳۶۸. وضو و غسل جبیره‌ای: هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقت ندارد و آب برای آن مضر نیست، باید آن را باز کند و وضو بگیرد یا غسل کند. در غیر این صورت، اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره، نجس است یا نمی‌شود روی آن دست‌تر کشید، پارچه پاک‌تری بر آن ببندد و دست‌تر روی آن بکشد.

۳۶۹. عوامل جنابت: انسان با دو چیز جنُب می‌شود: اول جماع (از پشت یا جلو)، دوم بیرون آمدن منی (در خواب باشد یا بیداری). و هرگاه جنب شود، باید برای نماز و کارهایی که طهارت در آن شرط است غسل کند، البته در مواردی که نزدیکی از پشت انجام شده و منی خارج نشده است علاوه بر غسل باید برای نماز وضو هم بگیرد.

۳۷۰. ورود به مسجد برای حائض و جنب: رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود حرام است و توقف کردن در مساجد دیگر و داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن بر حائض و جنب حرام است اما اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. رفتن به حسینیه‌ای که در حکم مسجد نیست مطلقاً اشکالی ندارد.

۳۷۱. لمس کسانی که به شکل کلمه مقدّس «الله» ایستاده‌اند: نیاز به وضو ندارد و ادّله از این امور منصرف است، هر چند بهتر است مراعات کنند.

۳۷۲. احتلام زنان: هر رطوبتی که از بانوان خارج شود غسل ندارد، بلکه هرگاه زنان به اوج لذّت جنسی برسند و همزمان رطوبتی از آنها خارج شود (که غالباً همراه با سستی بدن است) رطوبت مذکور حکم منی دارد و باید غسل جنابت کنند، اما در صورت شک وظیفه‌ای ندارند.

۳۷۳. نشانه‌های منی: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه همراه با «جستن» و «شهوّت» باشد آن رطوبت حکم منی دارد و اگر این دو نشانه، یا یکی از آنها را نداشته باشد حکم منی ندارد، ولی در زن و مریض لازم نیست با جستن بیرون آید بلکه اگر رطوبت هنگامی خارج شود که به اوج

شهوة جنسی رسیده، حکم منی دارد و در صورت یقین به جنابت باید غسل کند وگرنه تکلیفی ندارد.

۳۷۴. استبراء از بول: استبراء عمل مستحبی است که مردان بعد از بیرون آمدن بول انجام می دهند، به این ترتیب که چند مرتبه (حدّاقل سه مرتبه) از بیخ آلت تا بالا دست می کشند و قسمت بالا را چند مرتبه فشار می دهند تا باقیمانده قطرات بول خارج شود. فایده این کار آن است که مجرا را از بول پاک می کند، یعنی اگر آب مشکوکی بعد از آن خارج شود پاک است و وضو را هم باطل نمی کند، اما اگر استبراء نکرده باید وضو را اعاده کند و محل را بشوید.

۳۷۵. استبراء از منی: استبراء از منی مخصوص مردان است که بعد از خروج منی بول می کنند تا ذرات باقی مانده خارج شود. فایده این کار آن است که اگر رطوبت مشکوکی از او خارج شود و نداند منی است یا یکی از آب های پاک، غسل ندارد و اگر استبراء نکند و احتمال دهد ذرات منی در مجری باقی بوده و همراه بول یا رطوبت دیگری خارج شده، باید دوباره غسل کند.

۳۷۶. مبطلات غسل: اگر بعد از غسل کاری کند که سبب وجوب غسل شود (مانند مسّ میّت یا جنابت) باید غسل کند. ولی اگر کاری کند که وضو را باطل می کند کافی است برای نماز و کارهایی که نیاز به وضو دارد وضو بگیرد.

۳۷۷. کفایت یک غسل از تمام غسل‌هایی که بر ذمه داشته: اگر بر کسی چند غسل واجب باشد هر گاه یک غسل واجب یا غسل مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده انجام دهد کفایت می‌کند، هر چند بقیه را نیت نکند.

۳۷۸. کسی که نمی‌دانسته غسل بر او واجب شده: اگر کسی نمی‌دانسته غسل بر او واجب شده باید نمازهایی را که از زمان وجوب غسل تا انجام دادن اولین غسل واجب، یا غسل مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده (مثل غسل جمعه، غسل احرام، غسل شب‌های قدر و جز آن) انجام داده قضا کند. اگر نمی‌دانسته جنب یا حائض شده است روزه صحیح است و اگر جنب یا حائض بودن را می‌دانسته ولی حکم را نمی‌دانسته (که باید غسل کند) باید روزه را قضا کند ولی کفاره ندارد.

۳۷۹. کسی که ترتیب را هنگام غسل رعایت نکرده: با توجه به استحباب رعایت ترتیب، غسل‌هایی که انجام داده صحیح است، ولی بهتر است از این پس ترتیب را رعایت کند.

۳۸۰. غسل جنابت در ایام حیض: با غسل جنابت در ایام حیض از جنابت پاک می‌شود. همچنین غسل‌های مستحبی را می‌تواند انجام دهد، اما از کارهایی که بر حائض حرام است باید پرهیزد. همچنین می‌تواند بعد از پاکی، هر دو را نیت کرده و یک غسل کند.

۳۸۱. شرم از غسل کردن: شرم و حیا مجوز ترک غسل و اکتفا به

تیمم بدل از غسل نمی‌شود، مگر اینکه درحدّ عسر و حرج باشد. و در هر حال اگر تا اواخر وقت نماز صبر کند و در زمانی که وقت برای غسل کردن نیست تیمم بدل از غسل کند و نمازش را بخواند نمازش صحیح است، هر چند کار خلافی کرده است.

۳۸۲. شک هنگام غسل: اگر در اجزاء آن شک کند باید برگردد ولی اگر بعد از فراغت از آنها باشد اعتباری ندارد.

۳۸۳. غسل‌هایی که کفایت از وضو می‌کند: تمام غسل‌های واجب و غسل‌های مستحبّی که با دلیل معتبر ثابت شده (مثل غسل جمعه، غسل را حرام، غسل شب‌های قدر و جز آن) کفایت از وضو می‌کند.

۳۸۴. یک غسل با چندین نیت: اگر چند غسل واجب شده و یا بخواهید جز غسل‌های واجب غسل‌های مستحب را هم به‌جا آورید می‌توانید تمام آنها را نیت کرده و یک غسل بکنید.

۳۸۵. خشک بودن بدن قبل از غسل: خشک بودن بدن قبل از غسل لازم نیست، بنابراین می‌توان نخست بدن را شسته و تمیز کرد، سپس غسل کرد.

۳۸۶. زمان غسل جمعه: بعد از اذان صبح جمعه تا ظهر روز جمعه است و در مورد قضای آن روایتی داریم که تا غروب روز شنبه می‌توان آن را قضا کرد.^۱

۱. الفقه المنسوب للامام رضا (علیه السلام)، ص ۱۲۹؛ میرزای قمی، ج ۱، ص ۲۵۶.

فرق و ادیان

۳۸۷. معاشرت با غیر مسلمانان: در غیر موارد ضرورت باید از آنها اجتناب کرد، ولی کسانی که به کشورهای غیر اسلامی سفر می‌کنند یا در آنجا زندگی دارند لازم نیست از غیر مسلمین و حتی از غذاهای غیر گوشتی آنها اجتناب کنند.

۳۸۸. معاشرت با اعضای فرقه ضالّه: بی‌شک افرادی منحرف هستند و اساس مذهب ساختگی آنها از سوی دولت‌های استعماری انگلستان و آمریکا است،^۱ و جزء کفار حربی هستند و هیچ‌گونه همکاری با آنها جایز نیست.

۳۸۹. صوفیّه: عموم فرق و گروه‌های صوفیّه انحرافی دارند از آنها اجتناب کنید؛ مگر اینکه بتوانید آنها را هدایت کنید.^۲

۳۹۰. عرفان کیهانی: گروه‌های منحرف و غالباً سودجویی هستند که برای رسیدن به اهداف نادرست خود چنین مطالبی را درست کرده و برخی شان پول‌های نامشروع و هنگفتی از این راه به دست آورده‌اند.

۱. شرح بیشتر را در کتاب «ارمغان استعمار» و «پای سخنان پدر» مطالعه فرمایید.

۲. شرح عقاید صوفیه را در کتاب جلوه حق مطالعه فرمایید.

در یکی از جلسات استفتائات که در منزل حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته) برپا بود به مناسبتی صحبت از کتاب «جلوه حق» به میان آمد معظم‌له فرمودند، آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه به ایشان فرموده بودند بنده تمام کتاب را خواندم و کلمه به کلمه آن صحیح است و هیچ نکته و مطلب اشتباهی در آن نیست.

فلسفه احکام و مباحث کلامی

۳۹۱. مقایسه مقام اولیاءالله: ادب و احترام ایجاب می‌کند که مقامات همه آنها را والا بدانیم و از مقایسه و برتری آنها بر یکدیگر پرهیزیم و بگوییم همه در نزد خدا گرامی هستند.

۳۹۲. رجعت: رجعت از عقاید معروف شیعه است و معنایش آن این است که پس از ظهور حضرت مهدی (عج) گروهی از مؤمنان خالص و کافران و طاغیان بسیار شرور به این جهان بازمی‌گردند. گروه اول مدارجی از کمال را طی کرده و گروه دوم معمولاً کیفیهای شدیدی می‌بینند.^۱

۳۹۳. جهاد ابتدایی: جهاد ابتدایی در عصر معصومین علیهم‌السلام ظاهراً نبوده و تمام جهادهای اسلام دفاعی و یا برای نجات مظلومان و رفع موانع تبلیغ اسلام بوده است. ولی فقیه نیز فقط دستور جهاد دفاعی می‌دهد.

۳۹۴. ولایت فقیه: معتقدیم که اداره شؤون جامعه اسلامی باید از سوی خداوند که خالق همه انسانها است اجازه داده شود (هرچند پذیرش مردم وسیله پیشرفت این هدف است) و نیز معتقدیم که ولی فقیه نماینده امام عصر علیهم‌السلام در زمان غیبت است و در مسائل مربوط به حکومت باید از ولایت فقیه پیروی کرد.

۳۹۵. وحدت وجود: وحدت وجود معانی متعددی دارد و آنچه

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ذیل آیه ۸۳ سوره نمل.

به طور قطع باطل و به عقیده همه فقها موجب خروج از اسلام است این است که کسی معتقد باشد خداوند عین موجودات این جهان است و خالق و مخلوق و عابد و معبودی وجود ندارد، همان طور که بهشت و دوزخ نیز عین وجود اوست. لازمه این عقیده انکار بسیاری از مسلمات دین است و هرگاه کسی ملتزم به لوازم آن بشود خارج از اسلام است و غالب فقهای معاصر اعم از احیاء و اموات این موضوع را پذیرفته، در حواشی عروه^۱ به آن اشاره کرده‌اند.

۳۹۶. خلقت انسان: هدف از آفرینش، تکامل انسان و مشمول فیض

الهی شدن است.^۲

۳۹۷. عالم ذر: منظور از عالم ذر همان عالم استعدادها و پیمان

فطرت و تکوین و آفرینش است.^۳

۳۹۸. فلسفه حکم ارتداد: چون ارتداد موجب تزلزل جامعه اسلامی

می شود قیام بر ضد حکومت و جامعه اسلامی است، و سبب می شود اسرار جامعه اسلامی به دست دشمنان بیفتد، مجازات سختی برای آن در نظر گرفته شده است. ولی اگر شخص مرتد، مذهب خود را اظهار ندارد و بر ضد اسلام تبلیغ نکند کسی با او

کاری ندارد.^۴

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۵.

۲. رک: تفسیر نمونه، جلد ۲۲، ذیل آیه ۵۶ سوره داریات.

۳. رک: تفسیر نمونه، ج ۷، ذیل آیه ۱۷۲، سوره اعراف.

۴. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۱، ذیل آیه ۱۰۶ سوره نمل.

۳۹۹. تفاوت حکم مرتد ملی با مرتد فطری: مرتد فطری توبه اش به حسب ظاهر قبول نیست (هرچند در حقیقت نزد خدا قبول می شود) ولی مرتد ملی توبه اش پذیرفته است.

۴۰۰. چرا شهادت دوزن معادل شهادت یک مرد است: از جمله ادله آن است که زنان به سبب عواطف قوی، ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند و مسیر صحیح را نپویند.^۱

قرآن

۴۰۱. خواندن ترجمه قرآن: خواندن ترجمه قرآن به تنهایی اشکالی ندارد اما ثواب تلاوت قرآن را ندارد.

۴۰۲. آیات سجده واجب: سوره هایی که آیه سجده دارد: سوره سجده (۳۲)، آیه ۱۵؛ سوره فُصِّلَتْ (۴۱)، آیه ۳۷؛ سوره نجم (۵۳)، آیه ۶۲؛ سوره عَلَّق (۹۶)، آیه ۱۹.

۴۰۳. رعایت حجاب هنگام قرائت قرآن: هنگام خواندن قرآن و ادعیه و زیارات (در صورت عدم حضور نامحرم) رعایت حجاب واجب نیست، اما خوب است به گونه ای باشد که ادب مناجات و حضور در برابر خداوند رعایت شود.

۴۰۴. قرائت قرآن خواهران نزد مردان: اگر به صورت ساده یا به شکل ترتیل بنخوانند اشکال ندارد، اما با صوت اشکال دارد.

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۲، ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره.

۴۰۵. تحریف قرآن: عموم محققان و علمای شیعه و اهل سنت تحریف قرآن را نپذیرفته و معتقدند قرآن موجود همان قرآن نازل شده بر قلب مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. نسبت تحریف به شیعه دروغ محض است.^۱

۴۰۶. ضمیر مذکر برای خدا: ضمیر مذکر در ادبیات عرب اختصاص به جنس مذکر ندارد، بلکه درباره موجودی که نه مذکر است و نه مؤنث، به کار می‌رود.

۴۰۷. گردنبندها سامی مقدسه: استفاده از چنین گردنبندهایی اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه بدون وضو با بدن تماس مستقیم نداشته باشد. البته در مورد جنب و حائض و امثال آن حتی با داشتن وضو هم نباید با بدن تماس مستقیم داشته باشد. همچنین همراه داشتن آنها در دستشویی حرام نمی‌باشد هرچند بهتر آن است که از چنین کاری صرف نظر کند.

۴۰۸. روش محواسامی مقدسه: می‌توان آنها را در جایی دفن کرد، یا به رودخانه ریخت، یا با رنگ و مانند آن محوشان کرد و از همه بهتر، تحویل دادن به مراکزی است که کاغذها را خمیر می‌کنند.

۴۰۹. افتادن موبایل، نوار و سی دی حاوی قرآن در چاه توالت: اگر بتوانند باید آن را خارج کنند، ولی هرگاه ممکن نبود استفاده از آن مکان جایز است.

۱. رک: تفسیر نمونه، جلد ۱۱، سوره حجر، ذیل آیه ۹.

قوانین و بیت‌المال

۴۱۰. رعایت قوانین کشور: از قوانین و مقررات حکومت اسلامی تخلف نکنید.

۴۱۱. استفاده از دفترچه بیمه دیگران: چون این کار مخالف ضوابط اداره بیمه است و با بیمه شده شرط می‌شود جایز نیست؛ هر چند اداره بیمه در ارائه برخی خدمات کوتاهی کند.

۴۱۲. استفاده شخصی از بیت‌المال: این کار جایز نیست، مگر در مواردی که مقررات اجازه دهد، یا با اجازه مسؤولینی باشد که در این حیطة اختیارات قانونی دارند.

۴۱۳. اشتغال به کارهای شخصی در وقت کار: چنانچه در آن ساعت وظیفه خاصی نداشته باشید و این کار مخالف ضوابط اداری و کاری نباشد، اشکالی ندارد.

۴۱۴. هدیه و پاداش دادن به کارکنان ادارات: هرگاه حقی را باطل یا باطلی را حق کند، یا نوبت کسی ضایع شود جایز نیست. اما اگر با رضایت دهنده پول باشد اشکالی ندارد. و چنانچه مجبور باشد برای گرفتن حق خود چیزی بپردازد برای دهنده جایز است ولی برای گیرنده جایز نیست.

۴۱۵. دریافت هدایای ارباب رجوع: اگر جنبه رشوه داشته باشد حرام است و اگر جنبه رشوه نداشته باشد، بلکه هدیه‌ای بدون چشمداشت هرگونه کار خلافی بوده باشد مانعی ندارد، ولی باید خلاف مقررات مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کند نباشد.

۴۱۶. تقلّب در امتحانات: این کار حرام است جدّاً از آن توبه کرده، آن را تکرار نکنید و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران کنید؛ ولی چنانچه در محدوده گسترده‌ای نبوده، ادامه کار و مدرک تحصیلی و مانند آن اشکالی ندارد.

۴۱۷. تقلّب در کنکور و آزمون‌های استخدامی: هرگونه تقلّب در امتحانات شرعاً حرام است و اگر کسی در امتحان ورودی دانشگاه و مانند آن تقلّب کرده ولی بعداً مراحل تحصیلی و شغلی را بدون تقلّب گذرانیده می‌تواند از مدرک تحصیلی خود و مزایای مترتب بر آن استفاده کند، مشروط بر اینکه از کار خود جدّاً توبه کرده و هرگز سراغ چنین کارهایی نرود و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران کند.

مسائل جنسی

۴۱۸. نزدیکی‌های حرام: نزدیکی با همسر در این اوقات حرام است: ۱. ایام عادت ماهیانه ۲. در حال روزه ماه رمضان ۳. در حال احرام ۴. در حال اعتکاف ۵. در استحاضه کثیره، مگر اینکه غسل‌های روزانه را انجام داده باشد. نزدیکی در سایر ایام هرگاه ضرری برای زوج یا زوجه و یا جنین (در زنان باردار) نداشته باشد مانعی ندارد؛ هرچند سزاوار است در شب‌ها و روزهای شهادت **ائمه علیهم‌السلام** پرهیز شود.

۴۱۹. نزدیکی در زمان استحاضه: نزدیکی در زمان استحاضه قلیله مانعی ندارد، اما در استحاضه کثیره تنها در صورتی مجاز است که غسل‌های روزانه را انجام داده باشد.

۴۲۰. التذاذ زن و شوهر از یکدیگر: زن و شوهر به هر صورتی که بخواهند می‌توانند از یکدیگر لذت ببرند، ولی شایسته است از کارهایی که با کرامت انسانی سازگار نیست پرهیزند.

۴۲۱. رابطه جنسی غیر متعارف: این کار بدون رضایت زوجه حرام و با رضایت او کراهت شدید دارد و بعضاً منشأ بیماری می‌شود و در صورتی که به اوج لذت جنسی نرسند، بنابر احتیاط واجب، باید علاوه بر غسل جنابت برای نماز، وضو بگیرند.

۴۲۲. خوردن شیر همسر: این کار شرعاً اشکالی ندارد.

۴۲۳. استمنا و خودارضایی: خودارضایی از گناهان کبیره است و عوارض نامطلوبی در دنیا و عقوبت آخرت را به دنبال دارد، بکوشید آن را ترک کرده و با اعمال نیک آینده گذشته را جبران کنید.^۱

۴۲۴. راه حل مشکل جنسی: اگر از عوامل تحریک، نظیر فیلم‌ها و کتاب‌ها و مجلات و نشریات فاسد و بدآموز و مجالس آلوده و دوستان ناباب و حتی مناظر تحریک‌کننده اجتناب ورزید و اوقات فراغت خود را با مطالعه و کار و مانند آن پر کنید و بر

۱. رک: مشکلات جنسی جوانان؛ پنج نکته مهم درباره خودارضایی.

خداوند توکل نمایید و هر روز مقداری ورزش کنید، ان شاء الله بر هوای نفس و وسوسه‌های شیطان غلبه خواهید کرد.

۴۲۵. خانه عفاف: اگر این کار زیر نظر افراد مطمئن و با رعایت جهات شرعی و شؤونات اسلامی و عرفی و اخذ مجوز از مقامات ذی صلاح صورت گیرد کار خوبی است و ممکن است جلوی بسیاری از مشکلات ازدواج‌ها را بگیرد.

مسجد

۴۲۶. مسجد مقدّس جمکران: داستان مسجد مقدّس جمکران در بیداری اتفاق افتاده و روایت آن در کتاب‌های معتبر نقل شده است.

علمای بزرگ اهمیت خاصی برای این مسجد قائل بوده و هستند.^۱

۴۲۷. استفاده از مسجد برای بسیج و کارهای فرهنگی دینی: این کار مانعی ندارد، مشروط بر اینکه مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نشود.

۴۲۸. استفاده از امکانات مسجد و حسینیه برای عروسی و مانند آن:

این کار جایز نیست، مگر اینکه واقف به هنگام وقف چنین شرطی کرده باشد، یا عرف محل به هنگام وقف بر چنین استفاده‌هایی بوده باشد که در این صورت جایز است؛ مشروط بر اینکه مستلزم کار حرام نباشد.

۴۲۹. اجاره دادن وسایل مسجد: این کار جایز نیست مگر اینکه

هنگام وقف آن اشیا چنین چیزی شرط شده، یا این کار در محل

۱. رک: مفاتیح نوین.

متعارف بوده باشد که وسائل مسجد وقف عام است و واقف بر اساس عرف محل وقف کرده باشد.

۴۳۰. نوسازی و بازسازی مساجد: نوسازی و بازسازی مساجد تنها

در صورتی جایز است که این کار به نفع نمازگزاران بوده باشد.

۴۳۱. تخریب بنای مسجد: اگر این کار برای تعمیر و توسعه و فراهم

کردن امکانات بیشتر برای نمازگزاران باشد اشکالی ندارد.

۴۳۲. عقب نشینی مسجد: ملحق کردن چیزی از مسجد به کوچه

و خیابان جایز نیست و چنانچه بر خلاف این حکم شرعی ملحق کنند باید قیمت زمین الحاقی به نرخ روز گرفته و صرف توسعه و نیازهای مسجد شود.

۴۳۳. ورزش در مسجد و حسینیه: ورزش برای همگان، به ویژه

جوانان و نوجوانان لازم است، ولی مناسب مساجد و حسینیه‌ها نیست. باید مکان مناسب دیگری برای آن در نظر گرفته شود.

۴۳۴. اشیاء غیر قابل استفاده مساجد: اگر به هیچ وجه در آن مسجد

قابل استفاده نیست می‌توانند آن را بفروشند و اشیاء مشابه قابل استفاده خریداری کنند و اگر اشیاء مشابه لازم ندارد در سایر احتیاجات آن مسجد صرف شود.

۴۳۵. پخش اذان و سایر برنامه‌ها از مسجد: پخش اذان به هنگام

وقت نماز صبح، ظهر و مغرب از بلندگوی مساجد به صورت معتدل مانعی ندارد، اما برای دیگر برنامه‌ها بلندگوها را برای داخل مسجد تنظیم کنند.

معاملات و مسائل مربوط به آن

۴۳۶. حقیقت مضاربه: برای پی بردن به حقیقت مضاربه توجه به سه نکته لازم است: ۱. مضاربه در اصل مربوط به سرمایه گذاری یک نفر و تجارت نفر دیگر با آن سرمایه و سپس تقسیم سود حاصل طبق توافق قبلی است و چون غالباً برای تجارت مسافرت می‌کردند، مضاربه (ضَرْبِ در اَرْضِ به معنی سفر) نام گرفت. عده‌ای از فقها معتقد بودند مضاربه حتماً از طریق تجارت و باید با درهم و دینار باشد، ولی ما معتقدیم هیچ کدام از این امور شرط نیست و مضاربه به معنی سرمایه گذاری از یک سو و عمل از سوی دیگر است، چه تجارت باشد یا صنعت یا زراعت یا دامداری. با اسکناس باشد یا درهم و دینار و امثال آن.

۲. سود حاصل از مضاربه دو نوع می‌تواند باشد: الف) درصدی را برای هر طرف معین کنند. ب) مبلغ مشخصی برای صاحب سرمایه در نظر گرفته شود، به شرط اینکه سود حاصل از آن معامله چیزی بیشتر از مبلغ تعیین شده باشد، تا طرف دیگر هم سود ببرد. نکته: سرمایه گذار می‌تواند مبلغی را علی الحساب در ماه بگیرد و در انتهای مضاربه یا زمان خاص دیگری به‌طور دقیق محاسبه کنند.

۳. زیان در مضاربه (کم شدن اصل سرمایه) به شرط عدم تعدی و تفریط عامل، مربوط به سرمایه گذار است؛ هر چند عامل نیز چون سودی از کارش به دست نیاورده زیان کرده است. در فرض سهل انگاری باید عامل زیان را جبران کند؛ بنابراین اگر سرمایه گذار زیان

را نپذیرد مضاربه باطل است مگر اینکه در عقد خارج لازمی مانند بیع شرط کنند چنانچه سرمایه در مضاربه لطمه خورد، عامل آن را جبران می‌کند. مهم انجام دادن عقد خارج لازم به صورت واقعی و جدی است. مثلاً جنسی را بخرد و در ضمن این خرید و فروش شرط کند که عامل زیان احتمالی از مضاربه را جبران می‌کند. بانک‌ها در عقد مضاربه برای تضمین سرمایه باید این گونه عمل کنند. یا طبق شرایط مضاربه ضرر سرمایه‌گذار است؛ ولی چون در موارد مختلف سرمایه‌گذاری می‌کنند می‌گویند امکان ضرر همزمان در تمام آنها وجود ندارد و سرمایه به خطر نمی‌افتد.

۴۳۷. سود مضاربه: هرگاه مجموع سود حاصل بیش از سودی باشد که به صاحب سرمایه می‌پردازد، اشکالی ندارد، در غیر این صورت باید درصدی از سود را قرار دهند.

۴۳۸. مضاربه با سودهای کلان: هرگاه طبق معاملات مشروع مانند مضاربه باشد مانعی ندارد، ولی چون چنین سودی در هیچ یک از معاملات رایج نیست، فعالیت این گونه مؤسسات به احتمال قوی کلاهبرداری است و باید از آنها اجتناب کرد.

۴۳۹. نمونه‌ای از قرارداد مضاربه: عامل:----- سرمایه‌گذار:----- مبلغ سرمایه:----- است. عامل از سوی سرمایه‌گذار وکیل است تا مبلغ مورد توافق را در کار تجارت به کار گرفته و --- درصد سود حاصل را برای خود(عامل) برداشته و --- درصد باقیمانده را به سرمایه‌گذار بپردازد. در ضمن ماهیانه

مبلغ ----- تومان به صورت علی الحساب از سوی عامل به سرمایه گذار پرداخت می شود و در پایان مدت مورد توافق عامل سود قطعی را محاسبه کرده و با توجه به سود مشخص شده و پرداختی علی الحساب تصفیه حساب می کنند و یا در صورت مشقت در محاسبه و با توافق طرفین مصالحه می کنند. ضمناً طی شرطی که ضمن عقد خارج لازم (معامله جداگانه) بین عامل و سرمایه گذار انجام شد عامل ضرر تجارت نسبت به سرمایه سرمایه گذار را به عهده می گیرد.

۴۴۰. اوراق مشارکت: اگر به شکل مضاربه باشد و سود شرکت بیش از سودی باشد که به صاحب اوراق پرداخت می شود، مانعی ندارد.

۴۴۱. فارکس: چون فارکس شرایط شرعی معاملات را ندارد جایز نیست.

۴۴۲. گلدکوئست: فعالیت مرموز اقتصادی شرکت گلدکوئست و سایر شرکت های مشابه داخلی و خارجی مشروع نیست، و شبیه نوعی قمار و لاتار است و شایسته نیست که آلوده آن شوید و کسانی که آلوده شده و سودی برده اند پول اولیه خود را از آن برمی دارند و بقیه را به صاحبان اصلی آن می رسانند و اگر به آنها دسترسی ندارند به سایر مالباختگانی که در این طرح شرکت کرده و متضرر شده اند می دهند. و اگر به آنها هم دسترسی ندارند به نیت صاحبان اصلی به فقرا صدقه می دهند.^۱

۱. شرح بیشتر را در کتاب بازاریابی شبکه ای یا کلاهبرداری مرموز مطالعه فرمایید.

- ۴۴۳. خرید و فروش چک:** هرگاه چک مربوط به معامله‌ای باشد و سند بدهکاری محسوب شود (و چک دوستانه نباشد) خرید و فروش آن به کمتر یا بیشتر از مبلغ مندرج در آن مانعی ندارد.
- ۴۴۴. خرید و فروش سهام:** هرگاه سهام مربوط به کارخانه‌ها یا مراکز اقتصادی دیگر باشد که وجود خارجی دارد و مقدار سهم و قیمت آن کاملاً روشن باشد مانعی ندارد.
- ۴۴۵. مجسمه:** ساخت، خرید، فروش و نگهداری مجسمه بنا بر احتیاط واجب حرام است، مگر در مواردی که جنبه اسباب بازی داشته باشد.
- ۴۴۶. خرید و فروش و نصب آنتن ماهواره:** آوردن این گونه وسایل به منازل که غالباً موجب فساد است جایز نیست و خرید و فروش و نصب آن حرام است.
- ۴۴۷. ساخت و خرید و فروش طلای مردانه:** ساختن و خرید و فروش طلای مخصوص مردان حرام است و اگر کسی حکم آن را نمی‌داند و خریده باید به طلاسازی که آن را ذوب می‌کنند بفروشد.
- ۴۴۸. فروش لباس و انجام آرایش:** فروش لباس‌ها و انجام دادن آرایشهایی که جنبه مشترک دارد یعنی هم می‌تواند در منزل برای همسر و هم بیرون منزل برای غیر همسر انجام دهد جایز است و مسؤولیت به گردن کسانی است که از آن سوء استفاده می‌کنند.

۴۴۹. کالاهای اسرائیلی: اگر یقین دارید که سود آن شرکت‌ها متعلق به صهیونیست‌ها و اسرائیل است خرید و فروش آن جایز نیست، ولی استفاده از آنچه قبلاً بدون آگاهی تهیه کرده‌اید مانعی ندارد.

۴۵۰. معامله پول با پول: خرید و فروش ارزهای مختلف و همچنین معامله نقدی اسکناس‌های کوچک و بزرگ یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نو بودن اسکناس یا حجم کم پول بزرگ در مسافرت و مانند آن اشکالی ندارد.

۴۵۱. معاملات آتی: در معاملات آتی مبلغی را می‌پردازند تا اولویت داشته باشند در سال آینده مثلاً فلان جنس را بخرند، ولی در حال حاضر هیچ معامله‌ای نمی‌کنند و ممکن است در آینده هم نکنند. به عبارت دیگر، حق اولویت خرید را می‌خرند که این مورد جزء حقوق قابل معامله در اسلام نیست؛ بنابراین، معاملات آتی باطل است و معامله فقط در زمانی که اقدام به خرید کنند محقق می‌شود.

۴۵۲. مزایده‌های اینترنتی: غالب اینگونه مزایده‌ها مانند بخت‌آزمایی است که برخی بدون حساب و کتاب به درآمد هنگفتی می‌رسند بی‌آنکه کاری کردن باشند و عده‌ای نیز محروم می‌شوند، بنابراین شرکت در آنها اشکال دارد.

۴۵۳. معامله کالای قاچاق: هرگاه دولت از خرید و فروش این اجناس در بازار داخلی ممانعت نمی‌کند، مانعی ندارد.

۴۵۴. اجاره بدون تعیین مدت: این مسأله در مثل مسافرخانه‌ها و هتل‌ها که معلوم نیست مسافر چند شب در آنجا اقامت خواهد کرد اتفاق می‌افتد و دو صورت دارد: نخست اینکه قدر متیقن دارد، مثل اینکه در اجاره کردن خانه ممکن است قدر متیقن یک سال باشد که در چنین مواردی تا میزان قدر متیقن، اجاره صحیح است و بعد از آن باطل می‌شود. اما اگر قدر متیقن وجود نداشته باشد (مثل آنچه در مورد مسافرخانه‌ها یا هتل‌ها روی می‌دهد) اجاره از اول باطل است و رجوع به اجرةالمثل می‌شود.

۴۵۵. اجاره طلا: هرگاه عین آن طلا را باز نگرداند اجاره مفهوم ندارد؛ بنابراین، راه صحیح این است که شخص خواهان اجاره، یک کیلو طلا از طلا فروش به قیمت مثلاً یک میلیون و دویست هزار تومان در ذمه خود خریداری کند و طلا را تحویل بگیرد و بدهی در ذمه اوست، سپس یک کیلو طلا به صورت تحویل یک سال (سلف) به طلا فروش در مقابل یک میلیون تومان از آنچه در ذمه اوست را بفروشد که در رأس سال یک کیلو طلا به او بدهد و دویست هزار تومان باقیمانده در ذمه را نیز بپردازد.

۴۵۶. رهن و اجاره: هرگاه رهن و اجاره به صورت زیر باشد صحیح است: مالک ملک خود را به مبلغ کمی اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر فلان مبلغ به او وام دهد و ملک مورد اجاره در مقابل آن وام، رهن باشد.

۴۵۷. فروش نسبه یا اقساط با قیمت بیشتر: چون معمولاً قیمت در معامله نسبه یا اقساط گران تر است این کار اشکالی ندارد و ربا محسوب نمی شود، ولی لازم است از اول نوع معامله مشخص باشد.

۴۵۸. نرخ سود کالا و خدمات: هرگاه حکومت اسلامی نرخ خاصی را تعیین کرده باشد باید به همان شکل عمل شود، در غیر این صورت بستگی به توافق و تراضی طرفین معامله دارد. ولی سزاوار است مسلمانان انصاف را در هر حال رعایت کنند و به سود عادلانه قانع باشند.

۴۵۹. محاسبه تورّم در دیون: چنانچه طلبکار می تواند طلب خود را بگیرد و برای دریافت طلب اقدام نکرده باید به همان قیمت قدیم طلب او پرداخت شود. ولی اگر بدهکار نمی پرداخته یا مانعی برای دریافت بوده باید با توجه به نرخ رشد تورّم که هر سال از سوی بانک مرکزی اعلام می شود طلب او را بپردازد، زیرا ادای دین و برائت ذمه امری است عرفی و عرف باید بگوید با پرداخت این مبلغ، بدهی پرداخت شده است. آیا مثلاً با پرداخت چند صد تومان که دستمزد یک هفته کارگری در سی سال قبل بوده عرف می گوید مزد کارگر پرداخت شده است؟ یا با پرداختن پنجاه تک تومانی مهر زنی که پنجاه سال قبل مهرش این مقدار بوده، ادای دین شده است؟

۴۶۰. بالابردن قیمت و اضافه کردن مهلت: این کار جایز نیست و مبلغ اضافه حرام است، ولی چنانچه جنس موجود باشد

و خریدار نتواند در رأس مدّت قیمت را بپردازد فروشنده می تواند معامله را فسخ کرده و معامله جدیدی با قیمت بیشتر و مهلت زیادتر، البته با جلب رضایت مشتری منعقد سازد.

۴۶۱. بدهی و تورّم: چنانچه بدهکار در موعد مقرّر بدهی خود را

نپردازد و مدت قابل توجهی از سررسید آن بگذرد به گونه ای که در این مدّت تورّم شدید بوده لازم است بدهی خود را با توجّه به نرخ متوسط تورّم اجناس مختلف محاسبه و پرداخت کند. و می توان نرخ تورّم سال های مختلف را از بانک مرکزی گرفت.

۴۶۲. برداشت از کارت های اعتباری با کسر کارمزد: هرگاه این کار

مخالف مقرّرات مرکزی که کارت را در اختیار شما قرار داده نباشد و مبلغی که کسر می شود به مقدار کارمزد باشد (نه سودی که جنبه ربا دارد) اشکال ندارد.

۴۶۳. بر هم زدن تقسیم مورد توافق: تقسیمی که با توافق همه افراد

ذی نفع صورت گرفته را نمی توان بر هم زد، مگر با جلب رضایت همه آنان.

۴۶۴. معنای احتکار: انبار کردن کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم

به قصد آنکه بتواند با قیمت بالاتر به فروش برساند؛ مشروط بر اینکه آن کالا به اندازه کافی در بازار وجود نداشته باشد.

۴۶۵. انبار کردن کالای غیر ضروری: هرگاه در بازار به حدّ وفور پیدا

شود اشکالی ندارد، ولی در غیر این صورت احتیاط در ترک آن است.

۴۶۶. وکالت در خرید: اگر به عنوان وکیل باشد به هر قیمت که جنس را بخرد باید به همان قیمت بدهد و می تواند حق الوکاله خود را دریافت کند. ولی اگر به صورت بیع باشد، به این عنوان که این جنس را هزار تومان به تو می فروشم، به هر مبلغی خریده می تواند هزار تومان بفروشد.

۴۶۷. بازدید از سایت ها و گرفتن اجرت: چنانچه سایت های فاسد نباشد و متعلق به کشورهای محارب نظیر اسرائیل و آمریکا نباشد و مفسده ای در پی نداشته باشد، و از بازدیدکنندگان پولی نگیرند و فقط به آنها جایزه یا حق الزحمه بدهند، اشکالی ندارد.

۴۶۸. حق الزحمه ای که به واسطه خرید شرکت ها و ادارات می دهند: چنانچه خرید از آنجا به نفع شرکت یا اداره باشد و فروشنده از محل سود خود چیزی بپردازد و چیزی به قیمت اجناس در فاکتورها اضافه نکند اشکالی ندارد.

۴۶۹. بیمه عمر: بیمه عمر به این معنا که قراردادی میان بیمه گذار و بیمه پذیر برقرار شود که هر ماه مثلاً فلان مبلغ بپردازد و در مقابل آن هر زمان بیمه گذار از دنیا رفت فلان مبلغ به صورت یکجا یا تدریجی به خانواده یا افراد خاصی که مورد نظرند پرداخت شود و یا بعد از اتمام مدت و قبل از فوت، کل مبلغ را به علاوه سود مضاربه به او بازگردانند مانعی ندارد.

۴۷۰. تعریف سرقتی: سرقتی یعنی مستأجر غیر از اجاره مبلغی

را به مالک بپردازد تا مالک هر زمان (پس از پایان قرارداد فعلی اجاره) قصد اجاره ملک را داشت به صاحب سرقفلی به نرخ روز اجاره دهد و اگر بخواهد به دیگری اجاره دهد می‌تواند با رضایت مستأجر اول، سرقفلی ملک را به قیمت روز به مستأجر پس دهد سپس آن را به دیگری اجاره دهد. باید توجه داشت ارزش سرقفلی مانند ارزش خود ملک یا اجاره آن، روز به روز ترقی می‌کند.

۴۷۱. حق کسب و پیشه: حق کسب و پیشه ریشه شرعی ندارد، ولی شایسته است در مورد آن بین مستأجر و مالک مصالحه شود.

موسیقی و مجالس شادی

۴۷۲. موسیقی: همه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف، یعنی افراد فهیمه متدین خواهد بود.

۴۷۳. آثار زیانبار موسیقی: تشویق به مفاسد اخلاقی، غافل شدن از یاد خدا، تخدیر اعصاب و فرو بردن جامعه در غفلت و بی‌خبری، از جمله آثار زیانبار موسیقی حرام است.^۱

۴۷۴. خرید و فروش و نگهداری و تعلیم و تعلم آلات موسیقی: این کار در مورد آن دسته از آلات موسیقی که غالباً با آن آهنگ‌های

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ذیل آیه ۶ سوره لقمان.

مناسب مجالس لهو و فساد نواخته می‌شود جایز نیست و در غیر آن اشکالی ندارد.

۴۷۵. گوش دادن به آواز زن: گوش دادن به آواز زن برای مردان حرام است؛ ولی هرگاه آهنگ آن مناسب مجالس لهو و فساد نباشد و منع قانونی نیز نداشته باشد برای زنان اشکال ندارد.

۴۷۶. سرود دسته جمعی خواهران: این کار در مکان‌های مخصوص به بانوان اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه صدا و آهنگ آن مناسب مجالس لهو و فساد نباشد؛ اما در جایی که مردان حضور دارند مطلقاً جایز نیست.

۴۷۷. سرود دسته جمعی مختلط: هرگاه صدای بانوان در صدای مردان محو شود و صدا و آهنگ سرود، مناسب مجالس لهو و فساد نباشد اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست.

۴۷۸. منظور از لهو و لعب: منظور مجالسی است که برای عیاشی و هوسرانی و بی‌بند و باری تشکیل شده است. به تعبیری دیگر، به مجالسی گفته می‌شود که نزد عرف متدین، مجلس گناه محسوب شود و موسیقی‌های مناسب چنین مجالسی حرام است؛ هر چند در مجلس عادی نواخته شود، یا به صورت فردی باشد.

۴۷۹. کف زدن: مانعی ندارد، اما در مساجد و حسینیه‌ها ترک شود.

۴۸۰. رقصیدن: فقط رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیه اشکال دارد. البته منظور رقص لهوی است، نه هرگونه حرکات منظم و موزون.

۴۸۱. شاپاش: اگر شاپاش را در برابر رقص بدهند، اشکال دارد و در صورتی که مفسده ندارد به صاحبان اصلی برگردانید و الا به فقرا صدقه دهید و اگر خودتان نیازمند باشید می‌توانید استفاده نمایید.

۴۸۲. شرکت در مجالس آلوده به گناه: شرکت در مجلس گناه حرام است، ولی چنانچه ضرورت داشته باشد می‌توانید به مقدار ضرورت شرکت کنید، یا در قسمت‌هایی بنشینید که گناهی صورت نمی‌گیرد و مجلس گناه صدق نمی‌کند.

۴۸۳. مجالس شادی مشروع: چنانچه از رقص و موسیقی حرام و کارهای نامشروع دیگر پرهیز شود و اشعار مناسب خوانده شود، یا نمایش‌های شاد مشروعی داده شود مانعی ندارد و بسیاری از متدینین در جلسات جشن ازدواج و دیگر مجالس شادی از این روش استفاده می‌کنند.

نذر

۴۸۴. صیغۀ نذر: نذر در صورتی صحیح است که برای آن صیغه خوانده شود، خواه به عربی باشد یا زبان‌های دیگر؛ بنابراین، اگر بگوید چنانچه فلان حاجت من روا شود برای خدا بر من است که فلان مقدار پول به فقیر بدهم، نذر او صحیح است، بلکه اگر بگوید نذر می‌کنم اگر فلان حاجتم روا شود فلان کار خیر را انجام دهم، کافی است.

۴۸۵. نذر با کتابت: چنانچه صیغه شرعی نذر را بر زبان جاری کرده، بلکه فقط با نوشتن نذر کرده باشد بنا بر احتیاط واجب چنین نذری صحیح نیست و عمل به آن واجب نیست.

۴۸۶. نذر برای ائمه علیهم السلام: اگر چیزی برای حرم یکی از امامان یا امامزادگان نذر کند باید آن را به مصارف حرم برساند، از قبیل تعمیرات و فرش و روشنایی و خدّامی که خدمت می‌کنند و مانند آن، ولی اگر چیزی برای خود امام علیه السلام یا امامزاده نذر کرده بی‌آنکه نام حرم را ببرد، می‌تواند علاوه بر اموری که ذکر شد صرف مجالس عزاداری و سوگواری یا نشر آثار آن بزرگواران، یا کمک به زوّار آنها یا هر کار دیگری که نسبتی با آنها دارد بکند.

۴۸۷. نذر روزه: هرگاه نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز سفر نکند تا بتواند روزه خود را به‌جا آورد و چنانچه در آن روز مسافرت کند قضای آن روز بر او واجب است و احتیاط واجب آن است که کفّاره نیز بدهد.

۴۸۸. نذر روزه در سفر: اگر نذر روزه کند ولی روز آن را معین نکند نمی‌تواند آن را در سفر به‌جا آورد، حتی اگر نذر کند در سفر روزه بگیرد یا فلان روز را روزه بگیرد خواه در سفر باشد یا در وطن، این نذر هم صحیح نیست.

۴۸۹. نذر روزه کسی که قضا یا کفّاره دارد: کسی که روزه قضا یا کفّاره دارد نمی‌تواند نذر روزه کند، مگر اینکه در مورد کفّاره قضا نقدی را انتخاب کرده باشد.

۴۹۰. نذر زن: نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد بی اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد احتیاط مستحب است که با اجازه او باشد.

۴۹۱. نذر فرزند: نذر فرزند احتیاج به اجازه پدر ندارد، مگر اینکه کار او مایه آزار پدر باشد که در این صورت نذر او صحیح نیست.

۴۹۲. نذر شمع: چون در گذشته روشنایی اماکن و امامزادگان با شمع بوده و اکنون این مطلب از بین رفته، نذر شمع رجحانی ندارد.

۴۹۳. آجیل مشکل‌گشا: نذرهایی که در مورد پخش آجیل مشکل‌گشا صورت می‌گیرد اعتباری ندارد و عمل به آن واجب نیست.

۴۹۴. نذر سفره: اگر مثلاً نذر کند که سفره حضرت ابوالفضل علیه السلام بیندازد و منظورش این باشد که در این سفره، مواد غذایی خاصی باشد و یا اعمال خاصی انجام دهد؛ چنین نذری اعتبار شرعی ندارد و عمل به آن واجب نیست.

۴۹۵. نذرهای سنگین: نذرهای مقطعی و محدود مانعی ندارد، ولی نذرهای سنگین و طولانی مکروه است چرا که مشکلات مهمی در زندگی ایجاد می‌کند و اگر چندان سنگین باشد که رجحان شرعی نداشته باشد باطل است؛ مثلاً نذر کرده تمام عمرش را روزه بگیرد یا نذر کرده ده میلیون صلوات بفرستد، در چنین مواردی نذر منعقد نمی‌شود.

۴۹۶. نذر برای دیگران: هیچ کسی نمی‌تواند با نذر کردن، کاری را بر دیگران واجب کند و چنین نذرهایی باطل است.

۴۹۷. از بین رفتن مورد نذر: هرگاه در نگهداری آن کوتاهی نکرده‌اید چیزی به عهده شما نیست.

۴۹۸. عدم توانایی عمل به نذر: اگر کسی قادر به ادای نذر نباشد در این صورت باید تا جایی که توانایی دارد به آن عمل کند یا کاری که نزدیک و شبیه آن باشد را انجام دهد و اگر اصلاً قادر به انجام دادن آن نیست از او ساقط می‌شود.

۴۹۹. رجحان مورد نذر: «نذر» آن است که کار خیری را برای خدا بر عهده خود قرار دهد، همچنین ترک کاری که نکردن آن بهتر است. و در مورد کار مباحی که انجام دادن و ترک کردن آن از هر جهت مساوی است نذر صحیح نیست، ولی اگر انجام دادن یا ترک کردن آن از جهتی بهتر باشد و به همان منظور نذر کند صحیح است.

۵۰۰. میزان تأخیر در ادای نذر: به مقداری که نگویند مسامحه در انجام دادن نذر می‌کند می‌تواند تأخیر بیندازد.

۵۰۱. تغییر نذر: اگر صیغه نذر را خوانده باشد، هرچند به غیر زبان عربی، تغییر دادن آن جایز نیست و اگر نخوانده است مانعی ندارد.

۵۰۲. تبدیل نذر نوشیدنی خنک به گرم: هرگاه نذر کرده مثلاً شربت خنک بدهد و در زمان عمل به نذر هوا سرد شده است می‌تواند چیزی که مناسب با فصل است بدهد؛ مانند شیر گرم یا چای.

۵۰۳. فراموشی نذر: در صورتی که نوع نذر را فراموش کرده باشد و یا شک بین چند مورد دارد و نمی‌تواند احتیاط کند و به تمام موارد عمل نماید، بین مواردی که احتمال می‌دهد قرعه می‌زند

و طبق آن عمل می‌نماید. در صورت شک یا فراموشی مقدار آن، آن مقدار که یقینی است بجا می‌آورد.

۵۰۴. اضافه نذورات: نذورات اضافه را طبق نزدیک‌ترین روش به آنچه نذر کرده‌اند صرف کنند.

۵۰۵. کفّاره نذر: اگر کسی از روی اختیار به نذر خود عمل نکند گناه کرده و باید کفّاره بدهد و کفّاره نذر عبارت است از اطعام شصت فقیر، یا دو ماه پی در پی روزه گرفتن (که سی و یک روز آن را پشت سر هم به جا می‌آورد). اما اگر شخصی نداند که اگر به نذر عمل نکند کفّاره دارد، در این صورت کفّاره از او ساقط می‌شود.

۵۰۶. در چند صورت نذر منعقد نمی‌شود: در چند صورت نذری که برای آن صیغه خوانده شده، منعقد نمی‌شود: ۱. مورد نذر از بین برود؛ مثل اینکه نذر کند در صورت برآورده شدن حاجتش به ازدواج فرد خاصی کمک کند و زمانی که حاجتش برآورده شد، آن فرد ازدواج کرده باشد؛ در اینجا نذر منعقد نشده و لازم نیست به ازدواج فرد دیگری کمک کند. ۲. در زمان عمل به نذر، مورد آن غیر مقدور باشد؛ مثل اینکه نذر کرده روزه بگیرد ولی هنگام ادای نذر بیمار شود و بعداً هم توانایی برای انجام دادن آن پیدا کند، چنین نذری باطل است. ۳. در زمان عمل به آن، نذر نامشروع شود و رجحانش را از دست بدهد؛ مانند نذری که حین العمل، موجب آزار پدر و مادر باشد. ۴. انجام دادن نذر در اصل مطلوب باشد، ولی هنگام عمل مطلوب نباشد؛ مانند نذر شربت خنک در عاشورا

که هرگاه عاشورا در زمستان واقع شود، شربت خنک مطلوب نیست. در این مورد، نذر نسبت به زمستان منعقد نیست ولی احتیاط، تبدیل نذر به چیزی است که مناسب با فصل است؛ مانند شیر گرم یا چای.

نماز و اذان

۵۰۷. راه حلّ سستی و کاهلی در نماز: برای رسیدن به این هدف،

رعایت امور زیر لازم است:

۱. معرفت خداوند بزرگ که مانع توجّه به مسائل کم‌اهمیت دنیوی می‌شود.
۲. شناخت فلسفه و معنای نماز.
۳. آگاهی از عواقب ترک نماز و سستی در آن.
۴. انتخاب دوست مناسب و اهل نماز.
۵. شرکت در نماز جماعت.
۶. مداومت بر نماز اول وقت.
۷. دوری از گناه.
۸. انجام دادن مستحبات.
۹. تمرین و استمرار با برنامه‌ریزی مناسب.

۵۰۸. حضور قلب در نماز: برای تحصیل حضور قلب رعایت امور

۱. توجّه به معرفت خداوند بزرگ که مانع توجّه به مسائل کم‌اهمیت دنیوی می‌شود.
۲. تمرکز حواس و عدم توجّه به مسائل و کارهای پراکنده.
۳. انتخاب محلّ مناسب.
۴. دوری از گناه.
۵. شناخت فلسفه و معنی نماز.
۶. انجام دادن مستحبات.
۷. تمرین و استمرار.^۱

۱. رک: تفسیر نمونه، ج ۱۴، اوایل سوره مؤمنون؛ نیز بخش مقالات سایت.

۵۰۹. نماز به زبان عربی: خواندن نماز به زبان واحد، رمز وحدت مسلمین است و یادگیری ترجمه آن، کار ساده‌ای است. اگر ساعتی وقت صرف آن کنید برای یک عمر کافی است.

۵۱۰. نماز کسی که شراب خورده: شرب خمر حرام و از گناهان کبیره است و چنانچه در حال مستی باشد نمازش باطل است؛ ولی اگر مست نباشد باید دست و دهان خود را آب بکشد، وضو بگیرد و نماز بخواند؛ هر چند ثواب نماز او کمتر است.

۵۱۱. خواندن نماز هنگام اذان: هنگام شروع اذان می‌توان نماز را شروع کرد اما در مورد نماز صبح، احتیاط آن است که پنج دقیقه بعد از تمام شدن اذان، نماز را بخواند.

۵۱۲. تکلیف فرد خواب، مجنون و بیهوش: معمولاً خواب اختیاری است ولی جنون اختیاری نیست اما اغما نه جنون محسوب می‌شود و نه خواب. روایات متعددی داریم که اگر اغما در نیمی از روز باشد و قبل از آن نیت کرده باشد احتیاط آن است که قضا کند اما اگر در تمام روز باشد روزه از او ساقط می‌شود و اگر در تمام وقت نماز بی‌هوش باشد نمازش قضا ندارد.

۵۱۳. انحراف از قبله در نمازهای گذشته: انحراف سهوی در صورتی که کمتر از ۹۰ درجه بوده، نمازهای گذشته صحیح است و گرنه باید به تدریج قضا کنید. در مورد انحراف عمدی تنها تا پنج الی شش درجه مانعی ندارد و بیش از آن جایز نیست.

۵۱۴. نماز و روزه در قطبین: در مورد روزه در مناطقی که روز یا

شب آنها خارج از متعارف است (مثلاً بیش از هجده ساعت)، باید روزه خود را مطابق مناطق معتدل در آن زمان به جا بیاورد؛ مثلاً همان زمان را در تهران یا قاهره در نظر بگیرد که طول شب و روز چقدر است، زیرا آن مناطق طلوع و غروب و نصف النهار دارند، سپس با افق خود آن را تطبیق کند. به تعبیری دیگر، اگر در آن فصل از سال در منطقه معتدله مورد نظر، طول روز چهارده ساعت است، آنها هم چهارده ساعت روزه می‌گیرند به این معنا که از طلوع فجر آنجا شروع می‌کند و چهارده ساعت روزه می‌گیرد و در زمستان که روزهای منطقه معتدله مورد نظر مثلاً دوازده ساعت است، باید از طلوع فجر آنجا شروع کند و دوازده ساعت روزه بگیرد (مطابق مثال بالا) و اما در مورد نماز در جاهایی که روز زیاد کوتاه نیست، مطابق طلوع و غروب و ظهر آن محل به جا آورد و اگر طول روز زیاد کوتاه باشد، مطابق آنچه در روزه نوشتیم عمل کند.

۵۱۵. نماز فرادا به هنگام نماز جماعت: هرگاه هتک نماز جماعت یا

توهین به امام جماعت محسوب شود، جایز نیست در غیر این صورت اشکالی ندارد.

۵۱۶. قنوت فارسی: خواندن ذکر قنوت و اذکار دیگر نماز به غیر

عربی اشکال دارد.

۵۱۷. شهادت ثالثه در نماز: چون ائمه معصومین علیهم السلام اجازه اضافه

کردن شهادت ثالثه را نداده و خود نیز این کار را نمی‌کرده‌اند، این کار صحیح نیست و وظیفه ما در چنین موارد پیروی از دستورهای آن بزرگواران است.

۵۱۸. سجده بر مهر جرم گرفته: نماز خواندن بر روی مهری که رنگ آن تغییر کرده اشکال ندارد، اما اگر جرم دارد باید برطرف شود.
۵۱۹. سجده بر مهر شکسته: سجده بر مهر شکسته اشکال ندارد، اما نباید اندازه آن کمتر از یک بند انگشت باشد.
۵۲۰. جهر و اخفات نماز ظهر در روز جمعه: اگر در حضر نماز بخوانند بلند خواندن مستحب است و اگر در سفر باشد در صورتی مستحب است که با جماعت بخواند نه فرادی.
۵۲۱. بستن چشمان در نماز: بستن چشمان در نماز مکروه است، ولی اگر راه حضور قلب منحصر به آن شود، مستحب بودن آن بعید نیست.
۵۲۲. اضافه کردن «و عجل فرجهم» در نماز: اشکالی ندارد، ولی گاه ترک شود تا تصوّر نشود جزء نماز است.
۵۲۳. امامت غیر روحانی: هرگاه دسترسی به روحانی واجد شرایط نباشد، امامت غیر روحانی واجد شرایط امامت جماعت اشکالی ندارد، ولی اگر دسترسی به روحانی واجد شرایط باشد، احتیاط آن است که او را مقدم بدانند.
۵۲۴. اقتدا به امام جماعت مخالف حکومت اسلامی: لازم است با زبان خوش توأم با ادب و احترام او را ارشاد کرد.
۵۲۵. اقتدا به امام جماعت ناشناس: هرگاه عده‌ای از مؤمنین ظاهر الصلاح به وی اقتدا کرده باشند، یا در مساجد مهم شهر که بدون تحقیق با کسی نماز نمی‌خوانند اقامه جماعت می‌کند، می‌توان به او اقتدا و فضیلت نماز جماعت را درک کرد.

۵۲۶. امام راتب: امام راتب حقّ خاصّی بر مسجد پیدا نمی‌کند و در غیاب او می‌توان از امام دیگری استفاده کرد، ولی سزاوار است احترام امام راتب رعایت شود.

۵۲۷. تخلّفات امام جماعت: باید با زبان خوب این مطلب را به او تذکّر داد تا ان شاء الله این کار را ترک کند.

۵۲۸. شرکت در نماز جماعت اهل تسنّن: هرگاه به منظور ایجاد وحدت صفوف مسلمین باشد اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

۵۲۹. جدا شدن از نماز جماعت: بنا بر احتیاط واجب، بدون عذر نمی‌توان از جماعت جدا شد و نیت فرادا کرد، خواه از اوّل تصمیم بر این کار داشته باشد یا در اثناء نماز.

۵۳۰. شیوه نماز دور کعبه به اعتقاد شیعه: به همین شکل کنونی (نماز استداره) خوانده می‌شود.

۵۳۱. دست دادن پس از نماز جماعت: هرگاه این کار به قصد مطلوبیّت مطلقه که دارد، نه یک عمل عبادی بعد از نماز، انجام شود و گاه نیز آن را ترک کنند، اشکالی ندارد.

۵۳۲. چگونگی نماز قضا: نماز قضا را باید به همان صورت که قضا شده به جا آورد. اگر شکسته قضا شده، شکسته و اگر به صورت تمام قضا شده، تمام به جا آورند. اگر نماز ظهر و عصر بوده آهسته، و اگر صبح و مغرب و عشا بوده مردان بلند بخوانند.

۵۳۳. ترتیب در قضای نمازها: رعایت ترتیب در قضای نمازها لازم نیست مگر در نماز ظهر و عصر از یک روز و همچنین مغرب

و عشای مربوط به یک روز؛ بنابراین، می‌توان ابتدا تمام نمازهای صبح را قضا کرد، سپس نمازهای ظهر، سپس نمازهای عصر و پس از آن نمازهای مغرب و سپس نمازهای عشا.

۵۳۴. قضای نماز و روزه والدین: بر پسر بزر تر واجب است نمازها و روزه‌هایی را که والدین بر اثر عذر شرعی ترک کرده و موفق بر قضای آن نشده‌اند به‌جا آورد و نسبت به غیر آن وظیفه‌ای ندارد؛ مگر اینکه وصیت کرده باشند که مطابق آن باید عمل کرد؛ هر چند در صورت امکان شایسته است فرزندان نسبت به آنچه بر آنها واجب نیست نیز اقدام کنند.

۵۳۵. قضای نمازها و روزه‌هایی که مقدار آن معلوم نیست: آن مقدار که یقین دارد قضا شده به‌جا می‌آورد و در مورد مقدار مشکوک وظیفه‌ای ندارد.

۵۳۶. زمان به‌جا آوردن نماز قضا: خواندن نماز قضا محدود به زمان خاصی نیست و در هر ساعتی از شبانه روز می‌توان آن را به‌جا آورد. البته باید در خواندن آن کوتاهی نشود، ولی واجب نیست آن را فوراً به‌جا آورد، مگر آنکه یک یا دو نماز قبل از آن قضا شده باشد که احتیاط واجب این است که پیش از نماز همان روز آن را قضا کند.

۵۳۷. موارد وجوب نماز آیات: نماز آیات در چهار صورت واجب می‌شود: ۱ و ۲. گرفتن خورشید و ماه هرچند مقدار کمی از آنها بگیرد، خواه کسی بترسد یا نه. ۳. زلزله، خواه کسی بترسد یا نه. ۴. صاعقه و بادهای سیاه و سرخ و هرگونه حوادث خوفناک

آسمانی در صورتی که اغلب مردم بترسند، بلکه برای حوادث خوفناک زمینی اگر موجب وحشت بیشتر مردم شود احتیاط واجب آن است که نماز آیات بخوانند.

۵۳۸. روش خواندن نماز آیات: نماز آیات را به چند روش می‌توان خواند که دو روش آن به شرح زیر است: ۱. بعد از نیت و گفتن تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک قسمت از آن را بخواند و به رکوع رود، بعد سر بردارد و قسمت دوم از همان سوره را (بدون حمد) بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام کند و بعد به رکوع رود و رکعت دوم را به همین صورت به‌جا آورد و بعد از سر برداشتن دو سجده کند و رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول به‌جا آورد و در آخر تشهد بخواند و سلام گوید.

۲. بعد از نیت، تکبیر بگویند و یک حمد و سوره کامل بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره کامل بخواند، باز به رکوع رود، تا پنج بار این کار را انجام دهد، بعد از سر برداشتن از رکوع پنجم دو سجده کند و برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول به‌جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

۵۳۹. زمان نماز آیات در وقت زلزله یا صاعقه: هنگامی که زلزله یا صاعقه و مانند آن اتفاق می‌افتد باید بلافاصله نماز آیات خواند و اگر نخواند معصیت کرده و احتیاط مستحب آن است که تا آخر عمر هر وقت توانست بخواند.

۵۴۰. وقت نماز آیات هنگام خورشید یا ماه گرفتگی: وقت نماز آیات از وقتی است که شروع به گرفتن کرده و تازمانی که کاملاً باز نشده ادامه دارد، ولی احتیاط مستحب آن که است قبل از شروع به باز شدن نماز را بخواند.

۵۴۱. قضای نماز آیات: هرگاه زلزله یا صاعقه و مانند آن اتفاق افتد باید بلافاصله نماز آیات بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و احتیاط مستحب آن است که تا آخر عمر هر وقت توانست بخواند.

۵۴۲. وظیفه حائض در مورد نماز آیات: اگر در حال عادت ماهیانه یا نفاس، آفتاب یا ماه بگیرد و تا پایان مدتی که خورشید یا ماه باز می شود از خون حیض و نفاس پاک نشود، نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد.

۵۴۳. تکرار عامل نماز آیات: هرگاه اموری که نماز آیات برای آنها واجب است مکرراً اتفاق بیفتد واجب است برای هر کدام از آنها یک نماز آیات بخواند؛ مثل اینکه چند بار زلزله شود، یا گرفتن خورشید با زلزله همراه گردد، اما اگر در بین نماز آیات این امور واقع شود همان یک نماز آیات کافی است.

۵۴۴. نماز شب: نماز شب که پس از نیمه شب به جا آورده می شود مجموعاً یازده رکعت است که هشت رکعت آن تحت عنوان نافله شب به صورت چهار نماز دو رکعتی و دو رکعت دیگر به نام نماز شفع و یک رکعت به عنوان نماز وتر انجام می شود و آداب زیر در قنوت نماز وتر مستحب است:

طول دادن قنوت، دعا برای چهل مؤمن، هفتاد بار استغفار، سیصد بار العفو. و اگر کسانی نتوانند مستحبات قنوت مزبور را به جا آورند می توانند قنوت آن را مانند نمازهای معمولی بخوانند؛ حتی اگر کسانی وقت نداشته باشند یازده رکعت به جا آورند می توانند به همان سه رکعت نماز شفع و وتر اکتفا کنند.

۵۴۵. راه توفیق نماز شب و قضا نشدن نماز صبح: چنانچه شب‌ها از غذای سبک‌تر و نوشیدنی‌های کمتر استفاده شود، و زودتر بخوابید و از ساعت زنگدار و مانند آن استفاده کنید، این توفیق إن شاء الله نصیبتان خواهد شد.

۵۴۶. تکرار برخی از الفاظ نماز: هرگاه به حدّ وسواس نرسد اشکالی ندارد.

۵۴۷. نماز اول وقت در روز جمعه: احتیاط آن است که تا پایان وقت نماز جمعه، نماز ظهر و عصر به صورت جماعت یا فرادی ترک نشود.

۵۴۸. رسیدن به رکعت دوم نماز جمعه: اگر در رکعت دوم به جماعت اقتدا کرد، رکعت دوم نماز را خودش می خواند و بنا بر احتیاط، قنوت بعد از رکوع رکعت دوم را نمی خواند.

۵۴۹. فلسفه جهر و اخفات نمازها: چون در صدر اسلام مساجد وسیله روشنایی نداشت، مسلمانان موظف بودند نمازهایی را که در تاریکی خوانده می شد (نماز صبح و مغرب و عشاء) بلند بخوانند، تا دیگر مسلمانان متوجه آنان شوند و به صف جماعت ملحق گردند، ولی در مورد نماز ظهر و عصر نیاز به این کار نبود.

و پس از آنکه مساجد به وسایل روشنایی مجهز شد، سنت مزبور به حال خود باقی ماند.

۵۵۰. فلسفه حجاب زنان در نماز: زن باید مناسب‌ترین لباس را در مقابل خداوند بپوشد و مناسب‌ترین لباس زن، حجاب کامل است. به علاوه این کار سبب می‌شود که در موارد دیگر حجاب را فراموش نکند.

۵۵۱. شهادت رابعه: شهادت رابعه نه در اذان و اقامه جایز است و نه در نماز و موجب بطلان نماز می‌شود.

ورزش‌های سالم و ناسالم

۵۵۲. شطرنج: چون امروزه یک نوع ورزش شناخته شده و آلت قمار محسوب نمی‌شود، بازی آن بدون برد و باخت مالی اشکالی ندارد.

۵۵۳. پاسور، بلیارد و تخته نرد: هرگاه آلات مزبور از آلت قمار خارج نشده باشد و نزد توده مردم محل به عنوان وسیله ورزشی یا تفریحی شناخته نشود، بازی با آن بدون برد و باخت مالی نیز اشکال دارد.

۵۵۴. بولینگ: بدون برد و باخت مالی اشکالی ندارد.

۵۵۵. ورزش آیروبیک: هرگاه همراه با آهنگ لهوی نباشد و حرکاتی شبیه به رقص نداشته باشد مانعی ندارد.

۵۵۶. قمار و شرط‌بندی: قمار مطلقاً حرام است و شرط‌بندی نیز

جایز نیست، حتی برای اعضای خانواده، مگر در مسابقات اسب سواری و تیراندازی، آن هم در بین مسابقه‌دهندگان، نه تماشاچیان یا دیگر افراد.

۵۵۷. جوایز مسابقات علمی، ورزشی و مانند آن: هرگاه قراردادی در بین نباشد و جوایز را جایزه‌دهندگان از سوی خودشان به صورت افتخاری بدهند مانعی ندارد.

۵۵۸. پیش بینی نتایج فوتبال: اگر از شرکت کنندگان پولی بگیرند و به قید قرعه از محل پول‌های دریافتی جوایزی به برندگان بپردازند، این کار حرام است.

۵۵۹. دوچرخه سواری و موتور سواری و اسب سواری بانوان: این کارها در محیط‌های مخصوص به بانوان اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه سبب ضرر و زیانی نشود.

وطن و احکام مسافر

۵۶۰. حکم وطن: در یکی از این سه حالت، آن‌جا در حکم وطن اوست، نماز و روزه کامل است و نیازی به قصد ده روز ندارد:

۱. قصد داشته باشد برای مدّت طولانی در آنجا سکونت نماید (مثلاً یکسال یا بیشتر).
۲. هفته‌ای حداقل سه روز در مدت زمان حداقل دو سال در آنجا باشد.
۳. تصمیم به اقامت برای مدت دو سال یا بیشتر داشته باشد و حداقل چهار ماه در سال (هر چند به صورت پراکنده) در آن‌جا باشد.

۵۶۱. وطن پدری: وطن پدر، وطن فرزند محسوب نمی‌شود، همچنین وطن شوهر برای زن؛ مگر این‌که در یکی از این سه حالت، که آن‌جا در حکم وطن او می‌شود و نماز و روزه کامل است و نیازی به قصد ده روز ندارد: ۱. قصد داشته باشد برای مدّت طولانی در آنجا سکونت نماید (مثلاً یکسال یا بیشتر). ۲. هفته‌ای حداقل سه روز در مدت زمان حداقل دو سال در آنجا باشد. ۳. تصمیم به اقامت برای مدت سه سال یا بیشتر داشته باشد و حداقل چهارماه در سال (هر چند به صورت پراکنده) در آن‌جا باشد.

۵۶۲. اعراض عملی: هرگاه شخصی قصد بازگشت به وطن سابق را برای سکونت مستمر داشته باشد، ولی عملاً مدّت طولانی گذشته (مثلاً پنج سال) و هنوز بازنگشته، اعراض عملی حاصل شده و نماز و روزه‌اش در آنجا شکسته است. مگر اینکه سالی سه چهار ماه، هر چند به صورت پراکنده در آنجا سکونت داشته باشد.

۵۶۳. نماز و روزه در وطن سابق: هرگاه از آنجا اعراض کرده، یعنی قصد ندارد برای سکونت مستمر به آنجا بازگردد، نماز و روزه در آنجا شکسته است، مگر اینکه هر سال، سه چهار ماه در آنجا اقامت داشته باشد.

۵۶۴. نماز زوجه در وطن سابق: هرگاه زن قصد تبعیت از شوهر را در محلّ سکونت داشته باشد و زوج قصد رفتن به وطن زوجه برای سکونت مستمر نداشته باشد، نماز زوجه در وطن سابقش شکسته است؛ مگر اینکه پس از ازدواج هر سال سه یا چهارماه در آنجا سکونت داشته باشد.

۵۶۵. کثیر السفر: در یکی از این چهار حالت، کثیرالسفر می‌شود و نماز و روزه‌اش در بین راه و مقصد کامل است: ۱. در مدت زمان یک ماه، هر روز (هر چند بدون جمعه‌ها) رفت و آمد کند. ۲. در مدت زمان ۴۵ روز، ۵ روز در هفته رفت و آمد کند. ۳. در مدت زمان دو ماه و بیشتر، حداقل سه روز در هفته (یا ۱۲ روز در ماه) رفت و آمد کند. ۴. در مدت حداقل دو ماه و کمتر از دو سال، حداقل سه روز در هفته در جایی بماند.

۵۶۶. معیار کثیر السفر: لازم نیست سفرها به یک مقصد یا به یک منظور باشد بلکه معیار، سفرهای متعدّد است؛ لذا چنانچه یک روز برای کار، روز دیگر برای تحصیل و روز سوم برای صلّه رحم به یک محل یا محل‌های متفاوت سفر کند کثیرالسفر محسوب می‌شود و نماز و روزه‌اش کامل است.

۵۶۷. نماز و روزه دانشجویان و امثال آن: هرگاه قصد دارند برای مدّت طولانی در محلی سکونت داشته باشند (مثلاً یک‌سال یا بیشتر)، یا هفته‌ای حداقل سه روز به مدّت دو سال یا بیشتر در آنجا باشند، آنجا در حکم وطنشان خواهد بود و نیاز به قصد ده روز ندارند. ولی اگر آنجا نمی‌مانند، اما در هفته حداقل سه روز رفت و آمد دارند و این کار برای مدّتی (حداقل دو ماه) ادامه دارد، نماز و روزه آنها در آن محل و بین راه تمام است.

۵۶۸. قصد ده روز در دو محل: قصد اقامت در دو محل نزدیک به هم به فاصله سه الی چهار کیلومتر مانعی ندارد، ولی بیش از این تا قبل از ۲۱/۵ کیلومتر (حدّ مسافت شرعی) تنها می‌تواند روزی یکی

دو ساعت برود و برگردد (این گونه اقامت را چه از ابتدا قصد کند یا نه، تفاوتی ندارد)، مگر اینکه بعد از گذشتن ده روز یا بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و به محلّ اقامت خود بازگردد که در این صورت باید نماز را تمام بخواند.

وقف

۵۶۹. وقف از نظر شرع مقدّس: وقف کار پسندیده و جزء باقیات الصّالحات است و ائمه اطهار علیهم السلام به وقف توجّه داشتند، ولی سابقه بدی که در عصر ما برای برخی موقوفات پیدا شده و از صورت اصلی خارج و فروش گردیده، باعث سلب اطمینان بعضی از مردم شده است. امیدواریم با برنامه ریزی صحیح برای حفظ موقوفات و صرف درآمد آن طبق نیت واقف، این بدبینی برطرف و اطمینان کامل ایجاد شود.

۵۷۰. وقف معاطاتی: منظور از وقف معاطاتی آن است که مثلاً زمین مواتی را حصار کشی و آن را برای دفن اموات آماده کند، این گونه وقف ها درست است و وقف معاطاتی محسوب می شوند.

۵۷۱. تغییر اوقاف: بعد از تحقّق وقف، املاک وقفی را نمی توان تغییر داد مگر اینکه ضرورتی ایجاب کند؛ مثلاً ملک موقوفه در آن شرایط هیچ فایده ای برای مصارف وقف نداشته باشد که می توانند آن را بفروشند و در جای دیگر ملک مناسبی بخرند و آن را بلافاصله وقف کنند.

۵۷۲. تبدیل مکان‌های موقوفه غیر مورد نیاز: چنانچه در حال و آینده نیاز به استفاده از آن مکان مطابق نیت واقف نباشد (مثل آب‌انبار در زمان ما) می‌توان برای سایر کارهای عامّ المنفعه از آن استفاده کرد. و در صورتی که امکان استفاده از آن مکان نباشد می‌توانند آن را بفروشند و مکان دیگری خریده و از آن برای کارهای عام‌المنفعه استفاده کرد.

۵۷۳. تبدیل املاک موقوفه غیر قابل استفاده: در صورتی که در حال و آینده به هیچ‌وجه قابل استفاده نباشد می‌توان آن را فروخت و زمین مناسب قابل استفاده‌ای خرید و آن را وقف کرد و مطابق نیت واقف از درآمد آن استفاده کرد.

۵۷۴. تبدیل اجناس و اشیاء موقوفه: در صورتی که قابل استفاده نباشد، و یا ادامه استفاده از آن سبب شود که در آینده نزدیک قابل استفاده نباشد، و یا بر اثر یک دست نبودن منظره ناخوشایندی داشته باشد، تبدیل آن به اجناس مشابه مورد نیاز جایز است.

۵۷۵. فروش قبرهای موقوفه: فروش قبر در قبرستان‌های موقوفه جایز نیست، اما متولّی قبرستان می‌تواند مبلغ مختصری بابت هزینه‌های نگهداری و خدماتی که در قبرستان به زوّار قبور ارائه می‌کند از اولیای میّت بگیرد. و در صورتی که زمین آنجا وقف قبرستان نشده باشد، بلکه وقف بر امامزاده باشد، گرفتن وجه به نفع امامزاده مانعی ندارد و در هر حال انصاف را باید رعایت کرد.

متفرقه و سایر مسائل به ترتیب حروف الفبا

۵۷۶. آموزش فلسفه: فراگرفتن فلسفه برای کسانی که پایه‌های اعتقادی خود را محکم کرده‌اند، نه تنها ضرری ندارد بلکه کمک به پیشرفت فکری آنهاست، ولی باید آن را نزد استاد متعهد و مورد اطمینان فرا گرفت.

۵۷۷. احیاء موات: در زمان حکومت اسلامی، احیاء موات باید با اجازه حکومت باشد و نمی‌توان خودسرانه عمل کرد؛ بنابراین زمین‌های مواتی که در زمان حکومت طاغوت احیا شده تعلق به احیا کنندگان است، اما زمین‌هایی که در عصر حکومت اسلامی مخفیانه و بدون اجازه احیا می‌کنند مالک نمی‌شوند، چون اراضی موات جزء انفال محسوب می‌شود که از اموال امام است و زمانی که نائب امام مسلط باشد نمی‌توان بدون اجازه او اقدام کرد.

۵۷۸. استفاده از سلاح هسته‌ای: در مورد جنگ‌های اسلامی که معمولاً جنبه دفاعی دارد سفارشی شده است که از آزار رساندن به غیر نظامیان به‌ویژه کودکان و زنان و حتی حیوانات و درختان پرهیز شود و در مورد نظامیان نیز از کارهایی که باعث متلاشی شدن اندام آنها می‌شود خودداری کنند. بنابراین، استفاده از بمب‌های اتمی که جنبه کشتار جمعی دارد و مخالف بسیاری از دستوره‌های اسلامی است ممنوع و حرام است.

۵۷۹. اعتبار تقویم‌های نجومی: معمولاً تهیه کنندگان این تقویم‌ها اهل خبره هستند و در مورد موضوعات شرعیّه؛ مثلاً «قمر در عقرب» سخانشان قبول است.

۵۸۰. پس گرفتن هدیه: اگر هدیه گیرنده از اقوام و خویشاوندان هدیه دهنده باشد نمی‌تواند آن را پس بگیرد، مگر اینکه شرط خاصی در مقابل دادن هدیه کرده و یا هدیه مشروط به ادامه ازدواج و امثال آن بوده باشد و آن شرط حاصل نشود. اما اگر از خویشاوندان نباشد در صورتی می‌تواند پس بگیرد که عین آن هدیه موجود باشد و مصرف نشده باشد و شرط خاصی در مقابل دادن هدیه نکرده باشد.

۵۸۱. پیامک صلوات: فرستادن صلوات بسیار مطلوب و انجام دادن آن به امید رسیدن به حاجت، خوب است اما عمل به محتوای این نوع پیامک (ارسال به دیگری) واجب نیست.

۵۸۲. تعبیر خواب: برای خواب‌های خود تعبیر خوب کرده و آن را برای هر کس نقل نکنید. در ضمن توجه داشته باشید که خواب شرعا حجّت نیست.

۵۸۳. تکدی‌گری: هرگاه نیاز نداشته باشد این کار حرام است و تصرف در پول حاصل از آن جایز نیست و سفر برای این کار سفر حرام محسوب می‌شود و باید وجوه حاصله را به صاحبانش بدهد و اگر نمی‌شناسد به افراد نیازمند بپردازد.

۵۸۴. جواب سلام پیامک: چنانچه قصد جدی برای سلام کردن داشته باشد باید به آن سلام پاسخ داد.

۵۸۵. حضور در کشورهای اسلامی و جنگ با دشمنانشان: این کار نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسانه، با توجه به وضعیت جهانی و منطقه

دارد. هرگاه این شرایط فراهم شد، مسؤولین اعلان خواهند کرد. ولی می توان از طریق مالی، سیاسی، دعا، توسل و مانند آن به آنها کمک کرد.

۵۸۶. خودکشی: خودکشی از گناهان کبیره است و مجازات شدیدی در جهان آخرت دارد و شخص مؤمن هرگز به آن فکر نمی کند و نشانه ضعف و ناتوانی ایمان است.

۵۸۷. درهم: هر درهم معادل ۲/۵ گرم نقره (تقریباً ۵۰۰۰ تومان) است. برای اطلاع از قیمت دقیق آن می توانید به زرگرها مراجعه کنید.

۵۸۸. دینار: هر دینار یک مثقال شرعی است و حدود ۳/۴ گرم طلا. برای اطلاع از قیمت دقیق آن می توانید به زرگرها مراجعه کنید.

۵۸۹. سفره هفت سین: این مراسم جزء تشریفات نوروز است؛ البته مدرکی ندارد و ضروری به جایی نمی زند، پس استفاده از آن اشکالی ندارد.

۵۹۰. شهید کیست؟: شهید به معنی خاص که احکام ویژه ای دارد به کسانی گفته می شود که در میدان نبرد در راه اسلام به شهادت رسیده باشند، ولی تمام کسانی که در راه ادای وظیفه الهی به قتل می رسند شهید به معنی عام هستند و اجر شهید را دارند.

۵۹۱. دخل و تصرف در صندوق صدقات: هرگاه صندوق متعلق به موسسه خاصی نباشد و یا به شما اجازه این کار را داده باشند می توانید در آن تصرف کنید.

۵۹۲. ظروف نانو نقره: اگر عرفاً به آن نقره گفته شود از آن نمی توان استفاده کرد؛ مگر در حال ضرورت.

۵۹۳. عقیقه: (قربانی کردن گوسفند و مانند آن برای فرزند) برای کسی که توانایی دارد مستحب مؤکد است. تقسیم و طبخ آن به هر صورت باشد مانعی ندارد هرچند در برخی روایات از آبگوشت نام برده شده و بهتر است پدر و مادر از گوشت آن نخورند. اما دفن استخوان‌ها دلیل روشنی ندارد.

۵۹۴. عملیات استشهادی: هرگاه تنها راه دفاع از اسلام و کشورهای اسلام و حفظ جان مسلمانان باشد و راه دیگری وجود نداشته باشد، عملیاتی که در مورد نظامی‌ها انجام می‌شود از باب ضرورت و به مقدار ضرورت جایز است.

۵۹۵. کمک به گدایانی که استحقاق آنها روشن نیست: این کار اشکالی ندارد، ولی بهتر این است که انسان صدقات خود را به کسان یا مؤسساتی بدهد که اطمینان از مصرف صحیح آن دارد.

۵۹۶. لطیفه‌های قومی: هرگاه باعث ایذا یا هتک آن اقوام شود حرام است.

۵۹۷. مالک یارانه: مربوط به کسی است که هزینه‌های زندگی مانند آب، برق، گاز و... را می‌پردازد.

۵۹۸. مراسم عید نوروز: اولاً در برخی روایات نوروز عید مذهبی به شمار می‌آمده که حوادث تاریخی مطلوب یا پیروزی‌هایی در آن واقع شده، ولی چون اعتبار این روایات ثابت نیست نمی‌توان نوروز را به عنوان عید مذهبی در نظر گرفت اما عید ملی ایرانیان و برخی کشورهای

۱. شرح این مطلب را می‌توانید در کتاب مفاتیح نوین، صفحه ۹۰۶ به بعد مطالعه کنید.

اسلامی دیگر است، مانند بسیاری از اعیاد که در میان اقوام جهان مرسوم است و بدعت محسوب نمی‌شود. اساس این عید ملی آغاز بهار است که تحوّل مهمّی در عالم طبیعت و موجودات به وجود می‌آید. ثانیاً به سبب این عید سنت‌های حسنه و کارهای پسندیده‌ای، از جمله: دعا و توجّه به خداوند در آغاز سال، صلّه رحم، کنار گذاشتن کدورت‌ها، نظافت، مسافرت و تجدید قوا برای انجام دادن کار بهتر، کمک به نیازمندان در هفته احسان و نیکوکاری و مانند آن انجام می‌شود که آثار مثبتی دارد و از نظر اسلام مطلوب است. ولی باید از آمیخته شدن این امور مثبت با خرافات و گناهان خودداری کرد، از جمله شب چهارشنبه سوری است که هیچ مدرکی برای آن نیست و تفاوتی با سایر چهارشنبه‌ها ندارد و هر سال ضایعات فراوانی مانند نقص در بدن یا آسیب رسیدن به بیماران قلبی و عصبی و زنان باردار به وجود می‌آید که نمی‌توان این‌ها را نادیده گرفت و گفت این مراسم جزء آداب نیاکان است، زیرا مصداق سخن مشرکان در آیه شریفه ﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ﴾^۱ خواهد شد. و پریدن از روی آتش و تبادل سرخی و زردی و امثال آن قطعاً از خرافات است. همچنین روز سیزدهم فروردین که می‌تواند آثار مثبتی، از جمله گردش در طبیعت و دیدن

۱. و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر اندرزکننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: «ما پدران خود بر آیینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.» سورة زخرف، آیه ۲۳.

آثار عظیم خلقت خداوند و تفریح سالم داشته باشد و نباید آن را با خرافاتی از جمله نحس دانستن آن و پایمال کردن زراعت مردم به این بهانه و ارتکاب گناهان آلوده کرد. با توجه به نکات ذکر شده باید اعتدال را در مورد این عید در نظر گرفت؛ از طرفی نباید آن را به طور کامل نفی کرد زیرا آثار مثبت فراوانی دارد و نه هر چیز را که به نام عید نوروز انجام می شود پذیرفت. «وَكذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ»^۱.

۵۹۹. نامگذاری دختران به «الهه» و پسران به «رحمان» و «رحیم»:

نام الهه را باید عوض کنند ولی رحمان و رحیم اشکالی ندارد، اما بهتر است عبدالرحمان و عبدالرحیم بگذارند.

۶۰۰. وظیفه طلاب: آن است که به خوبی درس بخوانند،

و درس های خود را مباحثه کنند، و در کنار دروس به مطالعه کتاب های اعتقادی و تفسیری و احکام بپردازند، و در حدّ توان به تبلیغ دین اشتغال ورزند و با عمل، مردم را به دین خوش بین سازند.



۱. سوره بقره، آیه ۱۴۳: همان گونه (که قبله شما، قبله میانه است) شما را نیز، اُمّتی میانه قرار دادیم (در حدّ اعتدال) تا بر مردم گواه باشید.